کتابخانه آستان قدس رضوی
شماره ثبت
تاریخ
۱۰۳۶۶

فسبحان الله حين تمسون
وحين تصبحون وله الحمد
في السموات والارض وعشيا
وحين تظهرون يخرج الحي
من الميت ويخرج الميت من الحي
ويحيي الارض بعد موتها
وكذلك تخرجون

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۱۶۹۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷ ح ۵۷۷ ش

سرشناسه: حسینی، احمد بن محمد، ۱۱۷۵ - ۱۲۳۸؟ ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: شرح صلوات

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: [بی تا]

صفحه شمار: ۱ج. (بدون شماره گذاری) مصور□ درسی□ گراور یا افست□

زبان: فارسی ابعاد: ۱۸×۱۱ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی□ اهدایی☑ خریداری□ ارسالی□

توضیحات: عباس فخیمی تاریخ ثبت آذر ۶۱

یادداشتها:

موضوع(ها): ۱. صلوات. ۲. صلوات - احادیث

شناسه(های) افزوده: الف. فخیمی، عباس، اهداکننده. ب. عنوان.

فهرستنگار: شیدائی تاریخ فهرستنگاری: شهریور ۸۰

٤٩١١١
٢٩٧/٧٧٤
کتابخانه آستان تقدیس ش ٢٧٨٥ الف
ویژه کتاب

هذا کتاب شرح صلوة

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم على ما اخذت عهدك علينا بالايمان بك والاعتراف بنبوة نبيك محمد صلى الله عليه وآله وولاية اوصيائه في الاولين ونشكرك على ما وفقتنا للوفاء بما عهدنا عندك واعترفنا لديك في الآخرين ونشهد لك على انا مسلمون لهم ومصلون عليهم ونسئلك ان تجعل ما اتيتنا من معرفتهم مستقرا عندك حتى تقربنا به لديك وتوصلنا اليهم فاجعل اللهم شرائف صلواتك ونوامي بركاتك عليه وعليهم اما بعد بنده حقير معترف بتقصير احمد بن محمد الحسينی حشرهما الله مع مواليهما بر الواح ارواح ارباب بصيرت و صاحبان خبرت می نگارد كه از جمله اعمالی كه در آيات كلام مجيد ربانی بتصريح و تلويح امر بان وارد شده است و در اخبار اهل بيت اطهار آيه واذكروا الله كثيرا بان مؤول گرديده است و درود و صلوات و سلام بر حضرت ختمی منقبت قرشی نسب امی لقبی است كه چون رايت نبوتش را بخط قلم قم فانذر در عرصه عالم امكان بر افراختند و آوازه رسالتش را بنداء انا ارسلناك كافة للناس در مسامع

عالمیان

عالميان انداختند جميع خلايق را تا قيام قيامت دعوت او ساختند و امت مرحومه اش را بتشريف شريف كنتم خير امة اخرجت للناس نواختند عليه وآله من الصلوات اشرفها ومن التحيات انماها ومع ذلك فضايل و فواضل و خواص و فوايد آن بموجب اخبار بسيار و بحسب تجربه و اعتبار از هر عملی و ذكری افزون و از حيز تقرير و تحرير بيرون و نسبت بلكه از بعضی اخبار چنان مستفاد ميگردد كه هر دعا و عمل كه سر و قدمش از اين خلخال و افسر خالی و گوش و گردنش از اين حلی و زيور عاری باشد در بارگاه قدس راه دخول و مرتبه قبول بهم نميرساند و نقد هر عبادتی كه در دار الضرب يقين بتوشيح اين سكه تزيين نيافته باشد در نظر حقيقت بين صرافان نقود اعمال بپشيزی نمی ارزد و بالجمله درود فرستادن بانسرور از جمله فرايض لازمه و عبادات مفروضه است كه هيچ مؤمن در تهاون بان معذور نخواهد بود و بدلالت اخبار مرويه از رسول مختار و اهل بيت اطهار عليهم صلوات الله الملك الجبار تارك آن راه بهشت نخواهد پيمود و با وجود اين مراتب تا حال كتاب و رساله از علمای اصحاب ما كه در ذكر فضايل و فوايد آن استقصا رفته باشد بنظر نرسيده و شواهد بنای اخبار و آثاری كه در آن باب وارد شده است بر هيئت اجتماع بر منصه ظهور جلوه گر نديد بلكه

در هر جا از آن بیانی و در هر مقامی از آن داستانی ایراد نموده اند گویا چنان
پنداشته اند که جمیع کتب و رسائل بیان احوال و تفصیل اجمال آن مقالست
ولنعم ما حسبوا و درین اوان که حضرت عزت ساحت جهانبانی جود و مسعودی
جود زینت داد که منظور نظری جز تقویت اسلام و ترتیب مسلمین ندارد
و دست قدرت حق جل و علا زمام اختیار انام را در کف کفایت ذی شانی
نهاد که بغیر از تحصیل رضای خالق و رفاه خلایق همت بر کاری دیگر نمیگمارد
یعنی زینت افزای اورنگ سروری و مالک ممالک جهانبانی و دادگستری
صاحب عدل شامل و ید باذل و عقل کامل و قلب عاقل و طبع باذل و
درایت و شوکت و عظمت و جلالت بی نهایت آنکه تا بوده کمر شیشه از
سنن شریعه را تارک نبوده و با وجود حشمت شباب و جمعیت اسباب هرگز را
ارتکاب هیچ منکری را نمی پیموده و عفو عمیمش در مقام مرحمت عذر پذیرای سیئات
و غضب عالم سوزش در موضع سطوت سخت گیر مجمع البحرین علم و ادب
و مخزن اللؤلؤین حسب و نسب شاهزاده آزاده افراسیاب شان منوچهر
لقا محمد ولی میرزا ایده الله ملکه و سلطانه و اید الله انصاره و اعوانه
خاطر مهر تنویر آفتاب نظیرش چنان خطور نمود که این بنده مستهام کمینا را
بجمع و تالیف و ترتیب و توصیف رساله نامور سازد که مشتمل باشد بر آنچه

تعلق

تعلق بصلوات فرستادن دارد از اخبار و آثاری که از مطالعه کتب اصحاب
نظر اینگونه نظر رسیده و یا از ملاحظه دفاتر اغیار پر نور شعور این بی
شعور بر آن تابیده با نضمام هر صلواتی که از انبیاء و مرسلین و ائمه معصومین
ماثور و مروی گردیده است و بعد از انها امر مطاع لا زال مطاعا فی
الارباع والاصقاع باین بی بضاعت امثال را اکمر اجتهاد بر میان بستم و مانند
ماهران در علوم بر بساط افاده و اظهار فضل نشستم و عذری درین
عمل بجز نکته مشهور که المامور معذور ندارم تنها امید واثق دارم بیمن توجه
خاطر فیض مظاهر آن معظم لا زال مهبطا للفیوضات که دور سپهر گردون
بی مهر که هردم بوقلمون وار برنگی بر آید هر لحظه چون مرد خیال بار نقشی
نماید و از سر بیرحمی چراغ مراد نامرادی را بباد حدثان فرو نشاند و خار
نومیدی و حرمان در دیده امید نا امیدی بشکناند عادت خونش را ترک نموده
در تیسیر اسباب آن طریق مسامحه سپرد و ایام نافرجام از سر مضایقه
مامول بر خواسته بر طبق مسئول صورت حصول پذیرد و مطلوب
بنحوی که پسندیده ارباب فضل و محبوب اصحاب قلوب باشد صورت انجام
گیرد والمرجو من الله ان یمن علینا بتصدیق الظن و تحقیق الامل و تثبیت
اقدامنا فی مصارع القول والعمل و یصلی علی النبی المرسل والرسول

الکرم

المکرم المبجل وعلی آله الاخیار الاطهار وعلی الذین اتبعوهم باحسان وهو
حسبنا ونعم الوکیل واین رساله مشتملست بر هشت فصل فصل اول
در بیان معنی صلوة وتسلیم بحسب لغت واصطلاح بدانکه جمهور متفقند
برانکه صلوة در اصل لغت بمعنی دعاست ونماز را بجهت اشتمال بر دعا
صلوة میگویند الحال در عرف صلوة را بر دو چیز اطلاق میکنند یکی
درود وان دعائیست خاص که مضمونش استدعای رفعت درجه وازدیاد
قرب حضرت رسالت صلی الله علیه وآله مرتبت است دوم نماز وان عبادت
از عبادتیست مخصوص مشتمل بر حرکات وسکنات وادعیه واذکار مخصوصه
ودر بعضی کتب مذکور است که لفظ صلوة در اصل لغت موضوعست بازاء
معنی دعا ودر شریعت بازاء مجموع اذکار وهیئات چند قلبی وقالبی وقولی
وفعلی وحقیقت دعا بر وجه اتم واکمل انست که بنده بجمیع اجزاء وجود از
فعل وقول وعلم وحال حق سبحانه وتعالی را بخواند بنحویکه هیچ ذره از
ذرات وجودش از دعا خالی نباشد وجمیع اعضا زبان طلب کننده باشد
تا انکه مضمون المصلی یناجی ربه بر او صدق کند وهمچنین درود دهنده
نیز باید که چون زبان بذکر الفاظ صلوة بکشاید دل با زبان موافقت
نماید ودر معنی ان لفظ بزرگوار از سر حضور خاطر وصفای باطن تامل

فصل اول

وتدبر فرماید زیرا که هر فعلی وحرکتی که از زبان یا از یکی از دیگر اعضا
وارکان بی فرمان والتفات جان صادر گردد بسهو ونسیان موسوم میگردد و
بهیچوجه اعتبار ندارد وصاحب کشاف وگروهی صلوة را از صلی که بمعنی
که بمعنی حرکت دادن صلوین گرفته اند وصلوین در لغت دو استخوانست
در عجز حیوان که دم حیوانات از قبیل فرس وحمار در میان آن دو استخوان میگذرد
وچون نماز گذارنده در وقت رکوع وسجود آن دو استخوان را حرکت میدهد
او را مصلی وانعمل را صلوة نام نهاده اند وبنا بر این تسمیه درود فرستادن را
صلوة گفته اند باعتبار انکه فرستنده درود در خشوع وتضرع بنماز
گذارنده شبیه است وهمین گروه احتمال اشتقاق ان از صلوة بمعنی دعا را
نیز ذکر کرده اند وگروه دیگر صلوة را از صلی که بمعنی داخل آتش شدن
باشد گرفته اند وگفته اند که جهت تسمیه نماز بصلوة باین معنی انست که
نماز گذارنده حقیقی انکس است که در حال نماز از مشاهده انوار تجلی معبود
محترق وگدازان باشد همچنین درود دهنده باید که در پرتو محبت
حبیب الله صلی الله علیه وآله ذوبان یافته از هر غل وغش پاک گردیده
باشد تا نقد صلواتش در دار الضرب اخلاص بسکه قبول رسد وبعضی
گفته اند که صلوة از تصلیه مشتقست که بمعنی متابعت است وایراء لا

صدق و لا صلی را برین معنی حمل نموده اند و اسب دوم در متابعت مصلی میگویند بجهة
آنکه تابع اسب اول است کما از المجلی مینامند بر این نقل و وجه تسمیه آنست که نماز
گذارنده تابع شارعست در امری که نموده و درود دهنده تابع خداوند و
ملائکه است در انجا که فرموده ان الله و ملئکته یصلون علی النبی یا ایها
الذین امنوا صلوا علیه و بعضی در ذکر اشتقاق صلوة از صله دانسته اند
و گفته اند که نماز گذار حقیقی آنست که در حال نماز از خلق منفصل و بخالق
متصل گردد و درود دهنده کامل آنکس است که با نوار سنت متصل و از
آثار بدعت منقطع شده باشد و یکی از عرفا میگوید که اگر چه صلوة بمعنی نماز است
اما صله فیض ربوبیت است بمربوب و رابطه تقرب عبد است بمعبود و صلوة
بمعنی درود است و صله التفات آنحضرت بامت و واسطه اتصال امت است بآنحضرت
و میگوید که اتصال بکسی بدون انفصال از دیگری صورت نبندد پس
مصلی هر دو معنی باید که از سوی ما سوی مطلق بگسلد تا باو تواند پیوست و بدانکه
مشهور نزد جمهور آنست که صلوة از حقتعالی بمعنی رحمت است و از ملئکه بمعنی
استغفار و از پیغمبران و از مومنان بمعنی دعا و در بعضی از کتب تفاسیر
مذکور است که صلوة از حقتعالی پنج معنی دارد رحمت و مغفرت و ثنا و
تزکیه و کرامت و از ملئکه بمعنی دعا و استغفار است و صلوة مومنان دعاست

پس و بعضی گفته اند که از حقتعالی ذکر خیر بنده است و ثنا و رحمت و رضوان و از
ملائکه ثنا و دعا و از مبرد نقل کرده اند که اصل صلوة ترحم است پس از
حقتعالی بمعنی رحمت باشد و از ملائکه بمعنی رقت و طایفه صلوة را بمعنی
رحمت ضعیف میدانند بدو دلیل اول آنکه حقتعالی در آیه اولئک علیهم
صلوات من ربهم و رحمة رحمت را بر صلوات عطف نموده و این دلیل بر مغایرت است
دوم آنکه صلوات مخصوص بگروهی خاص و رحمت عام و شامل همه اشیاست و
گفته اند که صلوات از حقتعالی ثنا است و بعضی گفته اند که صلوة حقتعالی
بر غیر پیغمبر ما صلی الله علیه و آله رحمت است و بر آنحضرت زیادتی مکرمت و ابن
بابویه در کتاب معانی الاخبار از ابو حمزه روایت کرده است که از امام جعفر
صادق علیه السلام سوال نمودم از آیه ان الله و ملئکته یصلون علی النبی
یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما فرمود که صلوة از حضرت
عزت رحمت است و از ملئکه تزکیه و از مردم دعا و سلام تسلیم نمودن است در
آنچه بر آنحضرت نازل شده است و قریب بهمین معنی را در معنی صلوات در
کتاب ثواب الاعمال از امام موسی کاظم علیه السلم روایت کرده است و این
حدیث رد میکند قول کسانی را که صلوة بمعنی رحمت را ضعیف شمرده اند
و در جواب دلیل ایشان میگوییم که رحمت را مراتب بسیار و

صلوة مراد و رحمت مطلق نیست بلکه مراد از ان نوع خاص از رحمتست و ذکر رحمت
در ایه اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة از قبیل ذکر عام است بعد از خاص
و بعضی گفته اند که معنی صل علی محمد که بر زبان جاری میشود انست که معظم
گردان حبیب خود را در دنیا باعلاء دین و اظهار دعوت و اعطا ذکر و ابقای
شریعت و در اخرت بتضعیف ثواب و قبول شفاعت و تقدیم انحضرت بر کافه
انبیا و رفع درجه او در جوار کبریا و این دعائیست که بی شبهه بهدف اجابت
میرسد و یکی از علما علم حروف گفته است که صلوة مرکبست از صاد صمد و لام
لطیف و واو واحد و هاء هادی و کسی بر معنی ان مطلع میگردد که بر حقایق
اسما مطلع شده باشد بدانکه علما در تفسیر سلام سه معنی ذکر کرده اند یکی
انکه سلام بمعنی سلامت باشد یعنی سلامت ترا باد و بر تو باد دوم انکه مراد از سلام
اسم حقتعالی باشد یعنی حق سبحانه و تعالی بر حفظ و رعایت تو و کفیل و بعون و حمایت
تو کفیل باد سیم انکه بمعنی تسلیم باشد یعنی تسلیم و انقیاد از جانب ما مر ترا است
و هر چه فرمایی ما موریم و از مخالفت و مجانبت تو دور و انچه از اخبار ائمه اطهار
علیهم السلام معلوم میشود مراد از ان در ایه شریفه معنی سیم است مثل انکه بروایت
در کتاب مجالس در تفسیر ایه ان الله و ملئکته یصلون علی النبی از امام
جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که صلوا علیه و سلموا تسلیما

یعنی ثنای انحضرت را بگوئید و تسلیم نمائید انچه را که انحضرت اورده است و در
تفسیر علی بن ابرهیم مذکور است که صلوة از حقتعالی تزکیه و ثناست و صلوة
ملئکه مدح کردن ایشانست انجناب را و صلوة مؤمنان دعا کردن نسبت برای ان
حضرت و تصدیق و اقرار بفضل انحضرت نمودن و معنی تسلیم تسلیم کردنست
ولایت را و تسلیم نمودنست انچه را که انحضرت اورده است فصل دویم

فصل دوم

در ذکر نکات و ابحاث متعلقه بایه صلوات یعنی ایه ان الله و ملئکته یصلون
علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما و ترجمه این ایه اینست
که بدرستیکه حقتعالی و ملئکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر صلی الله علیه
و اله ای کسانیکه ایمان اورده اید صلوات فرستید براو و تسلیم کنید تسلیم کردنی
و در کتاب احتجاج از امیر المومنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود برای این
ایه ظاهری و باطنی است و ظاهرش صلوا علیه است و باطنش و سلموا تسلیما
یعنی تسلیم نمائید برای کسی که او را وصی و خلیفه خود گردانیده است بر شما و با
او سپرده است پس فرمود که اینست انچه من خبر میدادم که تاویل را کسی میفهمد
که حسی لطیف و ذهنی صاف و تمیزی صحیح داشته باشد از ابن عباس مرویست که
چون این ایه نازل شد بشره حسان مبارک انحضرت از غایت مسرت بر افروخته گشت و
فرمود که تهنیت کنید مرا که ایه بر من نازل شده است که در نزد من دوست تر است از

دنیا

ملئکه دنیا و از هر چه در دنیاست و در بعضی از کتب مذکور است که چون بعد از نفخ روح
در آدم علیه السلام بسجود او مأمور گردیدند در تصور ایشان چنان بود که چون روح در
جسد مطهر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله دمیده شود البته بسجود او مأمور
خواهند گردید و چون بعد از ظهور وجود حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
در عرصه این عالم این امر صادر نشد حق سبحانه و تعالی بجهة رفع شبهه تفضیل
آدم بر خاتم علیهما السلام بجود خود بر آنحضرت صلوات فرستاد و ملئکه و مؤمنان را
نیز باین امر فرمود تا از آن ظاهر شود که اگر در آنجا همین زمره ملئکه بسجده آدم علیه السلام
مأمور گردیدند در اینجا حضرت باری با ملئکه و مؤمنان بر آنحضرت صلوات
ملئکه و درود فرستادند و در آنجا سجده آدم را یک بار بیش نبود و در اینجا خالق و
مخلوق خلایق بر توالی و تتابع بر آنحضرت درود میفرستند مؤلف گوید که اگر
چه قایل این قول استنباط نموده و اظهار شرف و برتری آنسرور در ابرار و البشر نموده
و گویا مبدأ استنباط روایتی بوده که در ارشاد القلوب از موسی بن جعفر علیهما السلام
امده منقول است که یهودی بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام و از فضل خاتم انبیاء
صلی الله علیه و آله بر سایر انبیا علیهم السلام سؤال نمود و گفت که حق تعالی
ملئکه را بسجده آدم علیه السلام امر کرد آنحضرت فرمود که افضل از آن را
بمحمد صلی الله علیه و آله کرامت نموده زیرا که خود بر او صلوات فرستاد و بملائکه

امر فرموده که بر او صلوات فرستند عبادت عباد در آثار و فنا است در صلوات بر آن
حضرت قرار داده و فرموده که ان الله و ملئکته یصلون علی النبی یا ایها الذین
آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما و هر که در حال حیوة یا بعد از وفات آنحضرت
بر او صلوات فرستد حق تعالی بهر صلوات ده صلوات بر آنکس میفرستد و ده حسنه
باو عطا میفرماید هر که بعد از وفات آنجناب بر او صلوات فرستد آنحضرت بر آن
مطلع میشود و بر آنکس صلوات و سلام میفرستد مثل صلواتی که فرستاده است و
حق سبحانه و تعالی دعای امتی او را در هر چه از پروردگار سؤال نمایند موقوف می
دارد و باجابت نمیرسانند تا آنکه بر آنحضرت صلوات فرستند و این بزرگتر و عظیمتر است
از آنچه بآدم علیه السلام عطا فرموده الحدیث بطوله اما بر مطلع بر اسرار او متدبر
در اخبار ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر خواهد بود که سجود ملائکه مر آدم را
بواسطه نوری بود از آن سرور و ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله الملک
الاکبر که حضرت آدم علیه السلام مستودع مقر آن گردید و بطفیل آن بمرتبه
مسجودیت ملئکه رسید و آنچه امیر المؤمنین علیه السلام در الزام آن یهودی
فرموده از باب مجادله باحسن است که حق تعالی در آیه کریمه و جادلهم بالتی هی
احسن پیغمبر را صلی الله علیه و آله بآن امر فرموده است و دیگری از اهل فضل
در ذکر نکات متعلقه باین آیه شریفه ذکر کرده است که حق سبحانه و تعالی در و

بر آنحضرت

بر آنحضرت را با شهادت بر توحید مشابهتی داده و چنانچه در شهادت بتوحید بخود
ابتدا نموده و فرموده است که شهد الله انه لا اله الا هو و بعد از آن گواهی
ملائکه را بر آن عطف نموده که و الملائکة و در سیم مرتبه شهادت مومنان را
که اولوا العلم ایشانند بآن ملحق گردانیده همچنین در درود بر آنحضرت نخست
بخود ابتدا کرده و بعد از آن صلوات ملئکه را خبر داده و در سیم مرتبه مومنان را
فرموده که صلوا علیه و آله از این مستفاد میشود که ظهور شرف و فضیلت آنحضرت
بر وجهی است که دل هیچ غافل کنه آن نداند و زبان هیچ کامل بشمهٔ از
شرح آن نتواند و دیگر از اشارتی که در صلوات خدا بر اشرف انبیا صلی الله
علیه و آله میتوان فهمید آنست که مومنان بصلوات فرستادن رغبت نمایند زیرا
که چون دیدند که حق سبحانه و تعالی با کمال استغنا بر آنحضرت درود میفرستد
ایشان میدانند که با وجود احتیاج بشفاعت آنحضرت بدرود فرستادن سزاوارترند
زیرا که درود و سلام بهتر وسیله است برای شفاعت و دیگر آنکه صلوات
مومنان و ملائکه چون بآن قرین گردد لایق قبول آنحضرت میشود و در حکمت
صلوات فرستادن ملئکه بر آنحضرت گفته اند که چنانکه آدمیان در عرصهٔ آفات
هدف سهام بلیات میباشند ملئکه نیز پیوسته از نوازل قضا و قدر ترسان
و از واقعهٔ هراسان میبودند حق تعالی برای امنیت خاطر و جمعیت بواطن ایشان را ابلیس

امر بصلوات فرستادن بر حبیب خود فرموده تا که از برکت آن از بلیات محفوظ مانند
و اگر بعقوبتی مبتلا شوند بواسطهٔ آن از آن بلیه باز رهند و در بعضی کتب
مذکور است که روزی جبرئیل علیه السلام بنزد رسول جلیل آمد و گفت یا رسول الله
امروز امر غریبی مشاهده نمودم آن امر اینست که در وقت نزول از آسمان گذارم بکوه قاف
افتاد و در آنجا آواز نالهٔ دلخراش و فریاد جگرسوزی بسمع من رسید دانستم
که محنت رسیده ایست که بآن زاری میناله و درمانده ایست که بآن نیازمندی
میخروشد از عقب آن ناله رفتم فرشته را دیدم که پیش از آن او را در آسمان
بعظمت هر چه تمامتر دیده بودم که بر تختی از نور بی نشسته و هفتاد هزار فرشته
در خدمت او صف زده می ایستادند و چون نفس میزد ملائکه از نفس او مخلوق
میشدند و او را دیدم که با دل خسته و بالی شکسته بر زمین افتاده و چون از حال او
استفسار نمودم گفت که در شب معراج مصطفی صلی الله علیه و آله من بر تخت
خود نشسته بودم و بتعظیم آنحضرت نپرداختم و شرایط تبجیل و تکریم را چنانکه
بایست بجا نیاوردم بآن عقوبت مبتلا گشتم و از ذروهٔ افلاک بحضیض خاک
افتادم الحال تو شفیع من شو و از حضرت ذو الجلال عفو مرا درخواست کن
و من بدرگاه احدیت تضرع بسیار کردم و مغفرت او را درخواست نمودم خطاب از
رب الارباب رسید که با او بگوی که اگر مغفرت زلت و عفو خطیئت خود را

بخواهی

میخواهی بر حبیب من صلوات فرست تا بمقام اکرام خود بر گردی من صورت حال را بان
شکسته بال گفتم و او بر حضرت شما صلوات فرستاد فی الحال اجنحه اقبال
و کرامت او رویید و از مرکز خاک بمحیط افلاک پرواز کرده ببرکت این خدمت
بمحل قرب رسید حکمتی دیگر آنست که صلوات مومنان را بموافقت یاران صورت
اجتماعی حاصل آید و ببرکت جمعیت درجه قبول یابد چنانکه در حکمت تشریع
جمعه و جماعت این نکته مذکور است و در بعضی از کتب آمده است که چون ملائکه
دانائی آدم علیه السلام را دانستند کمر طاعت او را در میان بستند هر گاه
بنظر امعان در بشره نورانی او مینگریستند او را از صلوات بر سید کاینات بر میکشیدند
و وقتیکه آدم کیفیت حال را از ایشان استفسار نمود گفتند که نوری از جبین تو
میتابد اگر چه نظر ما بر ان میافتد بی اختیار بلبل زبان ما بنغمه صلوات مترنم
میگردد پس چون آنحضرت بظهور آمد خطاب بملائکه رسید که آن نوری که در
جبین آدم میدیدید این زمان در میان آدمیان ظاهر گردید چنانچه در آن زمان
بمراسم تحیاتش اشتغال داشتید این زمان بوظایف صلواتش قیام نمائید تا
میان آن بزرگوار و شما عاید شده از بلیات محفوظ مانید و ببرکات آن محظوظ گردید
و حکمت صلوات مومنان از حیز بیان بیرون است و از جمله آنها یکی آنست که صلوات
ثمن شفاعت است و هر که ثمن بیشتر تسلیم نماید با زیادتی ثمن بهره وافرتر می شود

دیگر آنکه صلوات فرستادن قیام باداء حق پدری و معلمی آنحضرت است مر امت را
زیرا که آنحضرت و امیر المومنین صلوات الله علیهما بمضمون حدیث انا و انت ابوا
هذه الامة دو پدر اند امت را و هر که را دل روشنی هست از نظر تربیت آن
حضرت است و هر که را دل پاکیزه هست از اثر تقویت او ست و در بعضی از کتب
بنظر رسیده است که روح انسان بجهت تعلق بعوایق ابدان و اشتغال بمشاغل
حواس در قبول انوار الهی ناقص میباشد و از آن مستفید و بهره مند
نتواند شد مگر در وقتیکه علاقه افاده و استفاده در میان او و روح پیغمبر
که ضد دعوت آن زمان است استحکام پذیرد زیرا که ارواح مقدسه انبیا علیهم السلام
از شوائب علایق و عوائق مصفی و مبرا و پیوسته از مبداء فیاض فیوض کلیه
متوجه ایشان میباشد پس چون روح کسی را مناسبت و ملائمت با روح پیغمبر خودش
بهم رسید چون لوامع انوار غیبی از عالم اسرار بر روح مطهر آن پیغمبر فایض میگردد
پرتوی از آن بروح آنکس میتابد و بقدر استعداد خود فیض پذیر میشود بنا
علی هذا استتباب المعانی لاهوتی و استفاضه برکات جبروتی برای ارواح این امت
موقوف بوجود مناسبت و آشنائی با سیرت و سریرت آنحضرت و هیچ واسطه و رابطه
بر آن آشنائی بهتر از صلوات نیست و از اینجاست که آنجناب فرمود سزاوارترین
مردم بمن در روز قیامت آنکس است که بمن بیشتر صلوات فرستد و حکمتی دیگر

در صلوات مؤمنان اثبات محبت ایشانست با انحضرت همان محبتی که اهل ایمان را
از ان گریز نیست و این محبت طبیعی نیست بلکه محبتی است اختیاری که حاصل
میشود از صفای اعتقاد و خلوص نیت و دلالت فرستادن صلوات بر اثبات
این محبت بدو وجه است یکی انکه علامت دوستی با کسی دوستی با یاد اوست
خواه انکه خود گوید و خواه از دیگری شنود و دیگر انکه هر که کسی را دوست دارد
وسیله وصول باو را نیز دوست دارد و طالب ان هست پس علامت انکه سلطان
محبت در سراپردهٔ دل قرار گرفته است انست که زبان که مفتاح گنجخانهٔ دلست
بذکر محبوب جاری باشد پس بنده که مجامع اوقات را بوظایف صلوات میگذراند
گویا اقامهٔ شهادت مینماید بمحبت حبیب خدا جل جلاله و عامه و خاصه روایت
کرده اند که مردی از رسول خدا صلی الله علیه و اله پرسید که قیامت کی خواهد بود
انحضرت فرمود که چه چیز مهیا ساخته برای ان روز و چه عمل بجا اورده عرض
کرد که نماز و روزه و صدقه و نفقه بسیار اماده نکرده ام اما اینقدر هست
که خدا و رسول را صلی الله علیه و اله بسیار دوست میدارم انحضرت فرمود که تو با
انکس خواهی بود که او را دوست میداری و این بشارتیست عظیم برای همه دوستان
متاع اعمال و عبادات که نقد محبت ایشان بر محک اخلاص تمام عیار براید و از
جمله ابحاثی که تعلق باین مکان دارد و اینرساله تاب تحقیق ان ندارد و تحقیق

اینمطلب

اینمطلب انست که ایا صلوات فرستادن امت بر انحضرت چیزی بر مرتبت و منزلت
انحضرت میافزاید یا انکه فایدهٔ ان بصلوات فرستنده راجع میشود شهید ثانی
از اصحاب ما در دیباچه شرح لمعه مذهب ثانی را اختیار نموده است و فرموده
که انحضرت را مرتبه از کمال حاصلست که گنجایش زیاده بران ندارد و ان
مضامین بعضی احادیث و ادعیه معلوم میشود که موجب زیادتی درجات و تضاعیف
شوونات انحضرت خواهد شد و حقیر فقیر را از ملاحظه این امر چیزی بنظر می
اید که اظهار ان بلسان رمز و اشاره انست که زیادتی امت موجب مباهات
پیغمبر است باعتبار حدیث انی اباهی بکم الامم یوم القیمة بجهة انکه هر قدر
جزء برای کل بیشتر میشود کل در کلیت کاملتر میگردد اما از ان لازم نمی اید
که از مقامی بمقام دیگر منتقل گردد پس در صلوات خدا و ملائکه و مؤمنان
در خصوص افزودن بر کمال انحضرت فرقی بنظر نمی اید و همه انها در معنی یک
چیز راجع میشوند و از این لازم نمی اید که مقام نبوت اشرف مقامات ممکنات
نباشد و بحثی دیگر از ابحاث متعلقه باین ایه تحقیق اینست که ایا صلوات
فرستادن بر انحضرت باعتبار ظاهر شریعت واجبست یا نه و بر تقدیر وجوب
در کدام مقام و چه وقت واجبست و عامهٔ علما اتفاق دارند بر وجوب
ان بر سبیل اجمال مگر شرذمهٔ قلیله از عامه که بوجوب ان هیچ وجه

قایل

قایل نشده اند علماء اصحاب بر وجوب آن در تشهد مطلقا خواه تشهد اول
و خواه تشهد دوم اتفاق دارند و اگر کسی از روی عمد آنرا ترک نماید نمازش باطل
میدانند و اگر سهوا ترک شود سجدهٔ سهو میخواهد و در غیر این موضع اختلاف
نموده اند و بعضی در جای دیگر واجب نمیدانند و بعضی گفته اند که در جائیکه نام
مبارک آنحضرت مذکور شود واجبست و مالک از عامه میگوید که در تمام
عمر یکمرتبه واجبست و وقت معینی ندارد چون شخص در تمام عمر یکمرتبه
باداء صلوات قیام نماید از عهده بیرون آمده است و بعضی از ایشان را
اعتقاد آنست که در تمام عمر سه مرتبه واجبست و گروهی از شافعیه در تشهد
اخیر از نماز واجب میدانند بس و در غیر این مقام مستحب میدانند و مشهور
از طایفهٔ حنفیه آنست که در غیر آن نیز واجب میباشد و هر طایفه بر طبق
ادعای خود دلیلی اقامه نموده اند و گروهی دیگر از آن جواب گفته اند بعضی بر وجه
صواب و بعضی بر غیر وجه صواب و ذکر آنها در این رساله که مقصود چیز دیگر ازان
است مناسب نیست و آنچه در نظر حقیر راجح میاید آنست که چون در آیهٔ
مبارکه امر بآن بر سبیل اطلاق وارد شده است و دلالت امر بر وجوب
ظاهر تر است و در اخبار تارک آنرا جفا کننده بر رسول خدا صلی الله علیه
و آله و خطا کنندهٔ راه بهشت و شقی خوانده اند و بدخول آتش توعید

نموده اند

نموده اند پس در وجوب آن شکی باقی نمیماند باعتبار تعاضد کتاب و سنت
و اما بیان آنکه در چه جا و در کدام مکان واجبست آنچه از اخبار ظاهر می
شود آنست که در هر جا که اسم مبارک آنحضرت مذکور میشود خواه خود مذکور
نماید و خواه از کسی بشنود باید که بآنحضرت صلوات الله علیه و آله صلوات
فرستد خواه در نماز و خواه در غیر نماز و در بعضی مواضع دیگر هم وجوب آن
از اخبار مستفاد میشود مثل آنکه ابن بابویه در کتاب خصال از امام جعفر صادق
علیه السلم روایت کرده است که صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
واجبست در جمیع مواطن و در وقت عطسه و در وقت وزیدن بادها و در کتاب
عیون همین حدیث را از حضرت امام رضا علیه السلم روایت کرده است و بجای وقت
وزیدن بادها در یکجا وقت ذبح حیوانات مذکور است و تحقیق مقام اینست
که در جمیع مواضع که در شریعت امر و ترغیب در صلوات فرستادن در این موضع
وارد شده است مواضعیست که ذکر آنحضرت را باید کرد بر سبیل وجوب
یا بعنوان استحباب چنانکه شرح آن در فصل مواطن مذکور خواهد شد
و اخباری که بر مواعید تارک صلوات در نزد ذکر آنحضرت دلالت میکند بطریق
عامه و خاصه بسیار است و قطع نظر از مخالفت امر حق تعالی ملتزم محرومیت
از فواید و فضایلیست که بر صلوات مقرر شده است و در فصل بعد ازین

اشاره ببعضی از انها خواهد شد و از ابن مسعود روایت کرده اند که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بر من صلوات نفرستد بر او نخواهد
بود و انچه بر تارک صلوات در وقت ذکر نام نامی انسرور مقرر است چیز است
اول انکه داغ شقاوت بر جبین حالش نهند و رقم بدبختی بر صفحه احوالش
کشند چنانکه شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت کرده است که شقی ترین مردم انکس است که من در نزد او مذکور
شوم و بر من صلوات نفرستد و ابن بابویه از جابر بن عبد الله روایت کرده است
از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود که شقاوت در ان
کس است که من در نزد او مذکور شوم و بر من صلوات نفرستد و در انکس است
که ماه مبارک رمضان را درک نماید و رحمت شامل او نشود و در انکس
که پدر و مادر خود را یا یکی از ایشان را درک کند و با ایشان نیکی و احسان
نکند و بطریق عامه از انس روایت شده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که جبرئیل دعا کرد و گفت که شقی و بدبخت باد کسی
که تو در نزد او مذکور شوی و بر تو صلوات نفرستد دوم انکه خوار
و نکونسار و بی اعتبار شوند چنانکه موسی بن اسماعیل از حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود

فرمود که بر خاک مالیده باد بینی کسی که من در نزد او مذکور شوم و بر
من صلوات نفرستد و مراد از خاک آلوده کی بینی خواری و بی اعتباریست
سیم انکه علامت ظهور صفت بخل کامل میکردد چنانکه ابن بابویه و
شیخ مفید از حضرت سید الساجدین علیه السلام روایت کرده اند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بخیل کامل راستین انکس است که من در نزد
او مذکور شوم و بر من صلوات نفرستد و عامه همین حدیث را از حضرت
امیر المومنین علیه السلام و ابوذر رضی الله عنه روایت کرده اند
و یکی از عرفا در مقام بیان انکه چنین شخصی در مرتبه بخل کامل است
گفته است که در این مقام چنین کسی بر نفس خود بخل نموده است زیرا که
بثبوت رسیده است که حق تعالی در عوض یک صلوات ده صلوات بر
مصلی میفرستد و ترک کننده صلوات نفس خود را از چنین عطیه محروم
کردانیده است و بخیل ترین بخیلان انست که بر نفس خود بخل نماید و چنین
کسی را لئیم کویند و او از سفله و ممسک بدتر است چهارم انکه اسم
جفا کاری بر او وارد اید چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که من در نزد او مذکور شوم و بر من صلوات نفرستد بر من جفا کرده
است پنجم انکه مجلس ایشان بر ایشان حسرت و وبال خواهد بود

چنانکه

چنانکه در عدة الداعی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است

که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر گروهی که در مجلسی مجتمع شود

و در ان مجلس یاد خدا نکنند و بر پیغمبر صلی الله علیه و اله صلوات نفرستند

ان مجلس بر ایشان حسرت و وبال خواهد بود و بهمین مضمون حدیث در کتاب

مکارم الأخلاق نیز مذکور است و بطریق عامه از جابر روایت شده که

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر گروهی که در مجلس جمع شوند

و از ان مجلس متفرق گردند و بر من صلوات نفرستند متفرق خواهند شد با بوی

بدی که از بوی مردار گندیده تر باشد ششم انکه موجب حسرت خواهد بود

در روز قیامت چنانکه از ابو سعید خدری منقولست که رسول خدا صلی

الله علیه و اله فرمود که اهل مجلسی که صلوات بر من نفرستند در قیامت

حسرت برای ایشان خواهد بود اگر چه داخل بهشت شوند هفتم

انکه راه بهشت را گم کند چنانکه برقی در کتاب محاسن روایت کرده است

که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که نزد من پیش او مذکور شوم و

بر من صلوات نفرستد حقتعالی راه بهشت را بر انکس پنهان کرداند و شیخ

طوسی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول

خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که فراموش کند صلوات فرستادن

بر من را از راه بهشت بیرون انداخته است و ابن بابویه از حضرت صادق علیه

السلم روایت کرده است که هر که دعا کند و نام مبارک انحضرت را در دعا

مذکور نسازد انـدعا بر راه بهشت نخواهد رفت و در اخبار عامه بروایت

ابن مسعود مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که در

روز قیامت بقومی از امت من فرمان رسد که به بهشت روند ایشان

راه گم کرده متحیر و سرگردان بمانند بعضی از صحابه گفتند که یا رسول

الله سبب اینکه راه و موجب این سرگردانی چه باشد فرمود که ایشان

نام من شنیده و بر من صلوات نفرستاده باشند هشتم انکه ترک

صلوات موجب دخول نار است نهم انکه موجب دوری از خدا است و

اینمطلب در حدیثی مذکور است که ابن بابویه روایت کرده است

که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که نزد او من مذکور

شوم و بر من صلوات نفرستد داخل در اتش خواهد شد و حقتعالی او را

دور خواهد کردانید و ایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السلم روایت

کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که ماه رمضان را

درک نماید و امرزیده نشود خدا او را دور میگرداند و هر که درک کند

والدین خود را و امرزیده نشود خدا او را دور کردانیده است و هر که در نزد

او مذکور شود و بر من صلوات نفرستد آمرزیده نشود خدا او را دور کرداند
و در کتاب عوالی اللآلی مذکور است که چون آیه ان الله و ملئکته یصلون
علی النبی نازل شد صحابه از چگونگی او سوال کردند فرمود که اگر از من سوال
نکرده بودید شما را خبر نمیدادم بدرستیکه حقتعالی موکل کردانیده است
بر من دو ملک را و چون من در نزد بنده مؤمنی مذکور شوم و آن بنده بر من صلوات
فرستد آن دو ملک میگویند که خدا ترا بیامرزد و حقتعالی با ملئکه هم
گویند آمین و اگر مذکور شوم و آن بنده بر من صلوات نفرستد آن دو ملک
میگویند که خدا ترا نیامرزد و حقتعالی با ملئکه میگویند آمین و در بسیاری
از کتب عامه مذکور است که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله پای مبارک بر
پایه اول منبر نهاد پس فرمود آمین پس بر پایه دیگر بالا رفت و فرمود آمین
و در حال بالا رفتن بر پایه سیم نیز فرمود آمین صحابه از سر آمین بی دعا و بی
دعا کننده سوال نمودند فرمود که دعا کننده جبرئیل بود و چون بر پایه اول
بر آمد دعا کرد و گفت که هر که مادر و پدر یا یکی از ایشان را دریابد و آمرزیده
نشود یعنی با ایشان نیکوئی نکند که سبب آمرزش شود حقتعالی او را از رحمت
خود دور کرداند و مرا گفت که بگو آمین و من گفتم آمین و چون بپایه دوم بالا
رفتم جبرئیل دعا کرد و گفت که هر که تو در نزد او مذکور شوی و بر تو درود

نفرستد

نفرستد بمیرد و بدوزخ درآید حقتعالی او را از رحمت خود دور کرداند پس بمن
گفت بگو آمین و من گفتم آمین و چون بر پایه سیم بالا رفتم گفت که هر که شب
قدر یا ماه رمضان را دریابد و بدولت آمرزش نرسد از حقتعالی دور باد بگو آمین
من گفتم آمین مؤلف گوید که حدیث آمین گفتن رسول الله صلی الله علیه
و آله صحیح است در منثور از جابر روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزی بر پایه اول منبر بالا رفت و سه مرتبه فرمود آمین و چون بر منبر بالا
رفت فرمود که چون بدرجه اول بالا رفتم جبرئیل گفت شقی باد بنده که رمضان را
دریابد و رمضان باخر رسد و آمرزیده نشود من گفتم آمین پس گفت که شقی باد
بنده که پدر و مادر یا یکی از ایشان را درک نماید و باعث داخل شدن آنکس در
بهشت نگردد من گفتم آمین پس گفت شقی باد بنده که تو در پیش او مذکور
شوی و بر تو صلوات نفرستد من گفتم آمین و در بعضی از کتب مذکور است که
ذکر دو مانده از رحمت الهی که وعید شدید است بر ترک صلوات در شریف
ترین بقعه که مسجد مدینه است و بر فاضلترین رتبه که بالای منبر است و
در بزرگترین محفلی که مجلس سید انام علیه و آله صلوات الله الملک العلام
و اصحاب کرام است در خوبترین زمانی که محل تصاعد آنحضرت است بر منبر و بهترین
وقتی که هنگام نزول جبرئیل است از شهر اخضر و دعا روح الامین و

بآمین

باسمین رسول رب العالمین صلی الله علیه وآله دلیلی بس روشن است بر وجوب
صلوات نزد ذکر سید کاینات صلوات الله وسلامه علیه وعلی آله مؤلف گوید
که مقصود ما از ذکر این اخبار درین فصل اثبات وجوب صلوات بود در وقت
ذکر نام نامی آنسرور و وجه دلالت آنست که عملی که در کتاب خداوند امر بان
وارد شده باشد و در اخبار تارک آن را وعید بدخول نار و دوری از رحمت خداوند
جل شانه داده باشند چگونه میتوان گفت که مستحب است
یا بر تارک آن گناهی نیست اگرچه بر فاعل آن اجر و ثوابی خواهد بود از آنجا
که قائل بفرقی دیده نشده است نمیتوان گفت که آنچه در اخبار مذکوره از
آن عقوبتها مذکور است برای کسی است که نام نامی آنحضرت را بشنود و صلوات
نفرستد دلالت ندارد بر آنکه هر کس که خود یاد آنحضرت نماید صلوات فرستادن
بر او واجب باشد و بعضی گفته اند که چنانکه ترک صلوات در حین گفتن
یا شنیدن نام نامی آنحضرت موجب عقوبت است ترک کتابت آن نیز در وقت نوشتن
سبب ملالت خواهد بود و در بسیاری از کتب عامه مذکور است که رسول خدا صلی
الله علیه وآله فرمود که هر که صلوات فرستد بر من در کتابی یعنی صلوات بر من را
در آن کتاب بنویسد فرشتگان بر او طلب آمرزش کنند مادام که نام من
در آن کتاب باقیست و در بعضی از کتب ایشان این حدیث را از امام جعفر

صادق علیه السلام روایت کرده اند و در کتاب منیة المرید که از تالیفات
شیخ سعید شهید است همین حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت
کرده است و ایضا از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که هر که
صلوات فرستد بر من در کتابی که صلوات بر او جاری خواهد بود مادام که نام من
در آن کتاب باقی باشد و نقل کرده اند که مردی در مصر حدیث کتابت مینمود و چون
بنام مبارک آنحضرت میرسید از روی عمد ترک صلوات نوشتن میکرد در اندک
زمانی آکله در انگشتانش افتاد و بکلی از دستش جدا شد مرد دیگر بود که
بسیار زاهد و متورع و قائم اللیل و صائم النهار و کتابت حدیث میکرد خود
میگفت که چون بنوشتن نام آنحضرت صلوات الله علیه وآله میرسیدم صلوات را
نمی نوشتم شبی آنحضرت را در واقعه دیدم که از روی غضب بمن فرمود که چرا در
وقت نوشتن نام من ترک نوشتن صلوات میکنی من ترسیدم و در دل خود
گذرانیدم که هرگز دیگر این بی ادبی نکنم و چون بیدار شدم دیگر ترک نوشتن
صلوات نکردم و بعد از آن مدتی بار دیگر آنحضرت را در خواب دیدم و بنظر لطف و مرحمت
در من نگریست و فرمود که صلوات را بمن رسانیدند هرگاه مرا یاد کنی یا در نزد تو
مذکور شوم یا نام مرا کتابت کنی بگوی یا بنویس صلی الله علیه وآله وسلم و
نقل کرده اند که فضل کندی را بعد از وفات در خواب دیدند و از او پرسیدند که

حقتعالی با تو چه کرد گفت مرا بخشید و گرامی گردانید بعملی که از این دو انگشت
من یعنی سبابه و ابهام صادر شده بود گفتند از انها چه عمل امد که سبب کرامت تو
گردید گفت بسبب نوشتن صلی الله علیه و اله و سلم و کاتبی دیگر بعد از وفات
در واقعه همین استفسار کردند جواب داد که گناهان مرا با صلوات که بر نام
پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم نوشته بودم سنجیدند ثواب صلوات زیاده امد
و مرا بخشیدند و یکی از علمای عامه نقل کرده است که شیخ حسن غنیه را بعد از
وفات در خواب دید که با ب طلا یا چیزی شبیه بان بر انگشتان او چیزی نوشته
بود پرسید که این نوشته ملیح ظریف که در انگشتان تو می بینم چیست فرمود که
جزاء انست که در وقت کتابت حدیث چون باسم مبارک انحضرت میرسیدم می نوشتم
که صلی الله علیه و اله و سلم و ایضا نقل نموده است که یکی از کتاب جزوی
از حدیث برای من نوشته بود و در هر جا که بنام مبارک انسرور میرسید
نوشته بود صلی الله علیه و اله و سلم کثیرا کثیرا کثیرا من سبب اینهمه را با
او پرسید گفت که من در خدمت استادی که هر گاه حدیث مینوشتم و نام مبارک
انجناب در اثنای نوشتن بسر قلم میامد در گفتن و نوشتن صلوات انکاهل
مینمودم تا انکه شبی انحضرت را در خواب دیدم و بخدمت انجناب رفتم و سلام
کردم روی مبارک را از من گردانید و تا سه نوبت اینصورت اتفاق افتاد و

در مرتبه چهارم بعرض رسانیدم که چرا روی مبارک را از من میگردانی
فرمود بجهة انکه چون ذکر من میکنی صلوات نمیگوئی و نمینویسی و از انوقت
تا بحال باین نحو که می بینی کتابت میکنم و دیگر از ابحاث متعلقه باین فصل
ذکر انست که علمای ما رضوان الله علیهم صلوات فرستادن بر انبیاء و مومنان را
جایز میدانند خواه بانفراد و خواه بطفیل نام پیغمبر اخر الزمان صلی الله علیه
و اله و سلم و ابن شهر اشوب از سلمان بن خالد اقطع روایت کرده است که از
امام جعفر صادق علیه السلم پرسید که ایا جایز است صلوات فرستادن
بر مومنان فرمود بلی بخدا قسم بر ایشان صلوات بفرستی برا که حقتعالی بر
ایشان صلوات فرستاده است ایا نشنیده قول حقتعالی را که میفرماید
هو الذی یصلی علیکم الایه و در میان علمای عامه در این مسئله خلاف است
و از ابن عباس روایتی نقل میکنند که درود فرستادن بر غیر پیغمبر روا نیست
و بعضی از ایشان صلوات بر پیغمبران مرسل را جایز دانسته اند و بعضی رسل
از ملائکه را داخل مرسلین گرفته اند و بعضی از علمای ایشان گفته اند که
بر سایر انبیا سلام فرستادن جایز است و اختلاف در انست که صلوات
بر ایشان فرض است یا نه و جمعی بفرضیت ان قایل شده اند و جمعی دیگر
مستحب دانسته اند و گروهی بر انند که سلام کردن بر بعضی انبیا فرض است

وان پنج نفرند که در قرآن مجید سلام بر ایشان نازل شده است که سلام علی
نوح سلام علی ابرهیم سلام علی موسی و هرون سلام علی الیاسین و بعضی
از علمای ایشان گفته است که صحیح آنست که صلوات بر غیر انبیا و ملائکه بطریق
ابتدا مکروه هست کراهتی تنزیهی نه براکه آن شعار اهل بدعتست و مارا
از ان نهی کرده اند و امام الحرمین که اعظم علمای ایشانست حکم سلام را درین
مسئله مثل حکم صلوات دانسته است و صاحب کشاف گفته است که قیاس
اقتضا میکند که صلوات بر مؤمنان جایز باشد زیرا که حق تعالی فرموده است
که هو الذی یصلی علیکم و در حدیث وارد شده است که اللهم صل علی آل
ابی اوفی لکن علما درین باب تفصیلی ذکر کرده اند و گفته اند که صلوات اگر بر
غیر پیغمبر بتبعیت آنحضرت باشد مثل آنکه بگویند اللهم صل علی محمد
واله جایز است و اگر افراد کنند بطریق تخصیص جایز نیست زیرا که صلوات
شعار انبیاست و نشاید که علی الانفراد بر یکی از امتان اطلاق کنند و دیگری
از علمای ایشان گفته است که صلوات مخصوص بانبیا و علامت توقیر و تعظیم
ایشانست همچنانکه بتسبیح و تقدیس مخصوص بحق تعالی است و چنانکه
روا نیست نام غیر حق تعالی را شریک دادن با نام حق تعالی در ان تعظیم روا
نخواهد بود غیر انبیا را با ایشان شریک گردانیدن درین تکریم و گروهی از

محققان ایشان هیچ پیغمبر را در صلوات و سلام افراد بذکر نکنند بلکه تابع حضرت
رسالت صلی الله علیه و اله و علیهم سازند و این قول مطابق است با حدیثی که ابن
بابویه از معاویة بن عمار روایت کرده است که وقتی در خدمت حضرت صادق
علیه السلم نام یکی از انبیا مذکور شد آنحضرت فرمود که چون نام یکی از انبیا
مذکور شود اول بر محمد صلی الله علیه واله صلوات بفرستید بعد از ان بر
ان پیغمبر اللهم صل علی محمد و اله و جمیع الانبیا و المرسلین فصل دوم
در تعیین لفظی که صلوات و سلام بان حاصل میگردد بدانکه علمای شیعه
متفقند که در صلوات فرستادن بر آنحضرت همین قدر که بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد بان قیام نموده است و از ائمه اطهار علیهم السلم صلوات
بسیار در هر وقتی و هر جا و در ضمن هر زیارت و هر دعا بعبارات مختلفه وارد شده
است و ما درین رساله فصلی در ذکر بعضی از ان منعقد خواهیم نمود انشاء
الله تعالی و در کتاب جمال الاسبوع از عبد الرحمن بن کثیر روایت کرده است
که از امام علیه السلم پرسید از آیه ان الله و ملئکته یصلون علی النبی
یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما فرمود که صلوات حق تعالی
تزکیه نمودنست آنحضرت را در آسمان عرض کردم که معنی تزکیه نمودن خدا
آنحضرت را چیست فرمود که دور میگرداند او را از هر نقص و آفتی که لازم مخلوقات

گفتم که معنی صلوات مؤمنان چیست فرمود که او را دور گردانند و چنان بشناسند
که حق تعالی او را دور گردانیده است از هر چه در مخلوقات هست از آفتهای که در خلقت
ایشان بهم می‌رسد پس هر که او را وصف نماید و بشناسد بغیر این نحو بر صلوات
نفرستاده است عرض کردم که بچه نحو صلوات فرستیم فرمود که میگوئید
اللهم انا نصلی علی محمد نبیک و علی آل محمد کما امرتنا به و کما صلیت انت علیه
و ما بر آنحضرت اینچنین صلوات می‌فرستیم و ابن بابویه از ابو حمزه روایت کرده است
که از امام جعفر صادق علیه السلم پرسید که چگونه صلوات فرستم بر محمد و آل
محمد فرمود که میگوئید صلوات الله و صلوات ملئکته و انبیائه و رسله
و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلم علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته
عرض کردم که چه خواهد بود ثواب کسی که باین صلوات بر آنجناب فرستد فرمود
که بخدا قسم که از گناهان بیرون می‌آید مانند روزی که از مادر متولد شده است
و عامه در اخبار بسیار از رسول مختار صلی الله علیه و آله و سلم در کیفیت
صلوات روایت کرده اند که فرمود بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد کما
صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی
ابرهیم انک حمید مجید و در بعضی از اخبار ایشان همین صلوات بحذف
آل محمد و آل ابرهیم مذکور است و در بعضی دیگر بجای آل محمد مذکور است

کرد علی

کرد و علی ازواجه و ذریته و بعبارات دیگر نیز روایت کرده اند و یکی از علمای ایشان
گفته است افضل آنست که بگوید اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی
الامی و علی آله و ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابرهیم و علی آل ابرهیم
و بارک علی محمد النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کما بارکت
علی ابرهیم و علی آل ابرهیم فی العالمین انک حمید مجید زیرا که این
صلوات جامع جمیع طرق احادیث صحیحه است و در کتاب قرب الاسناد
مذکور است که شخصی در نزد حضرت صادق علیه السلم گفت که اللهم صل
علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابرهیم آنحضرت فرمود که این چنین مگو ولکن
بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت علی ابرهیم و آل
ابرهیم انک حمید مجید و بدانکه حذف آل محمد در صلوات بر آنحضرت در
موضعی بطریق شیعه بنظر نمی‌رسد مگر در حدیثی که ابن بابویه و شیخ
طوسی بطریق عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند
و در اخبار نیز وعید بر ترک آن و وعده بر ذکر آن وارد شده است مثل آنکه
ابن بابویه از امام محمد باقر علیه السلم روایت کرده است که رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بر من صلوات فرستد و بر آل من صلوات
نفرستد بوی بهشت باو نخواهد رسید بوی بهشت از پانصد ساله راه شنیده

میشود

میشود و در حدیث دیگر از حضرت امام حسن علیه السلم روایت کرده است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بگوید صلی الله علی
محمد و آله حق جل و علی باو گوید که صلی الله علیک و باید که بسیار این را
بگوئی و اگر بگوید اللهم صل علی محمد و بر آل محمد صلوات نفرستد بوی
بهشت را نخواهد شنید بوی بهشت از پانصد ساله راه میرود و شیخ طوسی
نیز همین حدیث را در امالی ذکر کرده است و ابن بابویه و سید بن طاوس باسانید
مختلفه از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده اند که روزی
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیر المؤمنین صلوات الله و
سلامه علیه فرمود که یا علی میخواهی ترا بشارت دهم بچیزی آنجناب عرض
کرد بلی پدر و مادرم فدای تو باد و همیشه بشارت رساننده بوده بهر خیر
فرمود که جبرئیل در این وقت بنزد من آمد و مرا خبر داد بامری عجیب حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه پرسید که آن امر عجیب چه بود فرمود
که گفت هر که از امت من که بر من صلوات فرستد و انرا بصلوات فرستادن
باهل بیت من قرین گرداند درهای آسمان برای او گشاده میشود و ملائکه
هفتاد صلوات براو میفرستند و گر گناهکار و خطاکار است گناهان از او میریزد
مثل آنکه برگ از درخت میریزد و حق سبحانه و تعالی باو خطاب میکند که لبیک

یا عبدی

یا عبدی و سعدیک پس بملائکه میفرماید که ای ملائکه من شما براو هفتاد
صلوات فرستادید من براو هفتصد صلوات میفرستم و هر که بر من صلوات
فرستد و انرا با صلوات فرستادن بر اهل بیت من قرین نگرداند در میان صلوات
او و آسمان هفتاد حجاب حایل میشود و حق تعالی میفرماید لا لبیک و لا
سعدیک پس ملائکه میفرماید که ای ملائکه من صلوات او را بالا مبرید
تا آنکه ملحق گرداند اهل بیت پیغمبر مرا و همچنان آن صلوات محجوب میماند
تا وقتیکه اهل بیت مرا بمن ملحق گرداند و ایضا از عمار روایت کرده است
که در نزد امام جعفر صادق علیه السلم بودم و مردی گفت اللهم صل
علی محمد و اهل بیت محمد آنحضرت فرمود که چرا امر را بر ما تنگ میکنی آیا
نمیدانی که اهل بیت آنحضرت همان پنج نفرند که اصحاب عبا بودند آن
مرد عرض کرد که پس چگونه بگوئیم فرمود بگو اللهم صل علی محمد و آل
محمد تا آنکه ما و شیعیان ما همه در آن داخل باشیم و ایضا روایت کرده
است از ابن ابی عمیر که حضرت صادق علیه السلم فرمود که در بعضی از کتب دیدهام
که هر که صلوات بر محمد و آل محمد فرستد برای او صد حسنه نوشته شود
و هر که بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته برای او هزار حسنه نوشته شود
و مراد اینست که در صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد بهر عبارتی که باشد

مد

صد حسنه مقرر است و اگر باین عبارت بگوید که صلی الله علی محمد و اهل بیته
هزار حسنه جزای آن خواهد بود و علمای عامه از امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه
علیه روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این کلمات را
بر من خواند و فرمود که جبرئیل همین نحو بر من خواند و گفت که از حضرت
رب العزة همین نحو نازل شده است اللهم صل علی محمد و آل محمد کما
صلیت علی ابرهیم و علی آل ابرهیم انک حمید مجید اللهم بارک
علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید
اللهم و ترحم علی محمد و آل محمد کما ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک
حمید مجید اللهم تحنن علی محمد و آل محمد کما تحننت علی ابرهیم و آل
ابرهیم انک حمید مجید اللهم و سلم علی محمد و آل محمد کما سلمت علی
ابراهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و از ابن عباس نیز روایت کرده اند
که بعد از این صلوات میگفته است که و ارحم محمدا و آل محمد کما رحمت علی ابراهیم
و آل ابرهیم انک حمید مجید و یکی از علمای ایشان در مقابل نصوص اجتهاد
کرده و گفته است که گفتن و ارحم محمدا و آل محمد مکروه است زیرا که در آن
کمان نوع تقصیری نسبت بجناب پیغمبر و آل آنحضرت علیهم الصلوة و السلم
مفهوم میشود بجهت آنکه استحقاق رحمت بعد از ارتکاب امریست که بواسطه

آن

آن مستحق ملامت شده باشد و ما مأموریم بتوقیر و تعظیم انبیا و از اینجاست
که بعد از ذکر هیچ پیغمبری نمیگویند رحمه الله و همچنین بعد از ذکر کسانی که سعادت
ایشان ثابت شده است بلکه میگویند رضی الله عنه و بیچاره چنان پنداشته
است که رحمت خدا همانست که بگناهکاران میرسد و گویا هرگز سلام نماز را
از کسی نشنیده بوده است که میگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة
الله و برکاته و رحمتی وسعت کل شیء را نخوانده است و در اخبار احادیث
رحم الله اخی موسی و رحم الله اخی لوطا و امثال اینها را که در کتب ایشان
مذکور است ندیده است و یکی از علما گفته است که نکته در آنکه در جمیع
صلوات ماثوره که لفظ برکات در آن مذکور است بصیغه جمع آمده است
که برکت بمعنی زیادتیست و مقصود از ذکر آن طلب تضاعف صلوات و رحمت
و سلام بر آنحضرت است و مناسب این معنی لفظ جمع است و دیگر از ابحاث متعلقه
باین مبحث بیان این معنی است که در آیه یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا
تسلیما مؤمنان مأمور شده اند بدرود فرستادن بر رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم و در اخبار آمده که در بیان کیفیت درود فرستادن ایشان وارد شده
است بجز آنکه خداوندا تو بر او صلوات فرست چیزی دیگر بنظر نمی آید باین
معنی که یا بلفظ اللهم صل علی محمد و آل محمد وارد شده است یا بلفظ

صلى الله علیه وآله و از این بنا معلوم میشود که باید مؤمنان نیز درود را
بخدا حواله نمایند و نکته در این باب اینست که مؤمنان بزبان حال از روی
عجز و نیاز بگویند که خداوندا ما را بصلوات فرستادن امر نمودی و ما آنگونه صلوات را
که لایق جلال محمدی و مناسب بارگاه احمدی صلى الله علیه وآله وسلم باشد
نمیدانیم و بآن رو بجهی که شاید و باید نمیتوانیم تو بفضل و کرم خود
درودی که باید بآنجناب بفرست و یکی از علما گفته است که درود و ثناست و
ثنای ما امثال ما را سزا است و ثنائی که خاتم النبیین علیه و على آله الصلوات
المصلین را شاید همان ثنای خداوند یکتاست بدانکه محققان علمای
عربیت گفته اند که اصل اللهم یا الله است که حرف ندا را از او حذف کرده اند
و میم مشدد را در آخر آن آورده اند و علمای علم حروف در این باب بر مقتضای علم
خود نکتها گفته اند که ذکر آنها مناسب این رساله نیست اینقدر هست که از خصائص
آن باب صلوات بلکه در بیشتر دعوات مفهوم میشود که اسم مبارک اللهم را جهت
مزیتی بر سایر اسماء الهی باشد در اجابت چیزی که بیان خصوصیت نماید بنظر
نرسیده است و ملا حسین کاشفی سبزواری در کتاب جواهر التفسیر ذکر
کرده است که در بعضی اخبار وارد شده است که روزی حضرت داود على نبینا
وآله وعلیه السلام در مناجات میگفت که یا اله ابرهیم و یا اله اسمعیل

و یا اله اسحق و یا اله یعقوب و یا اله یوسف و یا اله موسی و یا اله هرون
و همچنین یک یک از انبیا را میشمرد خطاب رسید که ای داود مقصود
تو چیست عرض کرد که الهی طوق منت در گردن من افکن و مرا از راهی
که زودتر بمقصد رسد آگاه کن حق جل و علا فرمود که بگو اللهم که چون
باین لفظ تلفظ نمائی چنان باشد که مرا بهمه اسما خوانده باشی و ثنا
که عاقل عالم ذکی از مطالعه اخبار که شیخ صدوق در کتاب توحید
در باب معنی بسم الله الرحمن الرحیم و در باب معنی حروف معجم و در باب حروف
جمل از ائمه اطهار علیهم السلام روایت کرده است بعضی نکات و معانی
از استنباط تواند نمود که موجب انشراح صدر گردد و من الله الاستعانة
و علما در حکمت در تخصیص اسم محمد صلى الله علیه وآله وسلم بصلوات
از سایر اسماء آنحضرت مثل احمد و نذیر و بشیر و حاشر و عاقب و ماحی و غیر
آنها گفته اند که معنی محمد بسیار ستوده شده است زیرا که غالب آنست
که باب تفعیل را برای تکثیر بنا میکنند چنانکه اسم فاعل از او بر کسی اطلاق
میکنند که مکرر آن فعل از او صادر شده باشد مانند معلم و مؤدب
و اسم مفعول باب نیز بر کسی صدق میکنند که مرة بعد اخرى آن فعل بر او
وارد شده باشد یا استحقاق ورود آن داشته باشد پس معنی اسم محمد

علی مسماه الصلوة والسلام آنست که بسبب ستوده اند ستایش کنندگان او را یا
آنکه سزاوار است که او را بسیار ستایند و هر دو معنی بر آنحضرت صدق دارد زیراکه
خدا و انبیا و ملائکه و مؤمنان او را ستوده اند و سزاوار نیز هست که بهر ستایشی
ستوده شود لهذا این اسم را بصلوات اختصاص داده اند و بعضی گفته اند که محمد
و احمد از حمید مشتق است و حمید یعنی حامد که ستاینده باشد آمده است
و بمعنی محمود که ستوده شده باشد نیز آمده است و حقتعالی اسید اسم مبارک را
از آن اشتقاق نموده و آنجناب را بآن دو اسم موسوم گردانیده تا آنکه اشاره
باشد بآنکه آنحضرت در مقام ستودن حقتعالی احمد است یعنی از همه کس بیشتر
ستایش و در مقام ستوده شدن محمد است یعنی بیشتر از همه کس ستایش کرده
شده است و بدانکه مراد از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در صلوات
بر آنحضرت باید که ایشان را یاد نمود بمذهب فرقه ناجیه حضرت فاطمه است و ائمه
اثنا عشر صلوات الله علیهم و از حدیثی که سابق بر این در افضل ذکر
شد که عمار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده بود مفهوم
میشود که شیعیان ایشان نیز در صلوات بر آل داخل باشند و عامه در تفسیر
آل کلمات غریبه و استدلالات عجیبه هست که از همه آنها آثار عناد
و تعصب ظاهر شود حتی آنکه یکی از تابعان مالک گفته است که مراد از آل

اولاد

اولاد غالب بن فهر اند و بنا بر این بنی امیه و تیم و عدی و بنی زهره و بنی مخزوم و
بسیاری دیگر از قبایل در آل داخل خواهند بود تا آنکه خود از ابن عباس روایت
کرده اند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال نمودند که گروه ذوی
القربی که مودت ایشان ضرور است کیانند فرمود علی و فاطمه و دو فرزند ایشان
حسن و حسین علیهم السلام و جمعی از علمای ایشان آل آنحضرت را بازواج تفسیر
نموده اند و بعضی گفته اند که مراد آل خود آنجناب است و بعضی از ایشان گفته اند
که بنص ثابت شده است که اهل بیت آل عبا اند یعنی امیر المؤمنین و فاطمه و
حسن و حسین علیهم السلم و دیگر آنچه در این مقام اشاره بآن ضرور است اینست
که در ادعیه بسیار این عبارت هست که اللهم صل علی محمد و آل محمد و
بارك علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت و رحمت علی ابراهیم و آل
ابراهیم انك حمید مجید و شیخ طوسی همین فقرات را در تشهد دوم نماز
ذکر نموده است و مراد در این مقام بحثی هست و آن بحث اینست که باید در
تشبیه مشبه به اقوی باشد و در این تشبیه صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم مشبه
به است و معلوم که صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اقوی است پس مراد
از این تشبیه چیست و علمای فریقین در جواب این بحث وجوه بسیار ذکر کرده اند
از جمله آنها اینست که در این تشبیه مراد الحاق ناقص بکامل نیست بلکه مراد

بیان

نباحال غیر معروف است معروف یعنی چون در آیه و رحمة الله و برکاته علیکم اهل
البیت انه حمید مجید رحمت و درود بر ابرهیم و اهل بیت آنحضرت معلوم شده
است و درمیان اهل ایمان اشتهار دارد و همه کس دانسته اند که خدا بر ابرهیم
رحمت و برکت فرستاده است پس مراد آنست که خداوندا صلوات فرست بر محمد
و آل محمد صلواتی مشهور مانند صلواتی که بابرهیم فرستادی و بعضی دیگر گفته اند
که گاهی مشبه به میشود که مراد از تشبیه مشارکت در وجه شبه است چنانکه
در آیه انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده و اعتقاد
است نیز آنکه وحی بر پیغمبران مختلفست و تشبیه در نفس وحی است و بعضی گفته
اند که تشبیه در اصل صلوات است نه در قدر صلوات یعنی خداوندا بر حبیب خود
صلوات فرست باندازه و قدر و شرف خودش چنانکه بر خلیل خود فرستادی بقدر
شرف خودش مثل آنکه در آیه واذکروا الله کذکرکم آباءکم و امثال و نحو
این وجوه بیکدیگر نزدیکست و بعضی دیگر گفته اند که مراد رسول خدا صلی الله
علیه و آله از تشریع این صلوات آنست که تواضع را با امت بیاموزد یعنی با ایشان
بفهماند که صلوات من با آنکه اکمل و اشرف است از درود ابرهیم در مرتبه او را اقوی
و ارفع میدارم و حرمت ابوت او را فرو نمیگذارم و وجوه بسیار دیگر ذکر کرده اند
که مناسب این رساله نیست و بعضی گفته اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ازجمله

از جمله آل ابرهیم است و مراد آنست که صلوات فرست بر محمد و آل محمد خصوصا
چنانکه صلوات فرستادی بر ایشان عموما در آل ابرهیم و بنابرین نکته مشبه به
اقوی هست و یکی از علمای عامه وجهی ذکر کرده است که لایق خواندن است و ما
آنرا برای عبرت ذکر میکنیم و حاصل سخنش اینست که اللهم صل علی محمد
کلامیست تام و در تشبیه مدخلیت ندارد و مراد تشبیه صلوات آل
محمد است بصلوات آل ابرهیم و مشبه به در این صورت اقوی نیست و بر هیچ معلوم
نیست که قطع نظر از امور دیگر چگونه بقواعد عربیت آنرا توجیه میکند
و بعضی گفته اند که حضرت ابرهیم علیه السلم از خدا خواست که ذکر خیر او
بر زبان امتهای مرحومه جاری گرداند در آنجا که گفت و اجعل لی لسان صدق فی
الآخرین و حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و این امت را امر نمود که بر آنحضرت که
صاحب ملت ایشانست صلوات فرستند چنانکه بصلوات فرستادن بر صاحب شریعت
مامور گردیدند و در بعضی از کتب مذکور است که عزرائیل در وقت قبض روح
خلیل از او سؤال که هیچ آرزوئی در خاطر مبارکت مانده است آنحضرت فرمود
که در دنیا بهمه استیناس داشتم و در وقت فوت شدن انبیا موجب حسرت
من است ندا از رب الارباب بخطاب رسید که من امت حبیب خودم را مامور میگردانم
که در نماز ترا یاد کنند و برکت آنرا بتو میرسانم تا آنکه روح تو از آن شادمان گردد

پس پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که امت خود را امر فرماید که در آخر
نماز ذکر ابرهیم علیه السلم نیز نمایند در حال صلوات فرستادن بر پیغمبر
خود

فصل چهارم — فصل چهارم در ذکر فضایل و فواید فرستادن صلوات بر ضمایر ارباب بصایر
واضح و لایح خواهد بود که انواع فواید و کرامات و اصناف مواهب و عطیات
که بر فرستادن صلوات بر سید کائنات و اشرف ممکنات علیه و آله السلم
والصلوة مترتب میگردد در وفور و کثرت از آن بیشتر است که طایر خرد
بلند پرواز در هوای احصای آن طیران تواند نمود و یا سفیر فکر و اندیشه حوالهٔ
حصر آن تواند نمود اما بحکم ما لا یدرک کله لا یترک کله آنچه از اخبار
و روایات و آثار و حکایات که بنظر رسیده است در بین اوراق ثبت میشود و من
الله الاستعانة والتوفیق اول از فواید آن تخلق باخلاق الهیست یعنی
چون حضرت عزت در آیهٔ صلوات خبر داده است که خود بر آنحضرت صلوات میفرستد
پس صلوات فرستادن بر آنحضرت تخلق باشد باین خلق و مشتملست بر امتثال
امر تخلقوا باخلاق الله و اینمعنی موجب حصول فیض ربانی و وصول بمنال جاودانی
است دویم امتثال و اطاعت امریست که در آیهٔ یا ایها الذین آمنوا صلوا
علیه و سلموا تسلیما وارد شده است و معلومست که اطاعت امر خدا و رسول
موجب فیروزی و رستگاریست کما قال الله و من یطع الله و رسوله فقد

فاز

فاز فوزا عظیما سیوم مشرف شدن بصلوة و سلم الهیست چنانکه در
جامع الاخبار روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که جبرئیل مرا ملاقات نمود و بشارت داد مرا بانکه حقتعالی میفرماید
که هر که بر تو صلوات فرستد من بر او صلوات میفرستم و هر که بر تو سلم کند من
بر او سلم میکنم و من برای این بشارت سجدهٔ شکر بجا آوردم و کلینی بسند معتبر
از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که هر که بر من صلوات بفرستد حقسبحانه و تعالی و ملائکه بر او
صلوات میفرستند پس هر که خواهد که بر من صلوات فرستد و هر که خواهد
بسیار فرستد و ایضا از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است
که فرمود که چون اسم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مذکور شود بسیار
صلوات فرستید بر آنحضرت زیرا که هر که بر آنحضرت یک صلوات فرستد حقتعالی
هزار صلوات بر او میفرستد و هزار هزار صف از ملائکه و چیزی از مخلوقات
خدا باقی نمیماند مگر آنکه بر آن بنده صلوات میفرستند برای آنکه خدا و ملائکه بر او
صلوات میفرستند پس هر که رغبت در آن ننماید جاهل مغرور است و خدا و رسول و
اهل بیت آنحضرت از او بیزارند و در کتاب ثواب الاعمال و کتاب جمال الاسبوع
و کتاب مکارم الاخلاق همین حدیث مذکور است بمجرد تفاوتی و ایضا کلینی

علیه

علیه الرحمه روایت کرده است که امام جعفر صادق علیه السلام با اسحق بن نوح
فرمود که هر که ده مرتبه صلوات فرستد بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم
حق تعالی و ملائکه صد مرتبه بر او صلوات میفرستند و هر که صد مرتبه صلوات
بر محمد و آل او صلی الله علیهم فرستد خدا و ملائکه هزار بار بر او صلوات
میفرستند آیا نشنیدهٔ قول حق تعالی را که میفرماید هو الذی یصلی علیکم و
ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما و در کتاب جامع
الاخبار از رسول مجتبی صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که هر که
بر من یکبار صلوات فرستد حق سبحانه بر او ده بار صلوات میفرستد و هر که بر من
ده بار صلوات فرستد حق تعالی صد بار بر او صلوات میفرستد و هر که صد بار
بر من صلوات فرستد حق تعالی بر او هزار بار صلوات میفرستد و هر که حق تعالی
بر او هزار بار بر او صلوات فرستد هرگز او را باتش عذاب نخواهد کرد و در کتاب
ارشاد القلوب از حضرت امام موسی علیه السلام روایت کرده است که امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه فرمود که هر که یکبار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم صلوات فرستد حق تعالی ده بار بر او صلوات میفرستد و ده حسنه با او عطا
میفرماید در مقابل هر صلواتی که بر آنحضرت فرستد و آنچه در کتب عامه مذکور است
یکی آنست که احمد حنبل در مسند خود از عبد الرحمن بن عوف روایت کرده است

که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه بیرون رفت و بنخلستان
درآمد و بسجده رفت و سجدهٔ آنجناب آنقدر طول کشید که من ترسیدم
که مبادا که آنحضرت را وفات رسیده باشد آمدم و بر آنحضرت نگریستم سر مبارک را
از سجده برداشت و فرمود که ترا چه میشود من صورت حال را بعرض رسانیدم
فرمود که جبرئیل بر من نازل شد گفت که میخواهی بشارت دهم ترا بچیزی
بدرستیکه حق تعالی فرمود که هر که بر تو صلوات فرستد من بر او صلوات
میفرستم و هر که بر تو سلام گوید من بر او سلام میگویم و دیگر در صحیح مسلم
مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بر من
یک صلوات فرستد حق تعالی با او ده صلوات میفرستد و در مسند احمد حنبل
و چند کتاب دیگر از کتب عامه مذکور است که هر که بر من یک صلوات فرستد
حق تعالی بر او ده صلوات میفرستد و ده گناه او را می آمرزد و ده درجه او را بلند
میگرداند و در کتاب جواهر الاحادیث که از کتب عامه است و مؤلفش محمد
بن احمد اقلیدی فارسی است مذکور است که ابو طلحه انصاری گفت که روزی رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که آثار فرح از جبین مبارکش ظاهر
بود عرض کردم که یا رسول الله امروز اثری از بشارت در بشرهٔ مبارک شما
می بینم که هرگز ندیده ام سبب آن چیست فرمود که ملکی نزد من آمد و گفت

یا محمد پروردگار میفرماید که آیا راضی هستی باینکه هر که بر تو یك صلوات فرستد من بر او ده صلوات فرستم و هر که بر تو یك سلام کند من بر او ده سلام کنم و در کتاب اسباب المغفرة که آن نیز از کتب عامه است و مؤلفان محمد بن منصور فقیه است از انس بن مالك روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که هر مرد مسلم و زن مسلمه که ده بار بر من صلوات فرستد حقسبحانه و تعالی صد بار بر او صلوات فرستد و در کتاب از هار الاحادیث که آن نیز از کتب عامه است در آخر این حدیث مذکور است که هر که حق تعالی صد بار بر او صلوات فرستد آتش دوزخ باو نمیرسد چهارم موافقت است با ملائکه کرام زیرا که ملائکه بحکم یصلون که در آیه صلوات واقعست پیوسته بفرستادن صلوات آنحضرت مشغول اند و چون صلوات فرستند صلوات فرستند بایشان شبیه میشود و شاید که بحکم من تشبه بقوم فهو منهم در رحمتی که ملائکه را فرو میگیرد بمصلی نیز حصه برسد پنجم آنست که ملائکه بر او صلوات میفرستند و برای او استغفار میکنند و اخبار دال بر آن در ضمن اخبار فائده سیم مذکور و در کتاب جامع الاخبار از عبد الله بن عوف روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که جبرئیل نزد من آمد مرا بشارت داد باینکه حقتعالی میفرماید که هر بنده

کر دو

که بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار ملك بر او صلوات میفرستند و هر که هفتاد هزار ملك بر او صلوات فرستد از اهل بهشت خواهد بود و در کتاب درر منثور از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم سؤال نمودند از آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی آنحضرت فرمود که این از علم مکنونست و اگر از من سؤال نمیکردید شما را خبر نمیدادم بدرستیکه حقتعالی دو ملك را موکل کردانیده است که چون من در نزد بنده مذکور شوم و آن بنده بر من صلوات فرستد آن دو ملك بگویند که خدا ترا بیامرزد و حقتعالی و ملائکه بر دعای آن دو ملك آمین میگویند و همین حدیث در کتاب غرایب اللآلی مذکور است با این زیادتی که هر که من در نزد او مذکور شوم و بر من صلوات نفرستد آن دو ملك میگویند که خدا ترا نیامرزد و حقتعالی و ملائکه میگویند آمین و در بعضی از کتب عامه از عامر بن ربیعه روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم شنیدم که هر که بر من صلوات فرستد ملائکه بر او صلوات میفرستند مادام که مشغول است بصلوات فرستادن بر من پس هر که خواهد بر من صلوات کم فرستد یا بسیار و هر که خواهد کم صلوات فرستد و در زهر الریاض که از کتب عامه است مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که حق تعالی ملکی را آفرید

عوض
ملائکه

امت

است که دو بال دارد یکی در مشرق است و دیگری در مغرب و پای او در زمین هفتم است
و سر او در زیر عرش و بر آن ملک پرها است بعدد همه خلایق از انس و جن و حیوانات
صحرائی و دریائی و بعدد همه انفاس ایشان و شمار قطرات باران و برگ درختان
و سنگها و ستارهای آسمان و ریگهای بیابان و چون یکی از امت من بر من صلوات فرستد حق
تعالی بآن فرشته امر فرماید که در نهر نور که دریائی است در زیر عرش غوطه
خورد و بیرون آید و خود را بیفشاند و از هر پری قطره فرو ریزد حق تعالی از هر قطره
ملکی بیافریند و جمیع ایشان را امر فرماید که تا روز قیامت برای آن بنده استغفار
کنند و در بعضی کتب مذکور است که آن ملک از فرستادن صلوات خلق میشود
و میگوید که خداوندا صلوات فرست بر این بنده مادام که بر حبیب تو صلوات
میفرستد و در کتاب عیون المجالس که آن نیز از کتب عامه است روایت کرده است
که چون یکی از بندگان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستد
منادی از عالم غیب ندا کند که حق تعالی بر این بنده ده بار صلوات فرستاد و چون این
ندا باهل آسمان اول رسد هزار بار بر او صلوات فرستند و چون بساکنان آسمان
دوم رسد هزار بار بر آن می افزایند و هم چنین تا آنکه نزدیک سدرة المنتهی
رسد هفت هزار بار خواهد رسید پس حق تعالی بملائکه خطاب نماید که شما
از عهده صلوات بنده من بیرون نمی توانید آمد ازین بگذارید تا آنکه من جزای آن را

بدهم

بدهم و جزای آن اینست که گناهان او را بیامرزم مؤلف گوید که از واعظی شنیدم
که میگفت من هم از واعظی دیگر شنیدم که در اخبار وارد شده است که
چون بنده بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستد حق تعالی
از آن صلوات از نور عمودی می آفریند که یک طرف آن در زمین است و طرف
دیگر آن در آسمان و آن عمود هفتاد هزار شعبه دارد و بر هر شعبه هفتاد
هزار ملک نشسته است و هر ملکی هفتاد هزار سر دارد و بر هر سری هفتاد
هزار دهان است و در هر دهانی هفتاد هزار زبان است و بهر زبانی بهفتاد
هزار لغت تکلم مینماید و جمیع آن ملائکه ها با همه آن زبانها و لغتها برای
صلوات فرستنده استغفار میکنند تا روز قیامت ششم آنست که سبب حصول
قرب بحق تعالی میگردد چنانکه ابن بابویه در کتاب علل الشرایع بسند خود از
امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است که حق سبحانه و تعالی ابرهیم علیه
السلام را خلیل خود گردانید برای آنکه بر محمد و آل بیت محمد صلوات الله علیهم
صلوات بسیار میفرستاد و در کتاب مجمع اللطائف و روضة العلما مذکور است
مذکور است که حق سبحانه و تعالی بموسی علیه السلام وحی نمود که میخواهم من بتو
نزدیکتر باشم از کلام تو بزبان تو و از دیدن تو بچشم تو و از شنیدن تو بگوش تو
و از روح تو ببدن تو و از اندیشه تو بدل تو موسی علی نبینا و آله و علیه السلام

عرض

عرض کردم میخواهم چنین قربی را و کیست که خواهان چنین قربی نیست خطاب
رسید که چون جویای این سعادتی و طلبکار این کرامتی بر حبیب من محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بسیار فرست زیرا که
صلوات بر وی رحمت منست و نور هدایت و در کتاب شفاء الاسقام که از کتب
عامه است مذکور است که حق سبحانه و تعالی بموسی علیه السلام وحی نمود
که من در وقت سخن گفتن با تو ده هزار گوش در تو آفریدم تا کلام مرا توانستی
شنید و ده هزار زبان بتو ارزانی داشتم تا جواب مرا توانستی داد و با اینهمه
وقتی بمن دوست تر و نزدیکتری که صلوات فرستی بر حبیب من صلی الله
علیه و آله و سلم هفتم آنکه موجب حصول رضای حق تعالی است چنانکه
سید بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع بسند متصل از امام جعفر
صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حاجتهای
شماست و خدا را از شما راضی میگرداند و اعمال شما را پاکیزه میگرداند
و همین حدیث در جامع الاخبار بحذف اسناد از رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم مرویست و یکی از علما گفته است که معلوم است که مدح و ثنا گفتن
بکسی موجب خوشنودی و رضای دوست او میگردد پس البته بر حبیب

خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستادن موجب رضا و خوشنودی
خدا خواهد بود هشتم موجب حصول قرب بحضرت رسالت صلی الله
علیه و آله و سلم است چنانکه در کتاب مکارم الاخلاق و جامع الاخبار
از سرور انبیا روایت کرده است که سزاوارترین مردم بمن در روز قیامت
آنکس است که در دار دنیا بر من بیشتر صلوات فرستد و همین حدیث را ترمذی
در صحیح خود از ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت
کرده است و در کتاب جامع الاخبار از آنحضرت منقول است که نزدیکترین
مردم در روز قیامت بمن در هر موطن آنکس است که بر من بیشتر صلوات
فرستاده است در دار دنیا و در بعضی از کتب عامه مذکور است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در روز قیامت اول کسی که
حله بهشت پوشد پدرم ابرهیم علیه السلام است و کرسی بر طرف راست
عرش نهند و او را بر آن نشانند و بعد از آن مرا حله پوشانند و کرسی در طرف
چپ عرش نهند مرا بر آن نشانند و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات
الله و سلامه علیه در پیش روی من بایستد و تمام امت در عقب سر من بایستند
با تفاوت درجات و هر بنده که در عقب هر نماز فریضه ده مرتبه بر من و آل من
صلوات فرستد او را در نزد من جا دهند مرا ببیند و من او را ببینم و روی

او مانند ماه شب چهارده تابان باشد دهم آنکه موجب حصول شفاعت
آنحضرت است چنانکه در کتاب جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا
امیرالمؤمنین علیه السلام را وصیت مینمود و در ضمن آن فرمود که یا علی
هر که در هر روز یا در هر شب بر من صلوات فرستد شفاعت من برای او
واجب میشود هر چند که از اهل گناهان کبیره باشد در اخبار عامه
آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع
فرمود که ای امت من حق سبحانه و تعالی گناهان شما را ببرکت استغفار
می آمرزد و هر که از شما کلمهٔ لا اله الا الله بگوید کفهٔ حسناتش
سنگین می شود و هر که بر من صلوات فرستد من شفیع او خواهم بود در روز
قیامت و ایضاً از آنحضرت روایت کرده اند که هر که بر من صلوات فرستد
شفاعت من او را در می یابد و یکی از علما گفته است که اگر برای صلوات
هیچ ثواب دیگر بغیر از امید شفاعت نبود همین کافی بود پس چه خواهد
بود که از امتهای دیگر بران منفرعست دهم موجب مخصوص گشتن است
از جانب آنحضرت بتحفهٔ خاص چنانکه مرویست که کسی از آنحضرت پرسید
که صلوات فرستادن امت رسالت تحفه ایست بنزد شما آیا از جانب شما
تحفهٔ برای ایشان خواهد بود آنحضرت فرمود که امروز صلوات امت بر من تحفه

ایست

ایست از ایشان برای من و فردا تحفهٔ من برای ایشان در بهشت خواهد بود و یکی از
علما گفته است که از آنکه آنحضرت تصریح نفرمود تحفهٔ من برای ایشان چه
خواهد بود مفهوم میگردد که آن چیزیست که بگفتن درست نمی آید و بتعریف
کنه از آن نمیتوان شناخت و فردا که مشاهده شود معلوم میگردد که چیست یازدهم
و دوازدهم موجب آنست که صلوات فرستنده در نزد آنحضرت مذکور شود
و بصلوات و سلام آنحضرت معزز و سرافراز گردد چنانکه در کتاب ارشاد
القلوب از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست در ضمن حدیث طولانی
که یهودی از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه سؤال نمود از
اشرفیت خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم از سایر ایشان و آنحضرت
بیان نمود فرمود که هر که در حال حیات یا بعد از وفات آنحضرت بر او صلوات
فرستد حق تعالی بهر صلواتی ده صلوات بآنکس میفرستد و ده حسنه باو عطا می
فرماید و هر که بعد از وفات آنحضرت صلوات فرستد آنحضرت بر آن مطلع میگردد
و صلوات و سلام او را جواب میدهد و در کتاب جمال الاسبوع از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حق تعالی ملکی را بر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم موکل گردانیده است که او را طهلیل میگویند و چون یکی از شما بر
آنحضرت یا صلوات یا سلام فرستد آن ملک بعرض همایون میرساند که فلان کس

سلم

سلم و صلوات فرستاده است و السلام را بقبر آنحضرت میرسانند و ایضا در کتاب
جمال الاسبوع از عمار یاسر روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که حق سبحانه و تعالی عطا فرموده بملکی از ملائکه اسمهای
همه خلایق را با اسم پدران ایشان و آن ملک بر قبر من ایستاده است تا روز قیامت
پس هر که بر من صلوات فرستد آن ملک میگوید که یا محمد فلان بن فلان
بر تو فلان قدر صلوات فرستاد و حق تعالی ضامن شده است که بهر صلواتی
ده صلوات بر آن بنده فرستد و همین حدیث را عامه نیز از عمار روایت کرده اند
و در کتاب جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده که بر قبر من داخل میشود مثل آنکه
یکی از شما هدیه برای کسی میبرد و میگوید که فلان کس بر من صلوات فرستاده است
و اسم آن کس را با اسم قبیله اش مذکور میسازد و از او در صحیفه سفید نزد
من ثابت میگرداند و در کتاب عدة الداعی از جابر روایت کرده است که امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که ملکی از ملائکه از حق تعالی سؤال نمود که باو
عطا فرماید شنیدن آواز جمیع بندگان را و حق تعالی باو عطا فرمود و
آن ملک تا قیامت بر پا خواهد بود و هر یک از مؤمنان که بگوید صلی الله
علی محمد و آله آن ملک میگوید علیک السلام پس میگوید که یا رسول الله

فلانکس

فلانکس بر تو سلام فرستاد آنحضرت میگوید علیه السلام و در کتاب جامع الاخبار
و در بعضی از کتب عامه مذکور است که هیچ کس بر من صلوات نمیفرستد
مگر آنکه عرض کرده میشود بر من و در سنن ابی داود که از کتب عامه است
مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بر من صلوات
فرستید که صلوات شما بمن میرسد در هر جا که باشید خاصه و عامه در
بسیاری از کتب خود روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که هر که در پیش قبر من
بر من صلوات فرستد من میشنوم و هر که دور باشد صلوات فرستد بمن میرسد
و یکی از علما گفته است که نیازمندانی که از آن مشهد مقدس و مرقد
اقدس دور و مهجورند باید این حدیث بتحفه صلوات بر روضه مقدسه میفرستند
و امیدوارند که بسمع قبول آنحضرت برسد و در کتاب روضة العلماء که از کتب
عامه است مذکور است که هر بنده که یکبار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم صلوات فرستد حق تعالی فرشته را بفرستد که زودتر از چشم بر هم
زدن آن صلوات او را بر روضه مطهره آنحضرت رساند و در پیش روضه بایستد
و بگوید یا رسول الله فلان بن فلان یا فلانه بنت فلان صلوات فرستاده است
آنسرور فرماید که ده درود من باو برسان و باو بگوی که اگر بجای این ده درود
من یکی میبود ترا بر بهشت میرسانید و با من میبودی مانند سبابه و وسطی و شفاعت

من

من بتو میرسید اکنون که ده درود است ببین که مرتبه تو چه خواهد بود
پس همان ملك بسوی آسمان بالا میرود و در نزدیك عرش می ایستد و می
گوید خداوندا فلان بن فلان بر حبیب تو یکبار صلوات فرستاد خطاب رسید
که ده درود از من باو برسان و بگو که اگر از این ده یکی بودی هرگز آتش دوزخ
بتو نمیرسید و اکنون که ده است بنگر که کرامت تو چه خواهد بود پس حق
تعالی بان ملك فرماید که ذخیره کن این صلوات را در علیین زیرا که من
سیزدهم نوشته شدن آن صلوات است در صحیفه نورانیه چنانکه در حدیث
جامع الاخبار که در فایده دوازدهم گذشت مذکور شد و در کتاب خصال
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در آخر روز پنجشنبه و شب
جمعه جمعی از ملائکه از آسمان فرود می آیند که با ایشان قلمها از طلا
و لوحها از نقره هست و در آخر روز پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا وقت
غروب شمس چیزی بجز صلوات بر پیغمبر و آل اطهار علیهم السلام را نمی نویسند
و در بعضی از کتب عامه مذکور است که حق سبحانه و تعالی گروهی از ملئکه را
آفریده است و ایشان را در هوا باز داشته است و قلمها و صحیفه ها از نور در دست
ایشان است و بان قلمها بر آن صحیفه ها نمی نویسند مگر صلوات که بر حضرت
رسالت و اهل بیت آنحضرت صلوات الله علیهم فرستاده میشود و ایضا در

همان کتاب مذکور است که آن ملك که صلوات مؤمنان را میبرند چهار بال دارد
یکی بمشرق است و یکی بمغرب و یکی در زیر عرش و یکی در روضه مطهره آنحضرت
و چون آن ملك صلوات آن بنده را بعرض رسانید آنحضرت میفرمایند که آن امانت
است نزدیك من و در روز قیامت بان بنده خواهم رسانید و ایضا در آن
کتاب مذکور است که چون ملائکه نام بنده را بر صحیفه صلوات نویسند حق
سبحانه و تعالی فرماید که آنرا در خزانه غیب سپارند و قولی آنست که آن صحیفه ها در
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میباشد تا روز قیامت و چون
در آن روز آن بنده در مضائق هلاك افتد آنحضرت آن صحیفه را بیرون
می آورد و او را بسر منزل نجات میفرستد چنانکه در کتب بسیار مذکور است
که در روز قیامت بنده از این امت را بنزد میزان می آورند و اعمال او را می سنجند
و کفه حسنات او سبك میباشد و امر میشود که او را بدوزخ برند و آن بنده
از ملائکه میپرسد که در باره من چه حکم صادر گردید ملئکه میگویند که امر
شد ترا بسوی جهنم برند آنمرد گریان میشود و میگوید که مرا واگذارید
تا از برای حال خود گریه کنم ملئکه میگویند که این گریه در دنیا می
بایست بکنی تا فایده بران متفرع گردد و الحال هیچ فایده ندارد آن بنده
گوید که من از فرزندان آدمم و تاب تحمل آتش ندارم و هرگز بخدای خود اینگمان

نداشتم که مرا که از امت محمدم صلی الله علیه و آله وسلم با یهود و نصاری
در یکجا جمع کنند ملائکه گویند که اینک محمد صلی الله علیه و آله
وسلم در سایهٔ عرش بر کرسی کرامت نشسته است او را از انجا نشاید بفرماید
تو رسد آن بنده روی بیچوی آواز بلند کند که السلام علیک یا رسول
الله اغثنی انحضرت آواز او را شنیده تا کنار دوزخ بیاید و ببیند که بیچاره در دست
زبانیه گرفتار است و بکنار دوزخ رسیده است ملائکه انحضرت را تعظیم نمایند
و آن بنده انجناب را نشناسد و گمان کند که فرشته از فرشتگانست و انحضرت
بزبانیه فرماید که این بنده را بمن گذارید که دیگر باره بفرمایم که عمل
او را وزن نمایند و از جانب رب العزة بزبانیه خطاب رسد که این بنده را
بحبیب من بسپارید تا باز دیگر اعمال او را بسنجد و انحضرت دست آن بیچاره را
گرفته نزد میزان او بفرماید که باز دیگر اعمال او را وزن نمایند چون وزن
کنند کفهٔ سیئات راجح آید پس انحضرت دست مبارک در جیب کرده
صحیفهٔ بیرون آورد که در آن بسی چیزی نوشته شده باشد انرا در کفهٔ
حسنات او نهد فی الحال بر کفهٔ سیئات راجح آید پس خطاب رسد که بنده
مرا ببهشت برید و چون آن بنده بر در بهشت انحضرت را ملاقات نماید بعرض رساند
که تو چه کسی بودی که مرا بنزد میزان بردی و آن چه رقعه بود که در ترازوی خیر من گذاشتی

انجناب

انجناب فرماید که منم پیغمبر تو محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله که بمن استغاثه
کردی و آن رقعهٔ صلوات بود که در دنیا بمن فرستادی پس تحصیل موجب
خوشنودی رسول خدا است صلی الله علیه و آله وسلم و اگرچه در خصوص حصول
این فایده حدیثی در نظر حقیر نیست مگر در ضمن یکی از احادیث عامه بآن اشاره
شده است اما بحسب عقل باید که چنین باشد معلوم است که خوشنودی
خدا است که موجب هر سعادتی همانست و یکی از علما این فایده را ببعضی آثار
ثابت کرده است مثل آنکه گفته است که شخصی بود بسیار زاهد و عابد که
هرگز با کسی آمیزش نمیکرد و بمجالس و محافل حاضر نمیشد وقتی ترک عزلت
کرده ملازمت مجلس واعظی را اختیار کرده مردم از آن تعجب نموده باو گفتند
که موجب ترک عزلت و مداومت بر این صحبت چیست گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دیدم و بمن فرمود که برو بمجلس وعظ
فلان واعظ که بر من صلوات بسیار میفرستد من از او خوشنودم و ایضا حکایت
کرده است که مردی از اهل مرو گفت که من در صلوات فرستادن بر سید کائنات
و خلاصهٔ موجودات علیه و آله افضل الصلوات که اهل مرو زیاد و در آن
باب اهتمام ناکرده تغافل مینمودم تا آنکه شبی انحضرت را در خواب دیدم
و بمن هیچ التفات نفرمود بلکه از هر جانب که میرفتم اعراض مینمود چنانکه

گویا

کویا از من ناخوشنود بود من عرض رسانیدم که یا رسول الله چرا نظر التفات در
من نمیکنی و روی مبارک از من میکردانی فرمود که من ترا نمیشناسم تا توجه
التفات کنم عرض کردم که من یکی از امت شمایم و از علما شنیده ام که پیغمبران
امت خود را بهتر میشناسند از پدر فرزند خود را فرمود که معرفت من با امت بقدر
فرستادن صلوات ایشانست بر من و چون تو مرا بصلوات یاد نمیکنی من چگونه
ترا بشناسم و بچه جهه از تو خوشنود باشم من از خواب بیدار شدم و بر خود
لازم کردانیدم که هر روز صد بار صلوات فرستم و حق تعالی مرا توفیق
قیام آن عطا نمود و بعد از مدتی باز انحضرت را در خواب دیدم و بمن التفات
بسیار نموده فرمود که اکنون ترا میشناسم و از تو خوشنودم و در قیامت شفیع تو
خواهم بود و ایضا از یکی از اخیار امت حکایت کرده است که گفت من بر خود
لازم کردانیده بودم که هر شب پیش از انکه بخواب روم تعدادی معین بر آن
حضرت صلوات فرستم و شبی با جمعی از اهالی خود در غرفه بودم و بعد از ادای
وظیفهٔ صلوات مقرره بخواب رفتم در خواب دیدم که انحضرت داخل آن غرفه شد
و از نور جمالش تمام در و دیوار آن منزل روشن کردید و بمن التفات نموده
فرمود که کجاست آن دهن که بر من صلوات میفرستد تا من آنرا ببوسم و من
شرم کردم که دهن خود را پیش برم و رخسارهٔ خود را پیش بردم و انحضرت

رخسارهٔ مرا بوسید من از شدت فرح و شادی بیدار شدم و هر که با من در آن
غرفه بود بیدار شدند و غرفه از رایحهٔ روح پرور آن سرور بمثابه معطر بود که
کویا از مشک ازفر مملو کشته بود و تا هشت روز آن رایحه از رخسار
من می امد چنانکه همه کس آنرا میشنیدند و همانا عالم در این حکایات فایدهٔ
دیگر استنباط کرده است که آن دیدن جمال انحضرت است در خواب و بنا
بر این آنرا فایدهٔ پانزدهم میتوان شمرد شانزدهم آنکه موجب اجر و ثواب
ذاکر آنست چنانکه ابن بابویه در کتاب امالی و عیون از حضرت امام رضا
علیه السلم روایت کرده است که صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم
السلم معادلست در نزد خدا با تسبیح و تهلیل و تکبیر و در کتاب جمال
الأسبوع روایت کرده است که مردی با امام جعفر صادق علیه السلم
عرض کرد که فدای تو شوم مرا خبر ده از آنکه حقتعالی میفرماید در وصف ملئکه
که یسبحون اللیل والنهار لا یفترون یعنی ملئکه در شب و روز تسبیح میکنند
و هرگز سست نمیشوند و در جای دیگر میفرماید ان الله وملئکته یصلون
علی النبی چگونه در تسبیح کردن سست نمیشوند و حال آنکه ایشان بر پیغمبر
صلی الله علیه و آله صلوات میفرستند انحضرت فرمود که چون حقتعالی
محمد صلی الله علیه و آله را آفرید ملئکه را امر نمود که از ذکر من دوری

جو بیند بمقصد آنکه بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات میفرستید پس اگر کسی
در نماز بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد مثل آنست که
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در کتاب علل
الشرایع از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است که هر که
خدا را یاد کند ده حسنه برای او نوشته شود و هر که رسول خدا را یاد کند
ده حسنه برای او نوشته میشود زیرا که حقتعالی آنحضرت را قرین خود گردانیده است
هفدهم آنکه عبادت پروردگار است چنانکه در کتاب اختصاص از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که یاد خدا کردن عبادتست و یاد
کردن من عبادتست و یاد کردن علی علیه السلم عبادتست و یاد کردن
امامان اولاد علی علیهم السلم عبادتست هجدهم آنکه کفاره گناهانست
چنانکه ابن بابویه در اکثر کتب خود از حضرت امام رضا علیه السلم روایت کرده
است که هر که قادر نباشد که کفاره گناهان خود را بعمل بیاورد باید
که بر محمد و آل محمد علیهم السلم صلوات بسیار فرستد بدرستیکه صلوات بر ایشان
گناهان را از هم میریزاند و در کتاب جامع الاخبار بسند روایت از رسول
خدا صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود هر که یکبار بر من صلوات
فرستد از گناهان او ذره باقی نمیماند و ایضا در همان کتاب از

همان جناب مرویست که هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد از برای او ملکی
که حافظ اویند بشنوانند و ملک تا سه روز هیچ گناه بر او نمینویسند
و در کتاب ثواب الاعمال از امیر المؤمنین علیه السلم روایت کرده است
که صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در محو کردن گناهان شدیدتر
است از فرو نشاندن آب آتش را و سلام کردن بر آنحضرت افضلست از
بنده آزاد کردن در راه خدا و دوستی آنحضرت بهتر است از شهید شدن
در راه خدا یا از شمشیر زدن در راه خدا و همین حدیث در کتاب جامع
الاخبار مذکور است بتفاوت آنکه بجای بنده کان آزاد کردن و در دعوات
راوندی از آنحضرت منقولست که هر که هر روز از روی شوق و محبت سه
مرتبه صلوات فرستد بر خدا لازم میگردد که گناهان او را بیامرزد در آن
شب و روز و همین حدیث در کتب عامه نیز مذکور است و در کتاب جامع
الاخبار از انس روایت منقولست که هر که در روز جمعه صد مرتبه بر من
صلوات فرستد حقتعالی گناهان هشتاد ساله او را می آمرزد و در همان کتاب
از ابن عباس روایت کرده است که هر که بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد حقتعالی باو عطا میفرماید ثواب هفتاد و دو شهید از گناهان
بیرون می آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و در بعضی از کتب عامه

مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که مرا یاد کند
و بر من صلوات فرستد حقتعالی جمیع گناهان او را بیامرزد اگر چه بعدد
ریگ عالج باشد و عالج نام موضعیست در بیابان که ریگ در آنجا از
سایر مواضع بیشتر است و در کتاب ریاض الانس از کتب عامه مذکور است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که یکبار بر من صلوات
فرستد حقتعالی بدو ملک حافظ او امر فرماید که تا سه روز هیچ گناه بر او
ننویسند مؤلف گوید که احادیث در این باب بسیار است و در کتب فریقین بسر حد
استفاضه بلکه تواتر است و بسیاری از آن در فصول این کتاب مذکور است
لهذا جمع آن در اینمقام موجب اطناب و تکرار خواهد شد نوزدهم
آنکه امتثال امر بدعا کردنست که در آیه ادعونی بندگان بان مامور
شده اند و در جای دیگر میفرماید که قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم یعنی
بگو ای محمد صلی الله علیه و آله که هیچ مبالاة نمیکرد بشما پروردگار من
اگر دعای شما نمیبود و در اخبار وارد شده است که الدعا مخ العبادة بیستم
آنکه موجب حصول ثواب بکند کالسنه و در اخبار وارد شده است که هر
که از حقتعالی چیزی سؤال نکند حقتعالی بر او خشم میکند چنانکه در
کتاب مکارم الاخلاق از سدیر صیرفی روایت کرده است که گفت از امام

محمد

محمد باقر علیه السلام پرسیدم که کدام عبادت افضلست فرمود که هیچ چیز
در نزد خدا از آن محبوبتر نیست که از او سؤال نمایند و چیزی را طلب
کنند و هیچکس در نزد خدا مبغوضتر نیست از آنکس که از عبادت خدا
استکبار نماید و از خدا چیزی سؤال نکند و در بعضی اخبار وارد شده است
که از خدا سؤال نمایید یادنی فضل آنحضرت را زیرا که خدا دوست می
دارد که از او طلب نمایند بیست و یکم آنکه موجب کفایت شغل حاجات
و مؤنات دنیا و آخرتست چنانکه شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده است که مردی بنزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض
کرد که من نصف دعا کردن خود را برای تو قرار میدهم فرمود که نیکو میکنی
آنمرد گفت که آیا کل آنرا برای تو قرار بدهم فرمود بلی چون آنمرد رفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که امر دنیا و آخرت اینمرد کفایت
کرده شد و ایضاً کلینی و ابن بابویه از آنحضرت روایت کرده اند که مردی
بنزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که من ثلث دعای خود را
برای تو قرار دادم آنحضرت فرمود که خوب کردی عرض کرد که نصف آنرا برای تو قرار
دادم فرمود که این نیکوتر از آنست عرض کرد که کل آنرا برای تو قرار دادم فرمود
که حقتعالی امور دنیا و آخرت ترا کفایت خواهد کرد راوی میگوید که من

بجهت

بحضرت امام علیه السلم عرض کردم که چگونه دعای خود را بآنحضرت قرار
میدهد فرمود که از خدا چیزی سؤال نمیکند مگر آنکه بصلوات فرستادن
بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ابتدا میکند و در حدیث دیگر که کلینی
روایت کرده است از ابن عباس که ابی گفت که من ثلث دعای خود را برای تو
قرار میدهم بلکه کل از آن قرار میدهم فرمود که مؤنت دنیا و آخرت تو
کفایت کرده خواهد شد و در صحیح ترمذی که از کتب عامه است از ابی بن کعب
روایت کرده است که برسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم که چه
مقدار از اوقات دعای خود را در فرستادن صلوات صرف نمایم فرمود که آنمقدار
که خواهی عرض کردم که ربعی از آن قرار دهم فرمود که هرچه خواهی و اگر
زیاده کنی بهتر خواهد بود عرض کردم که ثلثی قرار دهم فرمود هرچه
خواهی و اگر زیاده کنی بهتر خواهد بود عرض کردم که نصفی همان جواب فرمود
و در دو ثلث همان جواب فرمود عرض کردم که تمام اوقات خود را در آن صرف
مینمایم فرمود که اذن یکفی همک و یغفر ذنبک یعنی هرگاه چنین کنی
کفایت کرده شود آنچه در اندیشه تو باشد و گناهان تو آمرزیده گردد
مؤلف گوید که قصص و اخبار بسیار در احادیث و آثار مذکور است
که دلالت میکند بر آنکه بواسطه فرستادن صلوات بر آنحضرت امور

بسیار

بسیار عظیم بر کار انبیا و اولیا و امتهای ماضیه کفایت کرده شده و ما
بعضی از آنها را در فصلی علاحده ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی
بیست و دوم آنکه موجب استجابت دعاست و اخبار درین باب بسیار است
از انجمله در کتاب کافی از هشام بن سالم روایت کرده است که امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که دعا محجوب و ممنوع است تا آنکه بر محمد و آل
محمد صلوات الله علیهم صلوات فرستاده شود و در کتاب کفایت الاثر از ابوذر
رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
همین مضمون را فرموده و در کتاب ثواب الاعمال از امیر المؤمنین علیه السلم
روایت کرده است که هر دعائی محجوب است از بالا رفتن بسوی آسمان تا آنکه
صلوات فرستاده شود بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم و در کتاب کافی
همین مضمون را باندک تفاوتی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کرده است و در کتاب جامع الاخبار نیز همین مضمون از امیر المؤمنین
علیه السلم روایت کرده است و ایضا در کتاب جامع الاخبار از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر دعائی که هست در
میان زمین و آسمان حجاب مانع آن میگردد تا آنکه بر محمد و آل محمد صلی
الله علیهم صلوات فرستاده شود و چون صلوات فرستاده شد آن حجاب را سوراخ

میکند

میکند و داخل میکردد و اگر صلوات فرستاده نشد بالا نمیرود و قریب بهمین
مضمون را در کتاب کافی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده
است و ایضا در کتاب کافی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کرده است که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد باید که اول بصلوات فرستادن
بر محمد و آل محمد ابتدا نماید بعد از آن حاجت خود را طلب نماید و در آخر
نیز بصلوات فرستادن ختم نماید زیرا که حقتعالی از آن کریمتر است که دو
طرف را قبول نماید و وسط را واگذارد و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم محجوب نمیشود و مفاد این مضمون را شیخ طوسی در کتاب جمال
الأسبوع امالی بعبارت دیگر از آنحضرت روایت کرده است و هم
چنین سید بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع و ایضا در کتاب جمال
الأسبوع از آنحضرت روایت کرده است که چون یکی از شما دعا کند و
پیغمبر صلی الله علیه و اله را یاد ننماید دعا در بالای سر او پر میزند
و چون آنحضرت را یاد نماید بالا میرود و شیخ طوسی در کتاب امالی ذکر
کرده است که صلوات فرستادن شما بر من موجب استجابت دعای شما
میشود و اعمال شما را پاکیزه میکرداند و در کتاب دعوات راوندی از امام
جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر که یک مرتبه از روی

اخلاص

اخلاص و نیت قلبی بر رسول خدا صلی الله علیه و اله صلوات فرستد
حقتعالی صد حاجت او را روا سازد سی در دنیا و هفتاد در آخرت و در
کتاب نوادر راوندی از آنحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله
علیه و اله فرمود که هر که صد مرتبه بر من صلوات فرستد حقتعالی
صد حاجت او را برآورد و امثال این اخبار در کتب فریقین بسیار است
که مضامین آنها بیکدیگر نزدیک و در آنچه ذکر شد کفایت است
از غرائب بیست و سیم موجب وفا کردن بمیثاق عهدیست که در
روز الست از خلق گرفته است چنانکه از حضرت موسی بن جعفر علیهما
السلم منقولست که هر که بر پیغمبر صلی الله علیه و اله صلوات فرستد
معنی آن اینست که من بر آن میثاق باقیم که در وقتیکه حقتعالی
فرمود که الست بربکم و خلایق قبول نمودند و بان وفا نمودم بیست و چهارم
موجب دفع نفاقست چنانکه ابن بابویه از امام جعفر صادق علیه
السلم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که
بلند کردانید آوازها خود را در صلوات فرستادن بر من زیرا که آن
نفاق را بر طرف میسازد و همین حدیث نیز در کافی مذکور است بیست و پنجم
موجب صلوات فرستادن جمیع خلایقست بر صلوات فرستنده بر آن

حضرت

حضرت چنانکه در حدیثی که در فائده سیم از کافی و ثواب الاعمال و
جمال الاسبوع و مکارم الاخلاق نقل شد مفهوم گردید بیست و ششم
انکه بهترین اعمالست در اخرت چنانکه در دعوات راوندی از ابن عباس
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که وقتی حمزه و
جعفر را دیدم چنانکه کسی خواب می بیند در پیش روی ایشان
طبقی از کنار گذاشته بود و ساعتی ازان خوردند پس ان کنار
انگور شد و ساعتی ازان خوردند پس ان انگور رطب شد و ساعتی
ازان خوردند پس من نزد ایشان رفتم و گفتم پدر و مادرم فدای شما باد
کدام اعمال را بهتر یافتید گفتند پدران و مادران ما فدای تو باد بهترین
اعمال را صلوات فرستادن بر تو یافتیم و تشنه را اب دادن و دوستی علی بن ابی
طالب صلوات الله و سلامه علیه بیست و هفتم موجب پاکیزه شدن
اعمالست چنانکه در کتب فریقین بطرق بسیار از رسول خدا صلی الله
علیه و اله مرویست که صلوات فرستادن شما بر من موجب پاکیزه شدن
عملهای شماست بیست و هشتم موجب حصول عافیت است چنانکه در
جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده است که
هرکه یکمرتبه بر من صلوات فرستد حقتعالی دری از عافیت بر روی او

بکشاید

بکشاید و در کتاب ریاض المذکرین که از کتب عامه است مذکور است که
رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هرکه روزی بر من صلوات
فرستد حقتعالی دران روز دری از عافیت بر روی او بکشاید و از فزع
اکبرش ایمن گرداند و در مجمع اللطایف که ان نیز از کتب عامه است مذکور
است که زنی بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و اله امد عرض کرد
که فرزندی دارم که چشم و گوش و دست و پا ندارد و الحال بدار الشفا
عنایت شما رجوع کرده ام انحضرت فرمود که برو و بر من بسیار صلوات فرست که
بزودی بمراد خواهی رسید ان زن در همانجا شروع در فرستادن صلوات
نمود و بهر قدمی که بر میداشت صلوات میفرستاد و چون بخانه در امد
فرزند خود را دید که بصحت و سلامت نشسته است و تمام اعضا و
جوارحش سالم گردیده از فرح و شادی با فرزند خود سخن نگفته بمسجد
امد و صورت واقعه را بعرض رسانیده و انحضرت با حاضران شادمان
گردیدند پس جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول الله حقتعالی ترا سلام
میرساند و میگوید چنانکه امروز ببرکت صلوات بر تو اعضای این
شکسته حال را بصلاح اوردم فردا بشفاعت تو شکستهای امت
ترا درست خواهم کرد و در کتاب مفاتیح الاقبال که ان نیز از کتب

عامه

عامّه است مذکور است که زنی حامله بود تنها از مکّه بمدینه مهاجرت
نمود و باین سبب اورا مهاجره میگفتند ناگاه پسری زایید مانند قطعهٔ از
گوشت که دست و پا نداشت مهاجره غمناک شده بقابله گفت که من
بحکم خدا راضیم امّا بجهة شماتت دشمنان یعنی کفّار مکّه بگویند که
فلانه از شهر ما رفته و دین اسلام را قبول نمود و بتان ما دست و پای فرزند
او را گرفتند غلغله بخاطرم میرسد قابله گفت که باید درین قضیّه رجوع
بحکمهٔ علیّهٔ نبویّه صلّی الله علیه و آله نمود مهاجره بخدمت آنسرور آمده
صورت حال را بعرض رسانید آنجناب فرمود که بگو اللّهمّ صلّ علی محمّد
و آل محمّد کما صلّیت و بارکت علی ابرهیم مهاجره اینکلمات را بر زبان
رانده بخانهٔ خود برگشت و فرزند خود را با دست و پای درست دیده در
حال خبر بسیّد ابرار رسانید آنحضرت فرمود که این از برکت صلوات
فرستادن بر من بود بنسبت فقرهٔ همه موجب ادراک رحمتست چنانکه ابن
بابویه در کتاب امالی گفته است که امیر المؤمنین علیه السّلام
بعد از وفات رسول خدا صلّی الله علیه و آله خطبه خواند و در اثنا
خطبه فرمود که باقرار بشهادتین داخل بهشت خواهید شد و بصلوات
فرستادن بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله رحمت را درخواهید یافت

پس

پس بسیار صلوات فرستید بر پیغمبر خود بدرستی که خدا و ملائکه بر آنحضرت
صلوات میفرستند فرموده است که یا ایّها الّذین آمنوا صلّوا علیه
وسلّموا تسلیما سی ام آنکه موجب قبول طاعتست چنانکه در کتب
فریقین مذکور است بطرق متعدّده که اگر بنده در روز قیامت بیاید
با جمیع حسنات اهل دنیا و با آنها صلوات نباشد آنحسنات را برو
بر میگردانند سی و یکم سبب طیب مجالس است چنانکه در کتاب
ازهار الاحادیث که از کتب عامّه است مذکور است که رسول خدا
صلّی الله علیه و آله فرمود که هر جمعی که در مجلسی بنشینند و متفرّق شوند
و بر من صلوات نفرستند بوئی از آنمجلس بر میخیزد که از هر بوئی ناخوشتر
باشد و در کافی و مکارم الاخلاق و غیر آن از امام جعفر صادق علیه
السّلم روایت کرده است که هر قومی که در مجلسی جمع شوند خدا را یاد
نکنند و بر پیغمبر خود صلوات نفرستند آن مجلس بر ایشان حسرت و وبال
خواهد شد و از یکی از مشایخ حکایت کرده اند که گفت شبی در اصفهان
در زاویهٔ یکی از فقرا ماندم و چون نصف شب شد از خواب بیدار گردیدم و بوی
خوشبوی بمشامم رسید که هرگز از آن خوشتر بوی نشنیده بودم برخواستم
و در تجسّس آن بر آمدم که آن بوی از کجاست و بهر طرف دویدم آخر الامر

گران

کران بوی از دهان او به است و چون نگاه کردم فقیر را دیدم که در کنج زاویه
زمزمه میکرد و چون گوش دادم شنیدم که صلوات میفرستاد و ان رایحه جان
افزا از دهان او میوزید پس دو مره سبب خلاصی از غیبت است چنانکه
در اثار امده است که روزی یکی از اولیا با الیاس و خضر علیهما السلم
شکایت کرد که مردم غیبت بسیار میکنند و ان از گناهان کبیره است و
چندانکه ایشانرا نصیحت میکنم و از ان منع مینمایم سخن مرا نمیشنوند
و انعمل قبیح را ترک نمیکنند حضرت الیاس علیه السلم فرمود که چاره
اینکار انست چون کسی بمجلس در اید با او بگو که بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم و صلی الله علی محمد و ال محمد که حقتعالی ملکی را بر اهل انمجلس
موکل میگرداند که هرگاه کسی شروع در غیبت نماید ان ملک او را از ان
باز دارد و از حقتعالی سؤال نماید تا انقوم را از غیبت نگاه دارد پس
حضرت خضر علیه السلم فرمود که چون کسی در وقت بیرون رفتن از
مجلس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و ال محمد
حقتعالی ملکی را میفرستد تا انکه نگذارد که اهل انمجلس غیبت او
نمایند سیم و سیم انکه سبب توانگری و غناست چنانکه از رسول
خدا صلی الله علیه و اله مرویست که فرمود بسیار یاد کردن خداوند من

صلوات فرستادن موجب برطرف شدن فقر میشود یعنی صلوات فرستنده توانگر
میشود و از احتیاج بخلایق خلاصی می بخشد عامه از سهل بن سعد
روایت کرده است که مردی بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و اله
امد و از فقر شکایت کرد انحضرت فرمود که چون داخل خانه خود شوی سلام کن
خواه کسی در خانه باشد خواه نباشد بر من سلام بفرست و بعد از ان
سوره اخلاص بخوان و انمرد چنان کرد در اندک روزی توانگر گردید چنانکه
بر همسایگان و خویشان خود افاضه مینمود و در حکایات الصالحین
اورده اند که فقیری محتاج و صاحب عیال بطلب نفقه از خانه بیرون
امده نمیدانست که بکجا رود ناگاه گذارش بکنار مجلس واعظی افتاد
که حاضران را بفرستادن صلوات از غیب میفرمود و فقیر در انجا ایستاد و
شنید که واعظ میگفت که در فرستادن صلوات تقصیر مکنید که اگر
توانگر بر انسر و صلوات فرستد در مالش برکت بهم میرسد و اگر فقیر
صلوات فرستد حقتعالی از اسمان روزی برای او میفرستد ان فقیر از ان
مجلس بیرون رفت و بفرستادن صلوات مشغول شد و بعد از ان سه روز
بو براه میگذشت پایش بسنگی بر امده انسنگ کنده شد و سبوئی پر از زر
در زیر انسنگ ظاهر گردید انمرد گفت که وعده روزی من از اسمانست

کران بوی از داخل زاویه است و چون نگاه کردم فقیر را دیدم که در کنج زاویه
زمزمه میکرد و چون گوش دادم شنیدم که صلوات میفرستاد و آن رایحهٔ جان
افزا از دهن او میوزید سی و دوم سبب خلاصی از غیبت است چنانکه
در اثار امده است که روزی یکی از اولیا با الیاس و خضر علیهما السلام
شکایت کرد که مردم غیبت بسیار میکنند و آن از گناهان کبیره است و
چندانکه ایشان را نصیحت میکنم و ازان منع مینمایم سخن مرا نمیشنوند
وان عمل قبیح را ترک نمیکنند حضرت الیاس علیه السلام فرمود که چارهٔ
این کار انست چون کسی بمجلس در اید باو بگو که بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم و صلی الله علی محمد و آل محمد که حقتعالی ملکی را بر اهل آن مجلس
موکل میگرداند که هر گاه کسی شروع در غیبت نماید آن ملک او را ازان
باز دارد و از حقتعالی سؤال نماید تا آن قوم را از غیبت نگاه دارد پس
حضرت خضر علیه السلام فرمود که چون کسی در وقت بیرون رفتن از
مجلس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آل محمد
حقتعالی ملکی را میفرستد تا انکه نگذارد که اهل آن مجلس غیبت او
نمایند سی و سیم آنکه سبب توانگری و غناست چنانکه از رسول
خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود بسیار یاد کردن خدا و بر من

صلوات فرستادن موجب برطرف شدن فقر میشود یعنی صلوات فرستنده را توانگر
میسازد و از احتیاج بخلایق خلاصی می بخشد علامه از سهل بن سعد
روایت کرده است که مردی بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله
امد و از فقر شکایت کرد انحضرت فرمود که چون داخل خانهٔ خود شوی سلام کن
خواه کسی در خانه باشد و خواه نباشد و بر من سلام بفرست و بعد ازان
سورهٔ اخلاص بخوان و انمرد چنان کرد در اندک روزی توانگر گردید چنانکه
بر همسایگان و خویشان خود افاضه مینمود و در حکایات الصالحین
اورده اند که فقیری محتاج و صاحب عیال بطلب نفقه از خانه بیرون
امده نمیدانست که بکجا رود ناگاه گذارش بکنار مجلس واعظی افتاد
که حاضران را بفرستادن صلوات ترغیب میفرمود آن فقیر در انجا ایستاد و
شنید که واعظ میگفت که در فرستادن صلوات تقصیر مکنید که اگر
توانگر نیز صلوات فرستد در مالش برکت بهم میرسد و اگر فقیر
صلوات فرستد حقتعالی از اسمان روزی برای او میفرستد آن فقیر ازان
مجلس بیرون رفت و بفرستادن صلوات مشغول شد و بعد از سه روز
بویرانه میگذشت پایش بسنگی بر امده آن سنگ کنده شد و سبوی پر از زر
در زیر ان سنگ ظاهر گردید انمرد گفت که وعدهٔ روزی من از اسمان است

ورود بزمین را نمیخواهم و همان سنک را بجای خود کذاشته بخانه امد و صورت
حال را بازن خود کفت وانمرد همسایه داشت که یهودی بود و قضا را در ان
وقت ان یهودی بر بام خانه خود بود و حکایت انمرد را که بازنش میکفت
شنید و فی الحال از بام فرود امده بان ویرانه رفت و انسبو را برداشته
بخانه امد و چون سرانرا کشود دید که سبو پر از مار و عقرب است با کسان خود
کفت که این همسایه مسلمان دشمن ماست و وقتی که من در بام بودم فهمید
و ان سخن را برا این کفت که من در طمع افتم و ان سبو را بخانه اورم و
ازان ضرری بمن برسد پس بهتر انست که انرا بربام برده از راه روزن در
خانه او بریزم تا انکه ضرری که برای من میخواست بخودش برکردد
پس بربام امد در وقتیکه زن ان فقیر بشوهر خود میکفت که روا
نباشد که تو سبوی پر از زر بیابی و انرا بکذاری و ما در فقر و تنکدستی
باشیم و انمرد میکفت که من امیدوارم که از روی اسمان برای ما فرود
اید ناکاه یهودی سر سبو را کشاده سرنکون ساخت وانمرد اوازی
شنید سر را بالا کرده دید که از روزنه خانه او زر فرو میریزد فریاد
کرد که ای زن اینک زر است که از اسمان فرود میریزد و ان زنها را
برمیچیدند و صلوات میفرستادند و چون یهودی دید که از سبو زر میریزد

انرا باز کرفته در انمکان دید که همان مار و عقرب است با قیرانیز در خانه
درویش فرو ریخت و همه زر سرخ بود ان یهودی دانست که این سریست
از اسرار غیبی که بظهور میرسد و بخاطرش کذشت که این همان حکم
اب نیل دارد که در زمان حضرت موسی در نظر قبطیان خون مینمود و در
نظر سبطیان اب بود و فی الحال ان درویش را اسبا طلبیده بر دست او
مسلمان شد و از برکت صلوات بر انحضرت مسلمان از دولت غنا و
یهودی از سعادت اسلام روزی شد بیست و چهارم سبب یاد امدن فراموش
شده است چنانکه ابن بابویه در کتاب علل الشرایع و کتاب عیون
روایت کرده است که از جمله سوالاتی که خضر از حضرت امام حسن
مجتبی علیهما السلام نمود یکی این بود که سبب چیست که شخص
چیزی را که در خاطرش بوده است کاهی فراموش میکند و کاهی بخاطرش
میاید انحضرت فرمود که دل مرد در حقه ایست و بر روی ان حقه
طبقیست و چون مرد درا نوبت بر محمد و ال محمد صلوات الله علیهم
صلوات فرستد صلوات تمام ان طبق از ان حقه برداشته میشود
و قلب روشن میکردد و انچیز بخاطر انشخص می اید و اکر صلوات
بر محمد و ال محمد صلوات الله علیهم نفرستد یا انکه ناقص فرستد

انطبق بر آن محکم میشود و دل تاریک میگردد و آن مردان را فراموش
میکنند و در یکی از کتب عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که فرمود که چون فراموش کنید چیزی را بر من صلوات فرستید که
موجب یاد آمدن آنچیز خواهد شد انشاء الله تعالی سی و پنجم آنکه هر که
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد برای او خواهد بود ثواب هفتاد
و دو شهید و جمیع گناهانش آمرزیده شود و هیچ گناه بر او نمیماند
مانند روزی که از مادر متولد شده است و این حدیث را صاحب
کتاب جامع الاخبار از رسول مختار صلی الله علیه و آله روایت کرده
است و در کتب عامه نیز مذکور است سی و ششم آنکه سبب حصول
نور بسیار است در روز قیامت برای آنکس که صلوات فرستد چنانکه
در جامع الاخبار از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که فرمود هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد حق تعالی
خلق میکند در روز قیامت نوری در سر او و نوری در طرف چپ
او و نوری در بالای او و نوری در زیر او و نوری در جمیع اعضای او
و یکی از علما گفته است که محققان بر آنند که صلوات را در تنویر
ظاهر و باطن تاثیری عظیم است و بتجربه معلوم کرده اند و در

بعضی

بعضی کتب مذکور است که صلوات بر سید کاینات صیقل آینه
دلهاست و هر دلی که بزنگ انکار مبتلا باشد توفیق فرستادن
صلوات و سلام بر سید انام علیه و آله الصلوة والسلام نمی یابد
زیرا که حق سبحانه و تعالی آنحضرت را نور خوانده و ذکر آنحضرت سمت
نور علی نور دارد پس هر تیره دلی از آنحضرت بی نصیب خواهد بود
زیرا که نور و ظلمت با یکدیگر جمع نمیتوانند شد و یکی از مشایخ نقل
کرده است که شبی من و پدرم مقابله کتاب حدیث میکردیم و در
هر جا که باسم مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله میرسیدیم
صلوات میفرستادیم و جمعی کثیر از همسایگان دور و نزدیک ما دیده
بودند که از موضع مقابله عمودی از نور مرتفع گردیده و باسمان پیوسته
و اطراف و جوانب محله بان روشن گردیده است سی و هفتم موجب
سنگینی میزان حسنات است چنانکه در کتاب قرب الاسناد از احد
الصادقین علیهما السلام روایت کرده است که سنگینتر چیزی
که در روز قیامت در میزان میگذارند صلوات بر حضرت رسالت و
اهل بیت آنحضرت است صلوات الله علیهم و همین حدیث در کتاب
کافی نیز مذکور است با زیادتی و آن زیادتی اینست که مردی هست که

در روز قیامت اعمالش را در میزان میگذارند و طرف گناهان زیادتی
کند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون می آید و صلواتی که او
بر آنحضرت فرستاده است در کفه حسنات او میگذارند آن کفه بر کفه سیئات
زیادتی میکند و اینحدیث با اندک زیادتی در کتاب عدة الداعی نیز مذکور
است و در کتاب ثواب الاعمال و امالی شیخ صدوق مذکور است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه که برای ماه مبارک رمضان
خواند فرمود که هر که بر من در این ماه بسیار صلوات فرستد حقتعالی سنگین
میگرداند ترازوی اعمال او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و در
کتاب ثواب الاعمال از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که من در روز قیامت در نزد
میزان خواهم بود و هر که کفه سیئاتش سنگینتر از کفه حسنات باشد
من صلواتی را که بمن فرستاده است میاورم و در کفه حسنات او میگذارم
تا آنکه کفه حسنات آن سنگینتر گردد و اینحدیث در کتاب جامع الاخبار
و مکارم الاخلاق نیز مذکور است و در یکی از کتب عامه مذکور است
که بهر مؤمنی پنج ملک موکلند یکی در پیش روی او که شیطانرا از او
دور میگرداند و دیگری در عقب سر او که آفات آسمانرا از او باز میدارد

سیم در طرف راست او که حسنات او را مینویسد چهارم در طرف چپ
او که سیئات او را مینویسد و پنجم در ناصیه او که او را حافظ میگویند
و هر صلواتی که آن مؤمن در شب میفرستد آن ملک او را نگاه میدارد
تا بوقت طلوع آفتاب و در آنوقت میبرد و باز بجهة حفظ صلوات روز می
آید و فن آن فرشته برای آنست که میبرد بنزد مرقد مطهر سید کاینات
علیه و آله الصلوات و در برابر قبر می ایستد و میگوید السلام علیک یا
رسول الله فلان بن فلان در این شب یا در این روز بر تو چندین صلوات
فرستاده است آنحضرت میفرماید که صلوات و سلام من بر او باد پس آن ملک
بر بر عرش میبرد و میگوید خداوندا بنده تو فلان بن فلان چندین
صلوات بر حبیب تو فرستاده است و من بروضه مقدسه آنحضرت
رفتم و بعرض رسانیدم و آنحضرت بر او صلوات و سلام فرستاد حق
سبحانه و تعالی میگوید که بر آن بنده باد صلوات و میفرماید که من صلوات
آن بنده را در ابر سفید نورانی گذاشته در رکنی از ارکان عرش بسپارند
و آن صلوات در حجاب عزت محفوظ میمانند تا روز قیامت پس در وقتی که عمل
بنده را می سنجند حقتعالی میفرماید که آن صلوات را بیاورند و در کفه
حسنات آن بنده گذارند تا سنگین شود پس بحکم فاما من ثقلت موازینه

فهو فی عیشة راضیة او را بر روضهٔ رضوان برند و در درجهٔ رفیع
منزل منیع فرود آورند سی و هشتم سبب نور است بر صراط چنانکه
در جامع الاخبار از رسول مختار صلی الله علیه و آله روایت کرده است
که فرمود صلوات بر من نور است بر صراط و هر که بر آن صراط نور باشد
از اهل نار نخواهد بود و در ریاض المذکرین که از کتب عامه است
صد این حدیث را از رسول مختار صلی الله علیه و آله روایت کرده است
سی و نهم آنکه قدم صلوات فرستنده را بر صراط ثابت میدارد و از
لغزیدن مانع میگردد چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست
و در کتاب انوار الاصول که از کتب عامه است از عبد الله بن سمره
روایت کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجره طاهره
بیرون آمد و فرمود که در شب گذشته عجب خوابی دیدم مردی را از امت
خود دیدم که از صراط میگذشت و هر لحظه میلرزید و در هر قدم
میلغزید پس دیدم که صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و دست او را گرفت و
بسلامت از صراط گذرانید چهلم سبب خلاصی از آتش جهنم است
چنانکه در جامع الاخبار از رسول مختار صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که هرگز داخل در آتش نخواهد شد کسی که بر من صلوات

فرستد و ایضاً در همان کتاب از همان جناب منقولست که هر که یک مرتبه
بر من صلوات فرستد حق تعالی ده صلوات بر او میفرستد و هر که ده
مرتبه بر من صلوات فرستد حق تعالی صد مرتبه بر او صلوات
فرستد و هر که صد مرتبه بر من صلوات فرستد حق تعالی هزار
مرتبه بر او صلوات فرستد و هر که حق تعالی بر او هزار صلوات
بفرستد هرگز داخل آتش نخواهد شد و در فایدهٔ سی و هشتم
نیز حدیثی در اینخصوص گذشت چهل و یکم سبب هدایت یافتن
است بسوی بهشت و احادیث متعلقه بآن در فصول و فواید سابقه
گذشت مثل حدیثی که در جامع الاخبار از عبد الله بن عوف روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل
بر من نازل شد و گفت که هر که بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار
ملک بر او صلوات فرستند و هر که هفتاد هزار ملک بر او صلوات
فرستد از اهل بهشت خواهد بود چهل و دوم سبب نور است
در قبر چنانکه در دعوات راوندی مذکور است که رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرمود که بسیار بر من صلوات فرستید زیرا که صلوات
فرستادن بر من نور است در قبر و نور است در صراط و نور است در

بهشت چهل و سیم موجب دفع عطش است در روز قیامت چنانکه
در اخبار آمده است که حق تعالی وحی کرد بحضرت موسی علی نبینا
و آله و علیه السلام که ای موسی آیا دوست میداری که عطش قیامت
تو را در نیابد در مواقف روز تشنه نباشی عرض کرد بلی ای پروردگار
عالمیان خطاب رسید که امروز در دنیا بر حبیب من صلوات
فرست تا فردا از تشنگی قیامت ایمن باشی چهل و چهارم موجب آشامیدن
شراب سلسبیل است چنانکه در اخبار آمده است که رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرمود که هر که بر من صد بار صلوات فرستد حق تعالی
بر وی هزار بار صلوات میفرستد و اگر هزار بار بر من صلوات فرستد حق
تعالی او را از فضل خود ثواب ده هزار رکعت نماز عطا فرماید و بیاشامد
او را در حظیرهٔ قدس از شراب سلسبیل چهل و پنجم سبب نجات است از
اهوال دنیا و روز قیامت چنانکه در اخبار آمده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که رستگارترین شما از اهوال قیامت
آنکس است که بر من صلوات بیشتر میفرستد چهل و ششم در بعضی از
اخبار وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که هر روز بر من هزار مرتبه صلوات فرستد نمیرد تا جای خود را

در بهشت

در بهشت نبیند و ایضا در بعضی از اخبار وارد شده است که آن
حضرت فرمود که بشارت دهید صلوات فرستندگان بر من را پیش از
آنکه مرگ او را دریابد چهل و هفتم سبب ایمنیست از تلخی مرگ
چنانکه در اخبار آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که بر من صلوات بسیار فرستد از تلخی مرگ ایمن باشد و
در بعضی از کتب مذکور است که یکی از صلحا بر بالین بیماری آمد و او را
در سکرات موت دید پرسید که تلخی جان کندن را چگونه می یابی جواب
داد که کام جان خود را شیرین می یابم و هیچ تلخی در آن احساس نمی
کنم از آن صالح در عجب ماند که موجب این چیست که شربتی که در مذاق
خاص و عام تلخ است در مذاق این بیمار شیرین می آید آن بیمار گفت
که از این در شگفت نمان زیرا که بمن رسیده بود که رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرموده است که هر که بسیار بر من صلوات فرستد از تلخی
جان کندن ایمن باشد و من مدتیست که شربت صلوات مینوشم لهذا اثر تلخی
در جان خود نمی بینم و از این جهان شیرین کام و نیکو سرانجام میروم
چهل و هشتم موجب الم و مذلت و خواری ابلیس علیه اللعنه میگردد
چنانکه در فصل هفتم از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام

نقل

نقل خواهد شد انشاء الله تعالی چهل و هفتم در بعضی کتب بنظر
رسیده است که در شب معراج چون رسول خدا صلی الله علیه و آله
باسمان چهارم رسید فرشته را دید که لوحی در پیش خود نهاده و دران لوح
نظر میکند و مانند رود اب از دیدهایش میریزد و برای انحضرت تعظیم
نکرد جبرئیل بال خود را براو زد و ان ملک بامد و رکاب انحضرت را بوسید
و عرض کرد که مرا معذور دار که چندان نور ازین لوح بالا میرفت که من
ترا ندیدم انحضرت فرمود که درین لوح چه نوشته است گفت نوشته است
که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله پس ان ملک گفت که من
دو رکعت نماز دارم که در بیست هزار سال بجا اورده ام بامر حق تعالی
پنجهزار سال ان در قیام بوده ام و پنجهزار سال در رکوع و پنجهزار سال
در سجود و پنج هزار سال در تشهد ثواب انرا بتو بخشیدم که تقصیر مرا عفو
فرمایی انحضرت فرمود که من بطاعت تو احتیاج ندارم گفت بامت
تو می بخشم انحضرت فرمود که گمان من برین است که امت من بربان محتاجند
بغرب خدا که هریک از گناهکاران ایشان اگر یکمرتبه بر من صلوات فرستند
ثواب او ازین بیست هزار سال طاعت تو بیشتر است و ایضا در بعضی از اخبار
وارد شده است که انحضرت فرمود که بشارت دهید صلوات فرستندگان بر من را

پیش

پیش از انکه مرگ او را دریابد و اینچه سابق مذکور شد در فایده چهل و هفتم مؤلف گوید
این بود انچه بنظر رسیده بود و بالفعل در خاطر بود از فضایل و فواید صلوات
بر سید کاینات علیه و آله صلوات الله وسلامه که از احادیث رسول مختار
و ائمه اطهار علیهم السلام استنباط میشد و بعضی از اخبار دیگر باقی مانده است
که ذکر انها در فصول اینده مناسبتر مینمود و انشاء الله در مواضع خود
مذکور خواهد شد انچه از کتب عامه نقل شد از رهگذر انست که
بر انگروه اعتماد یا کتب ایشان نزد ما اعتبار هست بلکه داعی بر نقل انها
اخباری است که شیخ کلینی و دیگران از ائمه طاهرین علیهم السلام
روایت کرده اند که هرگاه ثواب عملی بشما برسد که بما نسبت دهند شما
انعمل را بامید انکه بان ثواب برسید بجا اورید ان ثواب بشما خواهد
رسید هر چند انچیز که بشما رسیده است از ما نباشد و از رهگذر است
که فواید دیگر را که ایشان در کتب خود ذکر نموده اند و بعلمای مفسرین خود
نسبت داده اند مانند حسن بصری و سفیان ثوری و قتاده و عطا و امثال ایشان
ما در رساله ذکر نکردیم ملا حسین کاشفی سبزواری در بعضی از رسایل خود
فواید چند برای صلوات ذکر نموده است و بعضی را بدلیل عقل ثابت کرده است
و بعضی بنقل از علما و مشایخ عامه مثل انکه گفته است که صلوات فرستادن

بر نود

بر رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب حصول رضای حق تعالی است زیرا که مدح
و ثنا گفتن کسی را بر بزرگی و شرف یاد کردن موجب رضا و خوشنودی دوست
او است و حبیب خدا را بصلوات یاد کردن که نشانهٔ تعظیم و تبجیل است سبب
خوشنودی خدا خواهد بود و رضوان خداوندی اعز مطالب و اجل مآرب است
و گفته است که موجب اثبات محبت بنده است با حضرت عزت و سبب اختصاص
بنده است بشرف محبت الهی با او زیرا که علامت دوستی کسی دوستی با دوست
او است و چون حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم باتفاق امت حبیب رب
العالمین است پس دوستی آنحضرت نشان دوستی با حق تعالی خواهد بود
و دوستی حبیب به بسیار یاد کردن او ثابت میشود چنانکه از مؤدای
من احب شیئا اکثر ذکره مفهوم میگردد و همچنین چون حق جل و علا دوست
حبیب خود را دوست میدارد پس بواسطهٔ صلوات هم دوستی بنده بحق
ثابت میشود و هم دوستی حق به بنده و گفته است که موجب اظهار محبت است
با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله زیرا که چنانکه صلوات انشائیه اثبات
محبت مصلی است با مصلی علیه سبب محبت مصلی علیه نیز میباشد با مصلی
و گفته که موجب اداء بعضی از حقوق آنحضرت است زیرا که سید عالم را بواسطهٔ
دعوت بطریق ایمان و خلاص کردن از ظلمات کفر و طغیان حقوق بسیار

بر ذمهٔ

بر ذمهٔ امت ثابت شده است پس ادای صلوات انشائیه شکرگذاری و علامت
سپاس‌داری است و شکر منعم عقلا و شرعا لازم است و گفته است که موجب
دریافت رحمت است زیرا که رحمت یا معنی صلوات است چنانکه طایفهٔ
گفته اند یا از لوازم آنست و بهر تقدیر مصلی را از رحمت حق سبحانه
و تعالی نصیبی هست و محققی گفته است که ابلیس را کاری
فرمودند و نکرد و مستحق لعنت شد و مؤمن را بفرستادن صلوات
امر نمودند و بجا آورد پس مستحق رحمت خواهد بود و گفته است
که موجب هدایت دل است زیرا که چون شخص صلوات فرستادن بر
آنحضرت را عادت کند بشرط توجه روحانیت آنحضرت هر آینه
آثار محبت نبوی بر مملکت دل او مستولی شده بطریق نسبت راه
آشنائی بروحانیت آنحضرت بهم میرساند و زوایای باطن او بنور معارف
و علوم مصطفوی روشن میگردد و گفته است که رابطهٔ حیوهٔ دل است
زیرا که در وقت ادای صلوات کمال قدر و علو مرتبهٔ آنحضرت در دل
گذرد و در ذهن تحقق می‌پذیرد که بهترین و فاضلترین همهٔ موجودات
آنکس میتواند بود که حق سبحانه و تعالی خود صلوات براو فرستاد و ملائکه
و مؤمنان را نیز بان امر فرمود پس بخاطر میرسد که امتثال فرمان حق

بجای

سبحانه و تعالی لازم و اطاعت احکام حق جل و علا متحتم است و درین
محل بصیقل صلوات زنگار تردد از آئینهٔ دل او زدوده نقش فرمان
برداری منقش میگردد چون دل همین است که در طریق ایمان
مطیع فرمان باشد گفته است که سبب دوام محبت نسبت با حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله زیرا که محب هرچند محبوب را بیشتر
یاد میکند محاسن و مناقب او در خاطرش بیشتر خطور میکند
و ظهور معانی که جالب محبت و جاذب مودتست روی بافزونی می
نهد تا بجائی که میرسد که دوستی او تمام دل را فرو میگیرد و از محبت
او بمحبت دیگری نمی پردازد و چنین محبتی دایم و قایم است و بر دوام
محبت آنحضرت نتایج کلی مترتب است کما لا یخفی علی الفطن و گفته
است که سبب نشو و نمای اموال و ظهور برکت در آنست و موجب
ازدیاد کمال صلوات فرستنده و واسطهٔ طهارت نفس مصلیست
و این سه فضیلت را از حدیثی که عامه از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت کرده اند که فرمود که صلوات شما بر من زکوة است
برای شما استنباط نموده است و گفته است که موجب بقای
ذکر جمیل و ثنای حسن است چنانکه یکی از علما گفته است زیرا

که مصلی

که مصلی از حضرت عزت سؤال میکند که بر حبیب خود ثنا گوید
از روی تعظیم و تکریم و چون جزا از جنس عملست حقتعالی مصلی را
نیز ثنا میگوید و اهل زمین و آسمان را بثنای او امر میفرماید
و گفته است که قایم مقام صدقه است برای درویشان چنانکه
یکی از علما گفته است که درویش تنگدست بگفتن صلوات ثواب صدقه
دهندگان در می یابد و از مفهوم الحدیث که صلوات بر من
زکوة است برای شما اینمعنی اخذ میتوان کرد و گفته است که موجب
خلاصی از رغم انف است زیرا که در مشکوة از ترمذی بروایت ابو
هریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که خاک آلوده باد بینی کسی که من در نزد او مذکور شوم و بر من
صلوات نفرستد و خاک آلودگی بینی کنایه است از نامرادی و
خاکساری و بی اعتباری و در شرح مشکوة گفته است که رغم
انف عبارتست از زیانکاری و بی بهرگی و کدام زیان و حرمان
ازین بادتر میتواند بود که کسی تواند که بچهار کلمه برای خود
صلوات پروردگار حاصل نماید و از نعمت ده درجه و محو ده
سیئه برای او وجود گیرد و از آن تقصیر نماید تا این فضایل

ازاو

ازاو فوت شود پس کفتن صلوات موجب خلاصی باشد از زبان و خجلت
وبی قدری ومذلت وکفته است که سبب تلقین است در قبر بوقت
سؤال منکر ونکیر ودلیل بران را حکایتی از شبلی نقل نموده
است که کفت من همسایه داشتم ووفات نمود وبعد ازان اورا در
خواب دیدم وازاو پرسیدم که حقتعالی با تو چه کرد کفت که ای شیخ
هولهای بزرک دیدم ورنجهای عظیم کشیدم از انجمله بوقت
سؤال منکر ونکیر زبان من از کار باز ماند وباخود میکفتم که
واویلاه این عقوبت از کجا بمن رسید اخر من مسلمان بودم وبردین
اسلام مردم واندو فرشته بعنف وغلظت از من جواب طلبیدند
ناکاه شخصی سنکورو خوشبوی امد ومیان من وایشان حایل شد
ومرا تلقین کرد تا جواب ایشانرا بروجه صواب باز دادم وازان
شخص پرسیدم که تو کیستی خدا ترا رحمت کند که مرا ازین غصه
خلاصی دادی کفت من شخصی ام که مخلوق شده ام از صلواتی
که تو به پیغمبر صلی الله علیه وآله فرستادی ومامورم بانکه در
هر وقت وهر جا که در مانی بفریاد تو رسم وکفته است که سبب ایمنی
از عذاب قبر است زیرا که زنی دختری داشت واندختر وفات نمود

ومادرش

ومادرش اورا در خواب دید که بعذاب الیم وعقاب عظیم کرفتار
است وبا اندوه بسیار از خواب بیدار شد وناله وزاری اغاز
نموده چند روز بر حال فرزند خود اشک میبارید ومیزارید
ومی نالید تا انکه بار دیکر اندختر را در خواب دید خوشدل وشاد
مان ودر روضه فردوس خرامان باو کفت ای دختر ان چه
حال بود که دیدم واین چه صورتست که مشاهده میکنم جواب داد که
ای مادر بجهت کناهان خود در عذاب بودم چنانکه دیدی
ودرین روزها عزیزی برکنار مقبره ما کذشت وچند
نوبت صلوات فرستاد وثواب انرا باهل کورستان بخشید وحق
تعالی ببرکت ان صلوات عذاب از اهل انقبرستان برداشت وهرکاه
ببرکت ان صلوات که دیکری بفرستد عذاب قبر مرتفع کردد یقین
حاصل خواهد بود که صلوات فرستنده ازان ایمن میباشد
وکفته است که واسطه ایمنی است از حسرت روز قیامت چنانکه از سفیان
ثوری کسی پرسید که یوم الحسرة کدام روزست که حقتعالی
فرماید وانذرهم یوم الحسرة یعنی بترسان ایشانرا از روز
حسرت سفیان جواب داد که ان روز قیامتست وحسرت همه خلق را

فردا

فرو خواهد کرفت زیرا که نیکان حسرت میخورند که چرا ازین بیشتر
نیکی نکردیم و بدان حسرت میخورند که چرا بسلوک راه حسنات
مشغول نکشتیم الشخص کفت که الشیخ کسی خواهد بود که برای
او دران روز حسرت نباشد کفت اری انکس که بر رسول خدا صلی الله
علیه و اله صلوات بسیار فرستاده است دران روز برای او حسرت
نخواهد بود زیرا که مکافاتش بر وجهی صورت خواهد کرفت که مزیدی
بران متصور نخواهد بود پس حسرت برای چنین کسی از کجا خواهد
بود مؤلف کوید که این بود انچه نقلش درین رساله مناسب
نمود و از انجا که برای امت هیچ سعادتی بدون واسطه پیغمبر
صلی الله علیه و اله حاصل نمیتواند شد زیرا که همکی جز وان
حضرتند و معلوم میشود که راه خلاص از عذاب و حصول
نجات منحصر در توسل بانجناب خواهد بود و هر فردی از افراد
امت که رابطه خود را از پیغمبر صلی الله علیه و اله قطع نماید
البته هالک خواهد بود خاتمه ظاهر از بعضی علما
اینست که اگر کسی بلفظ سلام بر خیر الانام علیه و اله السلام درود
فرستد از صلوات مجزی نباشد و برای سلام فرستنده خواهد

بود

بود مثل انچه برای صلوات فرستنده هست از ثواب و ظاهر اینست که در
موضعی که فرستادن صلوات واجب باشد مثل تشهد و نزد ذکر اسم مبارک
انحضرت اگر بسلام تنها اکتفا نماید مجزی نخواهد بود و از ایه یا ایها
الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما معلوم میشود که صلوات
غیر از سلام است و مومنان هر دو مامورند مکر انکه سلموا را بر تسلیم
و انقیاد حمل نمائیم چنانکه در بعضی از اخبار وارد شده است و سابق
برین مذکور شد و اما اخبار که در خصوص فرستادن سلام وارد شده است
یکی اینست که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که جمعی از فرشتکان
هست که در زمین سیاحت میکنند و سلام امت را بمن میرسانند و
ایضا فرمود که هر که بر من سلام میفرستد حق سبحانه و تعالی برای
کرداند روح مرا بسوی بدنم تا انکه جواب انرا بکویم و ایضا فرمود
که هیچ بنده نیست که بر من سلام کند بعد از وفات من مکر انکه
جبرئیل بنزد من میاید و میکوید که فلان بن فلان بر تو سلام کرده است
و من میکویم و علیه السلام و رحمة الله و برکاته فصل پنجم در ذکر
مواطن و مواضع و مواقعی که فرستادن صلوات تاکیدش بیشتر است
اول در هر جائی که اسم مبارک انسرور علیه و اله الصلوة و السلام

مذکور شود خواه خود مذکور نماید و خواه از کسی بشنود کردر انمقام
فرستادن صلوات واجبست و در فصل دوم تحقیق ان مذکور شد و مراد
اینست که از یاد کردن و شنیدن اسم مبارک انحضرت فرستادن صلوات آنجه
میشود خواه ذکر کردن و شنیدن واجب باشد یا نباشد چنانکه در خواندن
و شنیدن ایه عزیمه سجده واجب میشود اگرچه خواندن یا شنیدن ان
واجب نباشد دوم در ابتداء هر کلامی که ان را قدری باشد و علما
خطبه را که مشتمل بر حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسول خدا صلی
الله علیه و اله نباشد انرا ابتر میگویند و مینامند یعنی مقطوع
از خیر و فایده و عامه از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده
اند که فرمود که هر کلامی که در ان بذکر خدا و درود بر من ابتدا کرده
نشود ان کلام ابتر یعنی از خیر مقطوع خواهد بود سیم در ابتدای
وضو و عامه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول
خدا صلی الله علیه و اله فرمود که یا علی چون خواهی که وضو بسازی
بگو بِسمِ اللهِ وَالصَّلوةُ عَلی رَسولِ اللهِ چهارم عامه از رسول
خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده اند که فرمود چون از وضو فارغ
شوید بگویید اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَشهَدُ

ان

اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسولُهُ و بعد از ان صلوات فرستید چون چنین کنید
کشاده میشود برای شما درهای رحمت پنجم عامه از امیر المؤمنین
علیه السلام روایت کرده اند که فرمود اِذا مَرَرتُم بِالمَسجِدِ فَصَلّوا
عَلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ یعنی هر گاه مرور کنید بمسجد صلوات
فرستید بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و این حدیث را بدو طریق
معنی کرده اند یکی انکه بالمسجد بمعنی فی المسجد باشد یعنی هر گاه
داخل مسجد شوید صلوات فرستید و دیگر انکه بمعنی علی المسجد
باشد یا بمعنی که چون بر کنار مسجد بگذرید صلوات فرستید و مؤید
معنی اول است حدیثی که ابو هریره راوی انست که چون یکی از شما در
مسجد در اید باید که صلوات فرستد بر محمد و ال محمد و غیر ابو هریره
نیز همین حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده است و
مؤید دوم است انکه در اخبار وارد شده است که چون نظر بر مسجد
افتد باید صلوات فرستاد و ایضا عامه از فاطمه دختر امام حسین علیه
السلام روایت کرده اند که چون رسول خدا صلی الله علیه و اله داخل
مسجد میشد صلوات میفرستاد و بعد از ان میگفت رَبِّ اغفِر لی ذُنوبی
وَافتَح لی اَبوابَ رَحمَتِکَ و چون بیرون میامد صلوات و سلم میفرستاد

و میفرمود رب اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک و در بعضی از
روایات مذکور است که باید در وقت دخول و خروج بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد و اما در طریق اصحاب ما حدیثی در خصوص
صلوات فرستادن در وقت دخول و خروج از مسجد در نظر نیست نهایت
از آنجا که برای هر یک دعائی بلکه چند دعا روایت شده است و
صلوات فرستادن پیش از دعا کردن و بعد از آن از لوازم است و تا
وقتیکه صلوات فرستاده نشود دعا محجوب میماند و باجابت نمیرسد
باید که البته صلوات بفرستید ششم در تعقیب همه نمازها
عموما و در تعقیب نماز مغرب و صبح خصوصا در کتاب عدة الداعی
از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که چون بنده از نماز
فارغ شود باید که صلوات فرستد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و از خدا سؤال نماید بهشت را و پناه برد بخدا از آتش و سؤال نماید
که او را بحور عین تزویج نماید زیرا که هر که بر رسول خدا صلی الله
علیه و آله صلوات فرستد دعای او بالا میرود و هر که از خدا
بهشت را بخواهد بهشت میگوید خداوندا عطا کن بر بنده خود
آنچه را که خواسته و هر که پناه برد بخدا از آتش آتش میگوید خداوندا

پناه ده بنده خود را از آنچه بتو پناه برده از آن و چون حوریان را از خدا
بخواهد آنها میگویند که خداوندا عطا کن بنده خود را آنچه را
خواست و ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که بصباح بن سبابه فرمود که میخواهم
ترا تعلیم نمایم چیزی را که روی ترا از گرمی آتش جهنم نگاه دارد
راوی عرض کرد که بلی میخواهم فرمود که بعد از نماز صبح صد مرتبه
بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد که حقتعالی نگاه میدارد روی ترا از
گرمی جهنم و ایضا در همان کتاب از حضرت امام موسی علیه السلام
روایت کرده است که هر که بعد از نماز تسبیح یعنی نماز جعفر طیار
و بعد از نماز مغرب پیش از آنکه پاها را بگرداند و با کسی تکلم نماید
بگوید که ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا
صلوا علیه و سلموا تسلیما اللهم صل علی محمد و ذریته حقتعالی
صد حاجت او را بر آورد هفتاد در دنیا و سی در آخرت راوی می
گوید که من عرض کردم که چیست معنی صلوات خدا و صلوات ملائکه و
صلوات مؤمنان فرمود که صلوات خدا رحمتست و صلوات ملائکه
تزکیه است از ایشان برای آنحضرت و صلوات مؤمنان دعاست برای

انجناب هفتم پیش از شروع در دعا کردن هشتم بعد از فراغ از دعا
واخبار متعلقه باین دو موطن پیش از ان مذکور شد و از این اخبار
مستفاد گردید که هر دعائی که از صلوات خالی باشد باجابت نمی
رسد بلکه معلوم شد که اگر دعا کننده بر فرستادن صلوات اقتصار
نماید و هیچ دعا نکند سعادت و رستگاری دنیا و اخرت برای
او حاصل میشود و شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که اذا صلی احدکم و لم یذکر النبی صلی الله علیه
و اله یسلک بصلوته غیر سبیل الجنة یعنی هرگاه دعا کند یکی
از شما و در اند دعا پیغمبر صلی الله علیه و اله را یاد نکند اند دعا براهی
که غیر راه بهشت است خواهد رفت اگر چه میتوان گفت که مراد
از صلوة در این حدیث نماز است و مقصود از ان رد بر عامه است
چه بسیاری از ایشان صلوات را در تشهد واجب نمیدانند بلکه بعضی
بدعت میدانند نهم در خطبهٔ جمعه و عیدین و استسقا و غیر
اینها زیرا که بمذهب ما صلوات در خطبه یکی از ارکانست و عامه
در ان اختلاف کرده اند و بیشتر باستحباب ان قایل شده اند دهم
در هر روز یازدهم در هر شب و پیش از این مذکور شد که در

جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و اله بامیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی هر که بر من صلوات فرستد
در هر روز یا در هر شب شفاعت من از برای او واجب میشود هر
چند که از اهل کبائر باشد و از دعوات راوندی نیز نقل شد که رسول
خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که در هر روز از روی دوستی و
شوق بمن سه مرتبه صلوات فرستد بر خدا لازم میشود که گناهان
انروز و انشب را بیامرزد و در کتاب جامع الاخبار از امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که در هر روز صد مرتبه
صلوات فرستد هفتاد ملک مبادرت مینمایند که هر یک انرا برسول
خدا صلی الله علیه و اله برسانند پیش از انکه دیگری برساند
و در کتاب مفتاح حصین که از کتب عامه است از رسول خدا صلی
الله علیه و اله روایت کرده است که فرمود که هر که در هر صبح ده
مرتبه و در هر شام ده مرتبه بر من صلوات فرستد من او را در
یابم در وقتیکه محتاج بان باشد دوازدهم عصر روز پنجشنبه
سیزدهم شب جمعه چهاردهم روز جمعه و بعضی از اخبار
متعلقه باین مواطن در فصل سابق مذکور شد و شیخ طوسی در

مصباح متهجد کفعمی است که مستحب است که بعد از عصر روز پنجشنبه
تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستد بر محمد و آل محمد صلوات الله
علیهم پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و
اهلک عدوهم من الجن و الانس من الاولین و الاخرین و اگر این صلوات را
صد بار بگوید برای او فضل بسیار خواهد بود و ابن بابویه از امام
جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هیچ عملی در روز
جمعه افضل از صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم
نیست و ایضا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر روز جمعه
صد مرتبه صلوات فرستد حق تعالی شصت حاجت او را روا
میگرداند سی در دنیا و سی در آخرت و در کتاب جامع الاخبار مذکور
است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در روز جمعه
صد مرتبه بر من صلوات فرستد خدا گناهان هشتاد ساله او را بیامرزد
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که بهترین اعمال در روز جمعه
آنست که بعد از عصر صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات فرستد
و اگر بر آن زیاد کند افضل خواهد بود و در کتاب جامع الاخبار از رسول

محمد

محمد صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود بسیار بر من صلوات
فرستید در روز جمعه بدرستیکه مضاعف میگردد در آن روز ثواب عملها
و از خدا سؤال نمائید برای من درجه وسیله را از بهشت کسی عرض
کرد که کدامست درجه وسیله فرمود آن اعلی درجه بهشت است که
بآن نمیرسد مگر پیغمبری و من امید دارم که آن پیغمبر باشم و در کتاب
عروس که مؤلف آن یکی از مشایخ قمیین است از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که هر که در شب جمعه بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم صلوات فرستد روشن میگردانند نور او را در آسمانها تا روز قیامت
و ملائکه خدا در آسمانها برای او استغفار میکنند و استغفار میکنند
برای او ملکی که موکل است بر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله تا روز
قیامت و همین حدیث را در کتاب مقنعه نیز روایت کرده است و شهید ثانی
در بعضی از رسائل خود از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بسیار بر من صلوات
فرستید در شب نورانی و روز نورانی یعنی شب جمعه و روز جمعه راوی عرض کرد
که صلوات بسیار چه قدر است فرمود تا صد مرتبه و اگر زیاده شود بهتر است
و در کتاب جمال الاسبوع از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

که چون

که چون شب جمعه میشود فرود می آیند از آسمان ملائکه بعدد ذره ها
و در دستهای ایشان قلمها از طلا و کاغذها از نقره هست و تا شب شنبه
چیزی را بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم نمی نویسند پس
بسیار صلوات فرستید در آن شب و روز و بعد از آن فرمود که از جمله
سنتها آنست که در هر جمعه هزار مرتبه و در سایر ایام صد مرتبه بر
آنحضرت و اهل بیت او صلوات فرستاده شود و در کتاب فقه الرضا مذکور
است که بسیار صلوات فرست بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب جمعه
و روز جمعه و اگر توانی که هزار مرتبه فرستی فضل در آن خواهد بود و بما
رسیده است که در عصر روز پنجشنبه گروهی از ملائکه نازل میشوند و
با آنها قلمها و صحیفه ها از نور هست و نمی نویسند مگر صلوات بر رسول
خدا تا آخر روز جمعه و در کتاب عروس از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که در روز قیامت حقتعالی روزها را مبعوث
میگرداند بصورتی که خلایق بدانند که آنها ایامند و روز جمعه پیش از
همه میآید مانند عروسی با جمال و کمال که او را بر امری صاحب دین و مال شد
برند و می آید بر در بهشت می ایستد و شاهدها در عقب او می ایستند
و شهادت میدهند و شفاعت میکند برای گروهی که صلوات فرستاده اند

بر محمد

بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم و غیر این گروه را شفاعت نمیکند کسی
عرض کرد که صلوات بسیار چه قدر است و در کدام وقت بهتر است فرمود
صد مرتبه و بعد از نماز عصر پرسید که چگونه صلوات فرستم فرمود
که میگوئی اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم و ایضاً در
همان کتاب مذکور است که هر که در روز جمعه صد مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بفرستد و صد مرتبه استغفار
کند و صد مرتبه قل هو الله احد بخواند البته گناهان او آمرزیده
میشود و شیخ شهید در رساله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که فرمود که بسیار صلوات فرستید بر من در روز جمعه و هر که
صلواتش بر من بیشتر است منزلهٔ او بمن نزدیکتر است و هر که در روز
جمعه بمن صد صلوات فرستد در روز قیامت می آید با روی نورانی و هر
که در روز جمعه هزار مرتبه بر من صلوات فرستد نمیرد تا آنکه جای
خود را در بهشت ببیند و شیخ طوسی و کفعمی از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده اند که هر که بعد از نماز صبح و بعد از نماز جمعه
بگوید اللّهمّ اجعل صلواتک و صلوة ملائکتک و رسلک علی
محمّد و آل محمّد تا مدت یکسال گناه برا او نوشته نمیشود و در کتاب دعائم

الاسلام

الاسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که
بسیار صلوات بفرستید بر من در روز جمعه زیرا که در آن روز عملها مضاعف
میشود و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون صبح روز جمعه
طالع میشود حق تعالی گروهی از ملائکه را میفرستد که صلوات بر محمد
و آل محمد صلوات الله علیهم را بنویسند تا شب و از امام محمد باقر
علیه السلام روایت کرده است که عملها در روز جمعه مضاعف
میگردد پس بسیار قرار دهید در آن صلوة و صدقه و دعا را امور مذکوره
که اخبار در استحباب صلوات در روز جمعه از آن بیشتر است که در این
رساله گنجد و بیشتر این احادیث که مذکور شد در اکثر کتب اصحاب ما
مذکور است و عامه نیز در کتب خود بسیاری از آنها را ذکر کرده اند و ذکر
آن موجب تکرار خواهد بود پانزدهم در ماه مبارک رجب خصوصا
در روز مبعث چنانکه در مصباح متهجد از حسن بن راشد روایت
کرده است که گفت با امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم
که آیا غیر اعیاد مشهوره دیگر عیدی هست فرمود که شریفتر و کاملتر
از همه آنها روزیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث گردید
عرض کردم که آن کدام روز بود فرمود که روزها میگردد و آن روز

شنبه

شنبه بیست و هفتم ماه رجب بود عرض کردم که در آن روز
چه عمل باید بجا آورد فرمود روزه میگیری و صلوات بسیار
بر محمد و آل محمد علیهم السلام میفرستی شانزدهم در ماه
شعبان و از سید الساجدین علیه السلام صلواتی وارد
شده است که در هر روز ماه مبارک شعبان در وقت زوال
باید خواند و آن صلوات در مصباح متهجد و غیر آن از کتب
دعوات مذکور است و در کتب عامه مذکور است که در
آسمان دریائی است که آن را دریای برکات گویند و بر لب آن
دریا درختی است که آن را درخت تحیات نامند و بر آن درخت
آشیانه مرغیست مسمی بمرغ صلوات و چون بنده مؤمنی در ماه شعبان
بر سید پیغمبران صلی الله علیه و آله صلوات فرستد حق
تعالی آن مرغ را امر نماید تا در آن دریا غوطه خورده پرهای
خود را بیفشاند و از هر قطره که از پرهای آن مرغ بریزد ملکی
خلق نماید و جمیع آن ملکها بتقدیس و تحمید و مدح و ثنای
پروردگار مشغول گردند و ثواب آنها در دیوان اعمال
صلوات فرستنده ثبت گردد و ایضا روایت کرده اند که یک

صلوا

صلوات در ماه شعبان برابر است با ده صلوات در غیر ماه شعبان هفدهم
در ماه مبارک رمضان و پیش از این حدیثی از امالی شیخ صدوق
و ثواب الاعمال که مؤلف آن شیخ صدوق است نقل شد
که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه که در
فضیلت ماه رمضان خواند فرمود که هر که در این ماه بر من
بسیار صلوات فرستد سنگین میگرداند حقتعالی ترازوی
اعمال او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد هیجدهم
در وقت بوسیدن گلها و ریحانها در کتاب روضة الواعظین
و مکارم الاخلاق از مالک جهنی روایت کرده است که من
چیزی از ریاحین با امام جعفر صادق علیه السلام دادم
آنحضرت گرفت و بوسید و بر چشمهای خود نهاد و گفت
اللهم صل علی محمد و آل محمد پس فرمود که هر که چنین کند
که من کردم گناهان او آمرزیده میشود پیش از آن که از بر
زمین گذارد و عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
کرده اند که فرمود که هر که گلی ببوید و بر من صلوات نفرستد
بر من جفا کرده است نوزدهم بعد از عطسه زدن خود

یا دیگری بیستم در نزد ذکر پروردگار چنانکه در کافی از
عبد الله بن دهقان روایت کرده است که گفت بخدمت
امام رضا علیه السلام رفتم آنحضرت از من پرسید که مراد
از این آیه چیست و ذکر اسم ربه فصلی من عرض کردم که یعنی
هرگاه یاد میکند اسم پروردگار خود را بر میخیزد و نماز می
کند فرمود که این تکلیفی خواهد بود بسیار مشکل عرض
کردم فدای تو شوم پس مراد چیست فرمود که مراد اینست
که چون اسم پروردگار یاد میکند بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم صلوات میفرستد مؤلف گوید که علمای عامه
مواطن بسیار ذکر کرده اند که در آنها صلوات تاکید شده است
و در طریق خاصه برای بیشتر آن مواضع نصی و دلیلی
بنظر نمی آید بلکه عامه نیز دلیلی بر آن اقامه ننموده اند بلکه
همین قدر گفته اند که فلانکس چنین گفته است مثل وقت اراده
سفر و در وقت نشستن بر مرکب و در راه مکه و در هر جائی
که سر از بر باید رفت و بعد از تلبیه در حج و در حین دخول
مسجد الحرام و نزد استلام حجر و بر کوه صفا در وقت سعی

وبر کوه مروه و در وقت طواف وداع در میان رکن و باب و در
روز عرفه و بوقت وقوف در مشعر و در وقت ذبح و در ورود
مدینه و در وقت آنکه نظرش بمدینه افتد و در وقت
دخول در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و در حال
طواف روضهٔ مطهره و در وقت توجه بقبر مقدس و
در میانهٔ قبر و منبر و در وقت مرور بمواضع معروفه که رسول
خدا صلی الله علیه و آله در آن مواضع میبوده و در ابتدا
درس حدیث و در ابتداء تذکیر و موعظه و در وقت برخاستن
از مجلس و در هنگام مصافحه با مسلم و درینمقام دو حدیث
روایت کرده اند یکی آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هر دو بنده که دوست یکدیگر باشند برای خدا و با هم
مصافحه نمایند و بر من صلوات فرستند پیش از آنکه از هم
جدا شوند حقتعالی گناهان گذشته و آینده هر دو را می
آمرزد و دیگر آنکه آنحضرت فرمود که هر که مصافحه کند با
مسلمانی و در وقت مصافحه بگوید اللهم صل علی محمد
و آل محمد و سلم اینعمل باقی نگذارد از گناهان او چیزی را

ودیگر

و دیگر از مواضعی که شمرده اند در ابتداء مکاتبات و مراسلات
است یعنی کاتب باید که پیش از شروع در نوشتن مکاتبات و
مراسلات حمد الهی بجا آورده صلوات فرستد و در وقت نوشتن
فتوی و در وقت افتتاح طعام خوردن و در وقت فراغ از
آن و بوقت داخل شدن در بازار و در وقت عقد بیع و شری و در
وقت طنین و در وقت خدر و بیحس شدن پاها و در وقت
تعجب کردن از چیزی و در وقت اراده صدقه و بعضی دیگر از
مواضع را نیز شمرده اند و اما اصحاب ما در بیشتر این مواضع
دعائی مخصوص از ائمه اطهار علیهم السلام روایت کرده اند
که در ضمن آن صلوات نیز مذکور است و در خصوص صلوات تنهائی
در جائی در نظر حقیر نمیاید که روایتی بخصوص وارد شده باشد
مگر در دو سه موضع از آنجمله در ثواب الاعمال از عبد السلام
بن نعیم روایت کرده است که بحضرت صادق علیه السلام
عرض کردم که داخل خانهٔ کعبه شدم و هیچ دعائی دیگر بخاطر
من نرسید مگر صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هیچکس از کعبه بیرون نیامده است که عملش از عمل تو

بهتر

بهتر باشد و همین حدیث در کتاب کافی و عدة الداعی نیز مذکور است
و ما بعضی دیگر را در فصل ذکر صلوات ماثوره ذکر خواهیم کرد انشاء
الله تعالی فصل ششم در ذکر ادابی که صلوات فرستادنده را
رعایت انها ضرور است بدانکه از ایه و لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم
کدعاء بعضکم بعضا که ترجمه اش اینست که قرار مدهید خواندن
پیغمبر را یعنی بردن نام انحضرت و اواز کردن او در میان خود مثل
خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را یعنی مثل انکه یکدیگر را میخوانید
و نام می برید مستفاد میگردد که باید نام و اسم گرامی انحضرت را
بتعظیم و توقیر یاد نمود و نشاید که بطریق متعارف انجناب را
نام برد و ازاینجا معلوم میشود که باید که صلوات فرستند دقیقه
از دقایق اداب ظاهری و باطنی را فروگذاشت ننمایند و یکی از
علما گفته است که معظم ادب باطنی انست که در خاطر خود راه
ندهد که شرف و منزلتی و قرب و مرتبتی که برای انحضرت حاصل است
ممکنست که برای دیگری حاصل باشد یا حاصل شود در وقتی
که این ادب صورت کمال پذیرد که ایمطلب در خاطرش از روی
اعتقاد و یقین باشد زیرا که عدم یقین در اموری که تعلق

فصل ششم

بباطن دارد مفید فایده نیست و معظم اداب ظاهر انست که بی
طهارت از روی اختیار ان نام بزرگوار را بر زبان نگذرانند و بعضی
گفته اند که بعضی از انکسان که مراعات ادب شیوه ایشان
بوده است از یاد کردن اسم کسی که نامش با نام انحضرت متفق بوده
است در حالی که طهارت نداشته اند مضایقه داشته اند و
دیگر انکه فرستادن صلوات را وسیله شهرت و سرمایه نیک
نامی نسازد و بفرستادن ان بر مردم منت ننهد و بان طلب
مال و جاه نکند بلکه از جمیع اغراض دنیوی انرا دور دارد تا بعز
قبول برسد و دیگر انکه در جمیع مجالس و محافل صلوات فرستند
چنانکه در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر قومی که جمع شوند
در مجلسی و خدا را یاد نکنند و بر من صلوات نفرستند انمجلس برای
ایشان حسرت و وبال خواهد بود اما اگر در مجلس لغو و معصیت از
صلوات فرستادن زبانرا کوتاه دارد شاید اولی و باداب اقرب
باشد مثل مجلس بازیگران و قصه خوانان و معرکه گیران و امثال
ان و اگر مقصود از ان گرمی هنگامه باشد معلوم است که حرام

خواهد بود و مثل اینست صلواتی که دلالان و فروشندگان
متاع در وقت جلوه دادن متاع میفرستند مراد ایشان گرمی
هنگامهٔ خریداران است دیگر آنکه باید که در حال فرستادن صلوات
دل با زبان موافقت نماید باین معنی که از روی غفلت زبان را بگفتن
صلوات حرکت ندهد بلکه اگر خاطر بچیزی مشغول شود از ابرو
گرداند و دیگر آنکه نیتش انقیاد و امتثال فرمان الهی و تقرب و
توسل بحضرت رسالت پناهی و موافقت با ملئکه و مخالفت از
منافقان باشد و دیگر آنکه در وقت فرستادن صلوات و سلام آنحضرت را
حاضر بیند و چنان تخیل نماید که با آنجناب سخن میگوید و دیگر
از جملهٔ آدابی که علما ذکر کرده اند بسیار صلوات فرستادنست و
از احادیث دال بران در موطن چهاردهم مذکور شد و بعضی از
علما چون صلوات میفرستاد از یازده مرتبه کمتر نمیفرستاد بجهت حدیثی
که در مصباح القلوب مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه
و آله در شب معراج فرشته را دید که چندین هزار دست داشت
و بر هر دستی چندین هزار انگشت بود و بان انگشتان حساب می
کرد از جبرئیل پرسید که این چه فرشته است جواب داد که این ملکیست

موکل

موکل بر قطرات باران که حساب آنرا نگاه میدارد آنحضرت از آن ملک
پرسید که حساب قطرات باران میدانی عرض کرد بلی فرمود چگونه می
دانی گفت از آن روزی که حقتعالی مرا آفریده و از ابر باران باریده و چند
قطره بر صحراها و چند قطره بر دریاها و از چند قطره گیاه روییده
و چند قطره در شوره زارها ضایع گردیده و کدام قطره زودتر
از ابر جدا شده و کدام قطره زودتر بر زمین رسیده و کدام دو قطره در هوا
بیکدیگر متصل شده اند آنحضرت از او پرسید که هیچ حسابی هست
که تو از عهدهٔ آن بیرون نتوانی آمد گفت بلی چون بندهٔ مؤمنی
با اخلاص بر حضرت شما صلوات فرستد ثوابی که از یک عدد صلوات
عدد کرامت میشود من حساب آنرا نمیتوانم دانست و چون بیازده
عدد میرسد من و همه محاسبان آسمان و زمین از عهدهٔ حساب آن عاجز
میمانیم و بجز حضرت سریع الحساب کسی آن حساب را نمیداند مؤلف
گوید که علمای عامه از جملهٔ مکملات صلوات ذکر آل را ذکر کرده اند
و در نزد اصحاب ما ذکر آل علیهم السلام از ارکانست یعنی بدون ذکر
آل صلوات بدرجهٔ قبول نمیرسد و محجوب میماند چنانکه در فصول
گذشته مذکور شد اما حدیث مرسلی که در کتاب مکارم الاخلاق

۲ من جمله قطرات آنرا میدانم و می دانم که چند قطره بر کوهها باریده

از انقا

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که در کتابی دید که هر که بر محمد صلی الله علیه و آله بتنهائی
صلوات فرستد برای او صد حسنه نوشته میشود و هر که بر آنحضرت
و اهل بیت آنحضرت صلوات فرستد حق تعالی هزار حسنه برای او مینویسد
محمول است بر تقیه یا آنکه آنحضرت در مقام تعجب این را نقل فرموده
باشند که چنین چیزی را دید و دیگر از جمله متممات صلوات که عامه
ذکر کرده اند و بران اصرار دارند ذکر سلام است بعد از صلوات
باین معنی که چنین باید گفت که اللهم صل علی محمد و آله و سلم
و در اخبار اهل بیت علیهم السلام نه منعی از آن ظاهر میشود و نه
تاکیدی بر گفتن آن ظاهر میگردد و در بعضی از صلوات مأثوره لفظ
سلام هست و در بیشتری نیست و از آنجا که ماخوذ انشاء صلوات
نمیکنیم و بطریقی که از ائمه علیهم السلام بما رسیده است صلوات
میفرستیم از این بحث فراغتی داریم فصل هفتم در ذکر جمعی از
انبیا علیهم السلام و غیر انبیاء که بواسطه فرستادن صلوات بر
خاتم پیغمبران و اهل بیت آنحضرت صلوات الله علیهم بمراتب بلند
و مقاصد سودمند رسیده اند در کتاب اختصاص از امام محمد باقر

فصل هفتم

علیه

علیه السلام روایت کرده است که جابر انصاری گفت که برسول
خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم که چه میگوئی در شأن علی
بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه فرمود که او نفس من است
عرض کردم که چه میگوئی در شان حسن و حسین علیهما السلام
فرمود که آن دو روح منند و فاطمه مادر ایشان دختر منست هر که
او را دلگیر کرداند مرا دلگیر کرده است و هر که او را شاد کرداند مرا
شاد کردانیده است بدرستیکه من جنگم با هر که با ایشان جنگ
است و صلحم با هر که با ایشان صلح است ای جابر هرگاه خواهی دعا
کنی و مستجاب کردد خدا را بخوان باسماء ایشان زیرا که هیچ اسمی
در نزد خدا محبوب تر از اسماء ایشان نیست و در بعضی از کتب مذکور
است که چون حضرت ابو البشر علی نبینا و علیه السلام از حضیض زمین
باوج خلد برین رسید اگرچه در بهشت حوران پاکیزه سرشت بسیار
بودند اما از آنجا که بسبب جنسیت در ائتلاف و انتظام دخلی تمام
دارد آنحضرت را با ایشان انسی و الفتی نبود و چون حوا را آفریدند و نظر
حضرت آدم علیه السلام بر او افتاد باو مایل کردید و از او پرسید که
تو چه کسی اثر حیا در چهره حوا ظاهر کردید هیچ نگفت فی الحال

جبرئیل

جبرئیل نازل شده گفت این حواست و او را برای تو آفریده اند و همواره
الیف و محرم و پیوسته حریف و همدم تو خواهد بود حضرت آدم علیه
السلام چون دانست که آن نعمت خاص اوست و خواست که دست تصرف باو
دراز کند جبرئیل گفت که ای آدم اگر او را خواهی باید که کابین داده
او را بعقد خود درآوری تا فرزندان تو دانند که بی مهر از مهرشان
تمتع نتوانند برد و از وصل سبک روحانی کابین گران برنتوانند
خورد حضرت آدم علیه السلام فرمود که ای برادر تو میدانی
که من فرش مسند ولایت عدمم و با کیسه تهی و افلاس غالب چه کار توانم
ساخت و نقدی که ندارم چگونه میتوانم که او را در نکاح آورم
جبرئیل گفت که سه نوبت بر حبیب خدا صلی الله علیه و آله که نام
خجسته فرجامش بر ساق عرش دیده و اوصاف کمالش از ملئکه شنیده
صلوات فرستی تا حوا بر تو حلال گردد و در اخبار بسیار از ائمه اطهار
علیهم السلام منقولست که توبه حضرت آدم علیه السلام بواسطه
توسل بخاتم المرسلین و ائمه طاهرین علیه و علیهم السلام بدرجه
قبول رسید و تا آن بزرگواران را در عا شفیع خود نگردانید بمرتبه
صفوت بر نگردید این رساله گنجایش ذکر ان اخبار ندارد و همچنین حضرت

نوح علیه السلام در طوفان در هر بلائی که در میماند بواسطه
توسل بان بزرگواران از آن خلاصی می یافت و در کتاب معانی
الاخبار از مفضل روایت کرده است که گفت از امام جعفر صادق
علیه السلام سؤال نمودم از آیه وَاِذِ ابْتَلیٰ اِبْرٰهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمٰاتٍ
فَاَتَمَّهُنَّ که آن کلمات چه بود که حقتعالی ابرهیم را با آنها امتحان
نمود فرمود که همان کلمات بود که آدم از پروردگار فرا گرفت و توبه
اش بسبب آنها قبول شد و آن کلمات این بود که گفت خداوندا بحق
محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام که توبه مرا قبول کن
و خدا توبه اش را قبول نمود عرض کردم که آن چه بود که ابرهیم علیه السلام
از اتمام کرد فرمود که تمام کردن آنها تا بقائم علیه السلام و پیش
از این حدیثی از امام علی النقی علیه السلام ذکر شد که با مام زاده عبد
العظیم فرمود که حقتعالی ابرهیم را خلیل خود گردانید بجهة آنکه
بسیار بر محمد و آل او صلوات الله علیهم صلوات میفرستادی و ایضا مذکور
شد که حقتعالی بموسی علیه السلام وحی کرد که ای موسی من در وقت سخن
گفتن با تو ده هزار سمع در اعضا و اجزاء تو بدید آوردم تا کلام مرا
توانستی شنید و ده هزار زبان ارزانی داشتم تا جواب من توانستی گفت

و با اینهمه وقتی بمن بد و ستر و بمن نزد یکتر خواهی بود که بر حبیب من
محمد صلی الله علیه و اله صلوات فرستی و در تفسیر امام حسن عسکری
علیه السلام در بیان ایه وَاِذْ نَجَّیْنَاکُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ
سُوءَ الْعَذَابِ یُذَبِّحُونَ اَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذٰلِکُمْ
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ که حاصل ترجمه اش اینست که ای گروه بنی اسرائیل
بیاد اورید انوقتی را که نجات دادیم ما شما را از آل فرعون که عذاب
میکردند شما را بعذاب سخت میکشتند پسران شما را و زنده می
گذاشتند زنان شما را و در این امتحان عظیمی بود از جانب پروردگار
شما مذکور است که از جملهٔ عذاب شدید انقوم یکی ان بود که بنی اسرائیل
را عمل بنائی میبردند و میترسیدند که بگریزند و باین سبب پاهای
ایشانرا در قید میگذاشتند و با ایشان میگفتند که گل را بردارند و
بر نردبان بالا برید بسا بود که می افتادند و میمردند یا زمین گیر می
شدند تا انکه حقتعالی بموسی علیه السلام وحی کرد که با ایشان
بگو که پیش از شروع در عمل بر محمد و آل طیبین انحضرت علیهم السلام
صلوات فرستند تا انکه بر ایشان سبک و آسان گردد و چنان کردند
و بر ایشان آسان گردید و امر نمود با نکسانیکه در اول عمل فراموش میکردند

و می افتادند

و می افتادند و زمین گیر میشدند که صلوات را بخوانند و اگر خود
نمی توانستند خواند دیگری بر ایشان بخواند و چون چنین میکردند
شفا می یافتند و سبب کشتن پسران بنی اسرائیل این بود که بفرعون
گفته بودند که در میان بنی اسرائیل مولودی بهم خواهد رسید که هلاک
تو بر دست او واقع خواهد شد و فرعون امر نمود که پسران ایشان را
بکشند و زنان ایشان حیلها میکردند که حامله نشوند و اگر
حامله میشدند فرزند خود را می بردند و در صحراها و غار کوهها
و زمینهای گود پنهان میکردند و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل انحضرت
صلوات الله علیهم میفرستادند و حقتعالی ملکی را میفرستاد که انکودک را
تربیت نماید از انگشت او شیر جاری میکرد که از ان بمکد و از انگشت
دیگرش طعام که ملایم او بود جاری میساخت و از فرزندان بنی اسرائیل
انچه سالم ماندند بیشتر بودند از انچه کشته شدند و زنان بنی
اسرائیل را که زنده میگذاشتند انها را کنیزان خود قرار میدادند پس
بنی اسرائیل بنزد موسی علیه السلام رفتند و گفتند که این گروه بر
دختران و خواهران ما قهر می اندازند موسی ان زنان را امر نمود
که چون مردی از انگروه قصد شما نماید بر محمد و آل طاهرین ان

حضرت

حضرت صلوات الله علیهم صلوات فرستید و از زمان صلوات میفرستادند
و خدا هر که را که قصد ایشان کرده بود از ایشان باز میداشت یا اینکه
مشغول شغل میکردید یا بمرضی گرفتار میشد یا زمین گیر میکردید
یا اینکه بر آن زن رحم میکرد و از آن میگذشت و اتفاق نشد که مردی
از قوم فرعون بر زنی از بنی اسرائیل برسد حقتعالی بواسطه صلوات
ایشان را نجات ندهد و ایضاً در تفسیر امام علیه السلام مذکور است
که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که حقتعالی خبر داد پیغمبر خود را
بانکه یهود پیش از ظهور انجناب باو ایمان داشتند بر دشمنان غلبه می
کردند بواسطه توسل بانحضرت و صلوات فرستادن بر انجناب و آل طیبین
او علیهم السلام و فرمود که حقتعالی یهود را امر نمود در ایام موسی و بعد از آن
که چون بمصیبتی گرفتار شوند خدا را بمحمد و اهل بیت طاهرین انحضرت
صلوات الله علیهم بخوانند و از ایشان نصرت بخواهند و یهود نیز
همین میکردند تا انکه ده سال پیش از ظهور انحضرت قبیله اسد
و غطفان با جمعی دیگر از مشرکان قصد یهود مدینه نمودند و
مشرکان سه هزار نفر بودند و یهود سیصد نفر و یهود خدا را خواندند
بمحمد و آل انحضرت علیهم السلام و انگروه مشرکانرا منهزم گردانیدند

واسد

واسد و غطفان بیکدیگر گفتند که میرویم و از سایر قبایل استمداد
میکنیم و رفتند و استمداد نموده بقدر سی هزار نفر جمعیت
نمودند و برسر آن سیصد کس آمدند و آن سیصد کس در قریه
محصور شدند و مشرکان آب و طعام را از ایشان منع نمودند و آبهای
جاری که داخل قریه ایشان میشد همه را قطع کردند و نگذاشتند
که کسی طعام برای ایشان ببرد و یهود نزد ایشان فرستادند و
امان خواستند و ایشان قبول نکردند و گفتند که ما همه شما را
میکشیم و زنان و کودکان شما را اسیر میکنیم و اموال شما را
غارت مینمائیم پس یهود بیکدیگر گفتند که چاره کار ما چیست
جمعی از عقلا و صاحبان رای ایشان گفتند که آیا موسی علیه
السلام شما را امر نکرده است باینکه بمحمد و آل انحضرت صلوات
الله علیهم طلب نصرت نمائید و بشما نفرمود که من امر میکنم
شما را که تضرع نمائید بسوی حقتعالی با ایشان در جمیع شدتها
همگی گفتند بلی ما را امر فرمود پس انگروه باتفاق گفتند که خداوندا
بجاه محمد و آل طیبین او ترا قسم میدهم که ما را آب دهی زیرا
که ظالمان آبرا از ما بریده اند تا آنکه جوانان ما از تشنگی ضعیف

شده اند و بدنهای ماسست کردیده است و نزدیکست که هلاک
بر سیم پس حقتعالی باران ریزنده فرستاد که حوضها و چاهها
و نهرها و ظرفهای ایشانرا پر اب کردانید و ایشان کفتند که این
علامت یکی از احسانها بود که بما رسید پس بر بامها بر امدند
و دیدند که باران اذیت بسیار بلشکری که بر دور ایشان بودند
رسانیده است و متاعها و سلاحها و مالهای ایشانرا فاسد
کردانیده است زیرا که ان باران در عین تابستان بود در وقتیکه
باریدن باران در انوقت معهود نبود و بعضی ازان لشکر بسبب ان
متفرق شدند و باقی ماندهٔ لشکر بیهود کفتند که اکر اب برای شما
بهم رسید طعام از کجا حاصل خواهید نمود و اکر اینکروه متفرق
شدند ما نخواهیم رفت تا انکه غالب کردیم بر شما و اهل و عیال
شما و اموال شما و غیظ سینهای خود را فرو نشانیم یهود کفتند
که انکس که مارا بسبب محمد و ال انحضرت صلوات الله علیهم سیراب
کردانیده قادر است بر انکه مارا طعام دهد و انکس که انکروه را
از ما دور ساخت قادر است که باقی مانده کان را نیز دور کرداند
پس خدارا بمحمد و ال طاهرین انحضرت خواندند که مارا طعام بده

پس

پس قافلهٔ عظیمی امد که بقدر دو هزار شتر و استر و خر داشتند که
همکی بار انها طعام بود از کندم وارد و اهل قافله هیچ خبر از ان
لشکر نداشتند و چون بنزدیک ایشان رسیدند همکی در خواب
بودند و حقتعالی ان خوابرا بر ایشان سنکین کردانید تا انکه
ان قافله امدند و وارد قلعهٔ یهود شدند و از لشکر کسی مطلع نشد
و متاعهای خود را باهل قلعه فروختند و بیرون رفتند و دور
شدند و لشکریان هم چنان در خواب بودند و احدی از ایشان
بیدار نبود و چون قافله دور شدند انکروه بیدار شدند و
بیکدیکر کفتند که در جنک کردن با یهود تعجیل نمائید زیرا
که کرسنکی ایشانرا ذلیل کردانیده است یهود کفتند که هیهات
بلکه پروردکار ما مارا طعام داد در وقتیکه شما در خواب بودید
و فلان قدر طعام بما رسید و اکر ما میخواستیم میتوانستیم که
دران حال شمارا بقتل رسانیم و لکن نخواستیم که بر شما
ظلم کنیم اکنون شما بروید و اکر نمیروید و نخواهید رفت ما
خدارا بمحمد و ال انحضرت علیهم السلام میخوانیم تا انکه شمارا
ذلیل کرداند چنانکه مارا طعام و اب داد و انکروه قبول نکرده

بر طوفان

بر طغیان افزودند پس یهود از خدا بمحمد و آل آنحضرت صلی الله
علیهم طلب نصرت نمودند و بیرون آمدند و بر آن سی هزار کس
زدند و جمعی را دستگیر کرده محکم ببستند و از جانب مشرکان هیچ
اذیت بایشان نرسید زیرا که میترسیدند که یهود باسیرانی که
در دست ایشانست اذیت رسانند پس چون رسول خدا
صلی الله علیه و آله ظاهر شد یهود بر آنحضرت حسد بردند
که چرا از عرب است و تکذیب آنحضرت نمودند پس رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرمود که این بود یاری کردن حقتعالی یهود را
بر مشرکان بسبب آنکه محمد و آل آنحضرت صلوات الله علیهم را
یاد کردند پس شما نیز ای امت محمد صلی الله علیه و آله یاد کنید
محمد و آل او علیهم السلام را در نزد هر شدت و مصیبت تا آنکه
خدا یاری کند شما را بواسطه ملائکه بر شیاطینی که قصد
شما میکنند بدرستیکه با هر یک از شما ملکی هست در
طرف راستش که حسنات او را مینویسد و ملکی دیگر هست در طرف
چپش که سیئات او را مینویسد و دو شیطان نیز هست با هر
کس که ابلیس آنها را فرستاده است که او را اغوا نمایند پس

چون

چون یکی از شما وسوسه در دل خود بیابد و خدا را یاد کند و
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد
و آله الطیبین اند و شیطان پنهان میشوند و نزد ابلیس میروند
و شکوه میکنند و میگویند که امروز این شخص ما را خسته کرده است
جمعی از مرده را بمدد ما فرست و ابلیس گروه ماردان را در عقب
یکدیگر بمدد ایشان میفرستند تا آنکه هزار نفر در نزد او جمع میشوند
و قصد او میکنند پس اگر آن بنده خدا را یاد کند و بر محمد و آل
آنحضرت علیهم السلام صلوات فرستند آنها راهی باو نخواهند
یافت و با ابلیس میگویند که خود با تمام لشکرت بیا تا آنکه بر او غلبه
نمائی و او را اغوا نموده گمراه سازی پس ابلیس با تمام لشکر می
آید و حقتعالی بملائکه میفرماید که ابلیس قصد فلان بنده من
یا فلان کنیز من نموده است با لشکرش شما بروید با او مقاتله
کنید پس در مقابل هر شیطانی صد هزار ملک میآیند که بر
اسبان آتشی سوارند و در دست ایشان شمشیرها از آتش و نیزها
از آتش و کمانها و تیرها از آتش هست و تمام کاردها و سلاحهای
ایشان از آتش است و آن شیاطین را دور میکنند بعضی را می

کشند

کشند و ابلیس را اسیر میکنند و آن حربها بر او میزنند و ابلیس فریاد
میکند که ای پروردکار من کجاست وعدهٔ تو بدرستی که تو مرا
مهلت دادی تا وقت معلوم خطاب بملائکه میرسد که من او را
وعده داده ام که نمیرانم و وعده نداده ام که سلاح و عذاب بر او
مسلط نکردانم و درد و الم باو نرسانم حربها بر او بزنید و من
او را نخواهیم میرانید و ملائکه انقدر ضربت بر او میزنند که تمام
اعضایش مجروح میکردد پس او را وامیکذارند و ابلیس بسوی
برای خود و برای اولادش که کشته شده اند و هکین میباشد
و چیزی از آن جراحتهایش مندمل نمیشود مکر بشنیدن او از مشرکان
که بکفر تکلم نمایند پس اکر آن بنده بذکر خدا و صلوات فرستادن
بر محمد و آل انحضرت صلوات الله علیهم باقی میماند آن جراحتها
بر ابلیس باقی میماند و اکر آن بنده یاد خدا و صلوات را ترک مینماید
و در مخالفت امر خدا و معصیت فرو میرود آن جراحتها التیام می پذیرد
و ابلیس بر انشخص مسلط میشود و او را لجام میکند و زین بر او می
کذارد و بر او سوار میشود و بعد از آن فرود می اید و میکوید که الحال
ما بر او مسلطیم و هر وقت که خواهیم بر او سوار میتوانیم شد پس

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که اکر میخواهید که ابلیس را
بر همان حال با جراحتهای بسیار واندوهکین بکذارید که جراحتهایش
هیچ ملتئم نشود مداومت نمائید بر طاعت خدا و صلوات فرستادن
بر محمد و آل انحضرت صلوات الله علیهم و اکر بر غیر آن حال باشید
اسیر ابلیس خواهید بود و مردهٔ خود را بر کردنهای شما سوار
خواهد کرد و ایضا در تفسیر امام علیه السلم مذکور است در
تفسیر ایه اذ قال موسی لقومه ان الله یامرکم ان تذبحوا بقرة
که در میان بنی اسرائیل کسی را کشتند و قاتل او معلوم نبود و از جانب
خدا مامور شدند بانکه کاوی را بکشند که صاحب صفات مخصوص
در او باشد و چنان کاوی را نیافتند مکر در نزد جوانی از بنی اسرائیل
که حق تعالی در خواب باو نموده بود محمد و علی و امامان از ذریه ایشان
صلوات الله و سلامه علیهم را و باو کفته بودند که تو چون دوست
مائی و ما را بر دیکران تفضیل میدهی میخواهیم که بعضی از جزای
تو را در دنیا بتو رسانیم چون بیایند و خواهند که کاو ترا بخرند
مفروش مکر بامر مادرت و اکر چنین کنی حق تعالی مادر ترا ملهم
خواهد کردانید بامری چند که باعث توانکری تو و فرزندان

توکرد پس آنجوان از دیدن آن خواب شاد گردید چون صبح شد بنی
اسرائیل آمدند کران گاو را از او بخرند و گفتند که بچند میفروشی
گفت بده دینار و مادرم اختیار دارد گفتند ما بیک دینار میخریم
وچون با مادر خود مصلحت کرد گفت بچهار دینار بفروش و چون بر بنی
اسرائیل گفت که مادرم بچهار دینار میگوید گفتند ما بدو دینار
میخریم و چون بمادر خود مصلحت نمود گفت بصد دینار بفروش
و ایشان گفتند که بر پنجاه دینار میخریم و هم چنین انچه ایشان
راضی میشدند مادر مضاعف میکرد تا انکه رسید قیمت آن
بانکه پوست آنرا از طلا پر سازند و بان قیمت آن گاو را خریدند
وکشتند و استخوان بیخ دم او را گرفتند و بران مرده زدند و گفتند
خداوندا بجاه محمد و آل طیبین او صلوات الله علیهم که این مرده را
زنده گردان و بسخن در آور تا انکه ما را خبر دهد که کی او را کشته
است ناگاه آنکشته صحیح و سالم برخواست و بموسی علیه السلام
عرض کرد که ای پیغمبر خدا این دو پسر عم من بر من حسد بردند بجهة
دختر عمم و مرا کشتند و بعد از کشتن در محله اینجماعت انداختند
که دیه مرا از ایشان بگیرند پس موسی علیه السلام آن دو کس را

کشت و در اول مرتبه کران جزو گاو را بران کشته زدند زنده
نشد بنی اسرائیل گفتند که ای پیغمبر خدا چه شد انوعده که با ما
کردی حقتعالی وحی فرستاد بسوی موسی که در وعده من خلف نمی
باشد اما تا انکه پوست گاو را پر از زر نکنند و بصاحبش ندهند
این مرده زنده نخواهد شد پس اموال خود را جمع کردند و حقتعالی پوست
ان گاو را گشاده گردانید تا انکه از مقدار پنج هزار هزار اشرفی
پر شد و چون قیمت گاو را تسلیم ان جوان نمودند و عضو گاو را
بران مرده زدند زنده شد پس بعضی از بنی اسرائیل گفتند که نمی
دانیم که کدام عجب تر است زنده کردن خدا این مرده را و بسخن آوردن
او یا غنی گردانیدن خدا این جوانرا باین مال فراوان پس خدا وحی
نمود بموسی که بگو بنی اسرائیل را که هر که از شما میخواهد که من
زندگانی او را در دنیا نیکو گردانم و در بهشت محل او را عظیم
سازم و او را در اخرت با محمد و آل طیبین او صلوات الله علیهم
هم صحبت نمایم بکند مثل انچه این جوان کرده بدرستی که این
جوان از موسی شنیده بود ذکر محمد و علی و آل طاهرین ایشانرا
و پیوسته بر ایشان صلوات میفرستاد و ایشانرا بر جمیع خلایق اون

انس و جن و ملائکه تفضیل میداد و باین سبب مال عظیم برای او
میسر شد که تنعم نماید بروزیهای نیکو و دشمنان خود را منکوب
گرداند پس آنجوان بموسی علیه السلام گفت که من چگونه حفظ کنم
این مال را و چگونه حذر نمایم از عداوت دشمنان و حسد حاسدان
موسی علیه السلام فرمود که بخوان برای این مال صلوات بر محمد
و آل طاهرین آنحضرت صلوات الله علیهم چنانکه پیش از این می
خواندی باعتقاد درست و ببرکت این مال که این بدست تو آمده
تا خدا آنها را برای تو حفظ نماید و هر دزدی و حسودی و ظالمی که
اراده بدی کند حقتعالی ضرر او را رفع نماید و در آنوقت آنجوان
که زنده شده بود چون این سخنان را شنید گفت خداوندا سؤال
میکنم از تو بآنچه این جوان از تو سؤال نمود از صلوات فرستادن
بر محمد و آل طیبین او صلوات الله علیهم و متوسل شدن
بانوار مقدسه ایشان که مرا باقی بداری در دنیا که برخوردار
شوم از دختر عم خود و خوار گردانی دشمنان و حاسدان مرا و مرا
خیر بسیار بسبب او روزی نمائی پس حقتعالی وحی فرستاد که این جوان
ببرکت توسل بانوار مقدسه ایشان صد و سی سال عمر دادم

که درین

که درین مدت صحیح و سالم بوده باشد و در قوای او ضعفی حادث نشود و
از زوجه خود بهره مند گردد و چون این مدت منقضی شود هر
دو را با یکدیگر از دنیا ببرم و در بهشت خود جا میدهم که در
آنجا متنعم باشند ای موسی اگر کشنده این جوان سؤال میکرد
از من مثل این سؤال که این جوان کرد و متوسل بانوار مقدسه
آن بزرگواران میگردید با صحت اعتقاد هر آینه او را از آن حسد
نگاه میداشتم و قانع میگردانیدم بآنچه روزی او کرده
بودم و اگر بعد از این عمل توبه میکرد و متوسل بایشان می
شد و سؤال میکرد که من او را رسوا نگردانم او را رسوا نمیکردم
و خاطر بنی اسرائیل را از پیدا کردن قاتل میگردانیدم و اگر بعد
از رسوائی توبه میکرد و متوسل بآن انوار میشد عمل او را از خاطر
های مردم بدر میبردم و در دل اولیاء مقتول می انداختم که
از قصاص او بگذرند ولکن محبت و ولایت آن بزرگواران و
توسل بایشان فضیلتی است که بهر که میخواهم برحمت خود عطا
میکنم و از هر که میخواهم بعدالت خود بسبب بدیهای آنکس
منع مینمایم و منم خداوند عزیز حکیم پس آنقبیله بنی اسرائیل

بفریاد

بفریاد آمدند بنزد موسی و گفتند که ما بالحاجت خود را بر پریشانی
مبتلا نموده‌ایم و قلیل و کثیر اموال خود را به بهای گاو داده‌ایم پس
دعا کن که خدا روزی ما را فراخ گرداند موسی علیه السلم فرمود که
وای بر شما مگر نشنیدید دعای آن جوان را و آن مقتول زنده شد
و ندیدید که چه فائده‌ها بر دعای ایشان مترتب گردید پس شما
نیز چنان دعا کنید و بانوار مقدسه آن بزرگواران توسل
جوئید تا آنکه حقتعالی احتیاج شما را رفع نماید و روزی
شما را فراخ گرداند پس ایشان گفتند خداوندا بسوی تو ملتجی شدیم
و بر فضل تو اعتماد نمودیم پس فقر و احتیاج ما را زایل گردان
بجاه محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و آل طیبین ایشان صلوات
الله و سلامه علیهم پس حقتعالی بموسی علیه السلم وحی نمود که
بگو با ایشان که بروند بفلان خرابه و فلان موضع را بشکافند
که در آنجا ده هزار هزار دینار هست بردارند و هر چه را که از هر
کس گرفته اند رد نمایند و زیادتی را در میان خود قسمت کنند
تا اموال ایشان مضاعف گردد در جزای آنکه متوسل شدند
بارواح مقدسه محمد و آل طیبین آنحضرت صلوات الله علیهم

واعتقاد

بزیادتی

واعتقاد کردند فضل و کرامت ایشان بر همه مخلوقات اشاره باین
قصه است قول خدا که و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها و در بعض
کتب مذکور است که سفیان ثوری گفت سالی بحج میرفتم چون بمدینه
طیبه رسیدم و بروضه شریفه مشرف گردیدم جوانی را دیدم که
سیمای صلاح در بشره او پیدا و آثار فلاح از چهره او هویدا بود
و طواف روضه مطهره مینمود و جز صلوات چیزی بر زبان او
جاری نبود خواستم که با او سخن گویم و از احوالش استفسار نمایم
مردم ازدحام نموده میان من و او حایل شدند حسرت مکالمه
با او در دل من ماند و چون بمکه رسیدم روزی همان جوان را
مشغول طواف دیدم و از وی جز صلوات چیزی نشنیدم پس بقصد
آنکه موجب بسیاری صلوات را از او سؤال نمایم متوجه او شدم
و بار دیگر میان من و او حایل پدید آمد تا آنکه در روز عرفه بعرفات
حاضر شدم و هر یک از مردمان بذکری و وردی مشغول بودند
و همان جوان بنظر من در آمد و بجز صلوات از او کلمه نشنیدم پس
بنزد وی رفتم و گفتم که ترا در مدینه در روضه منوره دیدم و بغیر
از صلوات ذکری از تو نشنیدم و در طواف ترا ملاقات نمودم و همچنان

ترا بفرستادن صلوات مشغول دیدم و در این مکان که جای نماز
و تضرع و در این زمان که وقت استغفار و توبه و تخشع است و هریک
از حاجیان حاجتی میطلبند هریک از حاضران از درگاه قاضی
الحاجات مرادی مسئلت مینمایند تو از همه حاجتها دست برداشته
جز همان طریق سخن نمیگوئی و بغیر از صلوات کلمه نمیگوئی سبب چیست
آنجوان گفت که من و پدرم در سال گذشته عزیمت حج کردیم و
در اثنای راه در فلان منزل پدر من بیمار شد و از سیر باز ما
ندیم و من در آنجا مکانی بکرایه گرفتم و پدرم را بآنمکان برده چراغ
افروختم و سرش را در کنار گرفته در او مینگریستم دیدم که موکل
اجل در رسید و پدرم در سکرات مرگ افتاد ناگاه ناگاه روی
سفید او بسیاهی میل کرد و در اندک فرصتی رویش مانند شب
تار سیاه و تیره گشت من از مشاهده آنحال ترسیدم و سر او را از کنار
خود برداشته بر بالین گذاشتم و گفتم انا لله و انا الیه راجعون
ناامید که اهل آن منزل بتجهیز پدرم حاضر شوند و نظر ایشان
بروی او افتد خواهند گفت که آیا معصیت این پیر بر چه وجه بوده
و چنین علامتی که نشانه بیگانگانست این آشنا را از چه روی

نموده

نموده و از وقوع این حال بسیار گریستم و جامه بر روی او پوشانیده
از شدت ملال سر بر زانوی نهاده بخواب رفتم دیدم که شخصی زیبا
روی مشکین موی که من هرگز روئی از روی او دلاراتر ندیده و بوئی
از بوی او فرح افزاتر نشنیده و جامه بپاکی جامه او در بر هیچکس مشاهده
نکرده و عمامه بسفیدی عمامه او بر سر احدی ملاحظه ننموده بود داخل
شد و آمد بسر بالین پدرم و جامه را از روی او برداشته دست مبارک
بر بشره اش کشید و آثار ید و بیضا بدید آمده چهره اش که از شب تار
تیره تر بود از صبح روشن تر گردید من از آن حال متحیر شدم و با
خود میگفتم که آیا چه کس باشد که از برکت دست مبارکش
ظلمت بنور مبدل گردید و از هیبت جرات سؤال نمیکردم تا
آخر جرات نموده دست در دامنش زدم و گفتم که تو کیستی که حق
تعالی بواسطه تو اندوه و غم مرا بر طرف ساخت و پرده خجلت از
چهره پدرم مرتفع گردانید فرمود که منم صاحب قرآن محمد بن عبد
الله صلی الله علیه و آله و بدان که پدرت بر نفس خود جفا می
کرد و در ارتکاب گناه از حد تجاوز مینمود اما پیوسته بر من صلوات
میفرستاد و در اینوقت که در ظلمت معصیت در مانده بود از من

استغاثه

استغاثه نمود و من فریاد رسیم کسانی را که بر من صلوات میفرستند
و از من غایب شد و من از خواب بیدار شدم و روی پدر خود را چون
ماه تابان روشن و درخشان دیدم و دانستم که صلوات این همه
نیکو هست و از آن وقت تسبیح و اوراد را بر نهاده و اگذاشته ام و لوای
صلوات را در ساحت اخلاص بر افراشته ام و نظیر این حکایت آنست که
نقل کرده اند که وقتی شبلی با جمعی از مریدان بعزم حج روانه بادیه
گردیدند و در اثنای راه یکی از مریدان را اجل موعود رسید و
شبلی متحیر در آن قالب بی جان مینگریست و با خود فکر تجهیز
و دفن او میکرد ناگاه دید که تمام جسمش در یک چشم زدن سیاه
و تیره گشت و هنوز یکساعت نگذشته بود که آن سیاهی بسفیدی
مبدل شد شبلی از آن حال تعجب نموده آن مرید را در خواب
دید که حله از حلههای بهشت پوشیده و تاجی مکلل بجواهر بر سر
نهاده و خاتمی نورانی در انگشت کرده که بر نگین آن نوشته است
که هذا جزاء من صلی علی محمد و آله صلی الله علیه و آله شبلی از او
پرسید که سر آن سیاهی و سفیدی چه بود جواب داد که سیاهی تیرگی
معصیت بود هنوز مرغ جانم بتمام از قفس تن بیرون نرفته بود

که بدن

که بدن من بشامت گناه سیاه گردید ناگاه صد و بیست هزار و سید
ولد آدم صلی الله علیه و آله را دیدم که آمد و قدحی از آب در دست
داشت و آن آب را بر من ریخت و بدست مبارک سیاهی معاصی را از
من شست و خلعت کرامت و خاتم سعادت بمن بخشید من عرض کردم
که یا رسول الله صلی الله علیه و آله بکدام عمل مستحق این کرامت
شدم فرمود که چون تو در دنیا عادت داشتی که پیوسته بر من صلوات
میفرستادی من باین سبب نظر عنایت از تو دریغ نداشتم شبلی
از خواب بیدار شد گفت که بر من روشن گردید که ظلمت گناه با
لمعه درود بر حبیب الله صلی الله علیه و آله تابی ندارد و در کتاب
ریاض الازهار که از کتب عامه است مذکور است که حق سبحانه
و تعالی بملکی فرمود که فلان شهر را ویران کن و چون آن ملک بآن
شهر آمد و گریه کودکان و ناله زنان و فریاد چهارپایان را شنید
بر ایشان رحم نموده بر ویرانی آن شهر اقدام نکرد و تند باد قهر
از مهب جلال وزیده پر و بال آن ملک را در هم شکست و از
تصاعد بر افلاک محروم و مهجور ماند روزی جبرئیل علیه السلام
او را گریان و نالان بر روی خاک افتاده دید و دلش بر پریشان

حالی

خالی و شکسته بالی آن نملک سوخته حال عجز و بیچارگی و ضعف و آوارگی
او را ببارگاه کبریا عرض کرد خطاب آمد که باو بگو که بر حبیب من
محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد تا ببرکت آن پر و بالش باز
بر گردد ملک بوظایف صلوات قیام نمود و بال اقبال باز یافته بفراغ
بال بجانب آشیانه خود پرواز کرد آن ملک و در بعضی کتب مذکور است
که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در نخلستان نشسته بود و
امیر المؤمنین علیه السلام در خدمت آنجناب بود ناگاه مگس عسلی بنزد
آنحضرت آمد و بر گرد آنحضرت میگردید و آوازی میکرد آنجناب
با امیر المؤمنین ع فرمود که این مگس میخواهد که ما را ضیافت نماید و می
گوید که قدری عسل در فلان موضع گذاشته ام امیر المؤمنین
علیه السلام را بفرست که از آنجا بیاورد پس امیر المؤمنین علیه السلام
رفت و آن عسل را در مجلس نبوت حاضر گردانید و رسول خدا
صلی الله علیه و آله از آن مگس پرسید که خورش شما شکوفه تلخ است
بچه سبب در درون شما شیرین میگردد آن مگس عرض کرد که آن
ببرکت شما است زیرا که هر گاه قدری از شکوفه بدرون ما در می آید
فی الحال الهام الهی بما میرسد که سه نوبت بر شما صلوات

فرستیم

فرستیم و ببرکت آن صلوات شکوفه تلخ در درون ما شیرین میشود و ایضا
در بعضی کتب مذکور است که تاجری در بلخ دو پسر داشت و از جمله میراث
او سه تار از موی مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله بود چون آن دو
برادر خواستند که میراث را تقسیم نمایند هر یک یک موی را برداشتند
و برادر بزرگ گفت که آن موی دیگر را بدو نیم میکنیم و هر یک نصفی از
آن بر میداریم برادر کوچک گفت که قطع کردن موی مبارک آن
حضرت از ادب دور است برادر بزرگ گفت که چون بقطع آن راضی
نمیشوی آن را تو بردار و بازاء آن مقداری از مال بمن بگذار برادر کوچک
گفت که من هر دو تار موی مبارک را بر میدارم و تمام میراث را بتو می
گذارم که مرا موئی از آن بجهانی می ارزد برادر بزرگ راضی شده
موها را ببرادر داده تمام ترکه را در تصرف آورد و آن صاحب دولت
موها را در حقه پاکیزه قرار داده در گریبان جان نهاده و پیوسته
آنها را بیرون آورده می بوسید و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
میفرستاد و بسی بر نیامد که غبار ادبار بر صفحه روزگار برادر بزرگ
نشست و اموالش تلف گشت و برادر کوچک را گل مراد از شاخسار
اقبال شکفت و بر اقران و امثال برتری هم رسانید و چون وفات

نمود

نمود یکی از اولیا ملخ رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید
و با او فرمود که بمردمان بگو که هر که را حاجتی باشد بسر قبر فلان کس
رفته دعا کند تا حاجتش بر آورده شود آن شخص عرض کرد که یا
رسول الله سبب این کرامت چیست فرمود که در تعظیم مؤمن مبالغه
نمودی و بسیار بر من صلوات میفرستاد لهذا در زمان حیوة بخوشی گذرانید
و بعد از وفات قبر او محل استجابت دعا گردید و ملا حسین کاشفی
در یکی از تالیفات خود ذکر کرده است که وقتی بضرورت با اهل
و عیال از وطن مالوف جلا نمود بطرفی میرفتم و از یاران و مددکاران
زیاده کسی همراه نبود ناگاه جمعی کثیر بما رسیدند که از صفحات احوال ایشان
آثار خوف و اضطراب ظاهر بود و بعد از استفسار گفتند که درین
راه قطاع الطریق هستند همه مکمل و مسلح و با وجود کثرت ما از
زحمت از ایشان بگذشتیم و تو با این تنهائی و بینوائی چگونه از تعرض
و آزار ایشان رهائی خواهی یافت بهتر آنست که باز گردی و چون باز
گشتن مصلحت وقت نبود حیرت عظیم بمن دست داد و در آن اثنا
خواب بر من غلبه کرد در خواب دیدم که کسی بمن میگوید که این
صلوات را بخوان که اللهم صل علی النبی محمد و آله کما امرتنا

ان نصلی علیهم و صل علی محمد النبی و آله کما ینبغی ان نصلی علیهم
و صل علی محمد النبی و آله بعدد من صلی علیهم و صل علی محمد
النبی و آله بعدد من لم یصل علیهم و صل علی محمد النبی و آله
کما تحب ان تصلی علیهم و من هرگز این کلمات را در کتابی ندیده و از کسی نشنیده
بودم و چون بیدار شدم این کلمات بر زبان جاری بود و میخواندم و آن
دو سه نفر که با من بودند در خواندن آن با من موافقت کردند و روانه
شده باندک فرصتی بگروه دزدان رسیدیم و ما ایشانرا میدیدیم
و سخن ایشانرا می شنیدیم و ایشان ما را ندیدند و از گذشتن ما خبر
نیافتند و از برکت صلوات از چنان مهلکه که بیم قتل و اسر و غارت و
جرح بود نجات یافته بمقصد رسیدیم و شیخ طوسی در کتاب امالی
بسند خود از زید بن ثابت روایت کرده است که وقتی در خدمت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بغزوه از غزوات میرفتیم در اثناء راه اعرابی
پیدا شد و مهار شتری در دست گرفته بود و آمد و نزد آنحضرت
ایستاد و گفت السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته آن
حضرت جواب سلام او را داده آن اعرابی گفت پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله چگونه است احوال تو آنحضرت فرمود که خدا را حمد می

کنم و احوال تو چگونه است و در عقب آن شتر مردی دیگر بود که شتر را
میراند و آمد گفت یا رسول الله این اعرابی شتر مرا دزدیده است و آن
شتر آواز میکرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکت بود و
گوش بآواز آن شتر داده بود پس بعد از ساعتی رو بجانب آنمرد کرد و
فرمود که برو زیرا که شتر شهادت داد که تو دروغ میگوئی و آنمرد
رفت پس آنحضرت از آن اعرابی پرسید که در آنوقت که در نزد من آمدی
چه میگفتی گفت میگفتم اللّهمّ صلّ علی محمّد حتّی لا یبقی صلوة اللّهمّ و آل محمد
بارک علی محمّد حتّی لا یبقی برکة اللّهمّ سلّم علی محمّد حتّی لا یبقی سلم
اللّهمّ ارحم محمّدا حتّی لا یبقی رحمة پس رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که من میگفتم که سبب چیست که شتر برای او شهادت میدهد و می
بینم که ملائکه افق را پر کرده اند و در کتاب انهی که از کتب عامه است
مذکور است که جمعی از بادیه نشینان مردی را با شتری بنزد رسول خدا
صلی الله علیه و آله آوردند و برآنمرد ادعا نمودند که شتر ما را دزدیده
است و برطبق ادعای خود اقامه شهود کردند و آنحضرت امر نمود که دست
آنمرد را قطع نمایند چون آنمرد را در موضع سیاست میبردند در زیر
لب چیزی میخواند ناگاه همان شتر که مدعای ایشان بود آواز بلند

کرده بزبان فصیح گفت که یا رسول الله این مرد از دزدیدن من بری است
و براو تهمت زدند و گواهان بدروغ شهادت دادند و مرا فلان
کس دزدیده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آنقوم را باز
گردانیدند و آنکس را که شتر گفته بود که مرا دزدیده است حاضر گردانیدند
و آنمرد بدزدی خود اقرار نمود و آنجناب حکم خدا را براو جاری کرد
و آنشخص را که اول متهم کرده بودند طلبید و فرمود که تو در وقت رفتن
از پیش من چه میگفتی که ملائکه را دیدم که محلات مدینه از ایشان
پر شده بود و نزدیک بود که دیوارها را بشکافند و تو در میان
ایشان حایل بودی آنمرد عرض کرد که بر تو صلوات میفرستادم باین نحو
که اللّهمّ صلّ علی النّبیّ محمّد حتّی لا یبقی من صلواتک شیء و
بارک علی النّبیّ محمّد حتّی لا یبقی من برکاتک شیء و ارحم علی
النّبیّ محمّد حتّی لا یبقی من رحمتک شیء آنجناب فرمود که تو فردا
بر صراط خواهی گذشت در حالتی که روی تو درخشنده تر از ماه
شب چهارده باشد مؤلف گوید که امثال این روایات و حکایات
در کتب اخبار و آثار بسیار است بنحوی که اگر کسی خواهد که همه را جمع
نماید مجلدی کبیر خواهد شد بلکه میتوان گفت که احدی در عالم نیست

که برای خودش امثال آنچه مذکور شد اتفاق نیفتاده باشد در مدت
عمر خود بواسطهٔ توسل برسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله
علیهم شدائد عظیمه از او مندفع نگردیده باشد و بمطالب بزرگ نرسیده
باشد و این معنی خود معلوم است که تمام مقربان درگاه اله از انبیاء و ملائکه
و اولیاء علیهم السلام بواسطهٔ توسل بحضرت خاتم الانبیاء و آل
طاهرین آنجناب علیه و علیهم السلام بمرتبهٔ قرب رسیده‌اند و در
اخبار اهل بیت اطهار علیهم السلام وارد شده است که حملهٔ عرش
الهی که مقرب‌ترین ملائکه‌اند تا توسل بآن بزرگواران نجستند
و بر ایشان صلوات نفرستادند نتوانستند که عرش الهی را بردارند و
بیان این مطلب بوجه اجمال آنست که ایشانند مظهر اسم اعظم
الهی باعتبار آنکه اجتماع ظهور جمیع اسماء الهی در غیر ایشان اتفاق
نیفتاده و در کتاب اختصاص از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده است که فرمود که هرگاه بر شما امر شدیدی نازل شود استعانت
جوئید بما نزد حق تعالی و اینست معنی قول حق تعالی که میفرماید که و
لله الاسماء الحسنی فادعوه بها و در تفسیر عیاشی از امام جعفر
صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود بخدا قسم که مائیم

اسماء حسنی که قبول نمیکند خدا از احدی خیری را مگر بشناختن ما پس خدا را
بخوانید بما و در کتاب عدة الداعی از سلمان فارسی رضی الله عنه
روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می
فرمود که خدای عز و جل میفرماید که ای بندگان من آیا چنین نیست
که هرگاه کسی از شما حاجتی بزرگی داشته باشد از او نمیخواهید تا آنکه آنکس
که در نزد شما محبوب‌ترین خلق است شما او را بر آن بدارد و شما برای
کرامت آن دوست خود آن حاجت را روا سازید پس بدانید که گرامی
ترین خلق بر من و فاضلترین ایشان در نزد من محمد است و علی و بعد از
ایشان امامان از ذریهٔ ایشان صلوات الله علیهم اجمعین و ایشانند
وسیله‌ها بسوی من پس هر که را بمن حاجتی باشد و خواهد که برآورده شود
و یا مصیبتی بلاو رسیده باشد و خواهد که مندفع گردد مرا بخواند بحق
محمد و آل طیبین طاهرین او تا آنکه من حاجت او را روا سازم بهتر
از آنکه کسی حاجتی بگیرد و امید دارد در حالی که عزیزترین خلق در
نزد او شفاعت کند پس گروهی از مشرکان در مقام استهزاء بسلمان
گفتند که از خدا سؤال نمی کنی بحق ایشان که ترا غنی‌ترین اهل مدینه
گرداند سلمان گفت که من از خدا خواستم چیزی را که جلیل‌تر و نافع‌تر

وبهتر از تمام دنیاست از خدا خواستم بحق ایشان که بمن عطا فرماید
زبانی ذکر کننده که حمد و ثنای او را بجا آورم و دل شکر نماینده که
بشکر نعمتهای او قیام نمایم و بدنی که بر بلاها صابر باشد حقتعالی
دعای مرا مستجاب نمود و اینها را بمن عطا فرمود و اینها از تمام ملک دنیا
و از هر چیزی که در آن یافت میشود بهتر است بصد هزار هزار مرتبه
شیخ طوسی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که
هر که خدا را بخواند بما رستگار میشود و هر که بخواند بغیر ما خود
هلاک میشود و دیگران را هلاک میگرداند و شیخ صدوق و شیخ
مفید و شیخ طوسی و دیگران بسندهای مختلف و بعبارات نزدیک
بیکدیگر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که بنده در
آتش هفتاد خریف میماند و هر خریفی هفتاد سال است پس از خدا سوال
میکند بحق محمد و اهل بیت آنحضرت علیهم السلام که بر او رحم نماید پس
از جانب حقتعالی وحی میرسد بجبرئیل علیه السلام که فرود رو بسوی بنده
من و او را بیرون آور پس جبرئیل میگوید که ای پروردگار چگونه برای
من میسر است که داخل در آتش شوم خطاب میرسد که من آتش را امر
نموده ام که بر تو سرد و سلامت باشد عرض میکند که آن بنده در

کجاست

کجاست میفرماید که در چاهیست از سجین پس جبرئیل بنزد آن بنده می
آید و می بیند که روی آن بنده با قدمش بهم بسته است پس بیرون می
آورد او را و حقتعالی بآن بنده خطاب میکند که ای بنده من چقدر
بودی و مکث تو در آتش آن بنده میگوید که نمیدانم خطاب میرسد
که بعزت و جلال خود قسم که اگر تو با آن نحو از من سؤال نمیکردی
هر آینه خواری تو در آتش بطول می انجامید و لکن من بر خود لازم
گردانیده ام که هر که از من سوال نماید بحق محمد و اهل بیت او علیهم
السلام بیامرزم گناهان او را که در میان من و اوست و امروز ترا آمرزیدم
و در کتاب کشف الغمه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که زنی بود از جن که او را عفراء میگفتند بخدمت رسول خدا صلی
الله علیه و آله می آمد و کلام آنحضرت را می شنید و بنزد جنیان صالح
میرفت و آنها بر دست او قبول اسلام میکردند و چند روزی بخدمت
آنحضرت نیامد چون احوال او را از جبرئیل پرسید جبرئیل گفت که او را
خواهری هست که او را در راه خدا دوست میدارد و بزیارت آنخواهر
رفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خوشا حال آنکسانی
که در راه خدا با یکدیگر دوستی نمایند بدرستیکه حقتعالی در بهشت

عمودی

عمودی از یاقوت سرخ آفریده است که بر آن عمود هفتاد هزار قصر است
و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است و حق تعالی از برای کسانی آفریده است
که با یکدیگر دوستی نمایند در راه خدا و چون عفراء بنزد آنحضرت آمد از او
سؤال نمود که بکجا رفته بودی عرض کرد که بزیارت خواهرم فرمود شاد
حال کسانی که در راه خدا دوستی نمایند و بزیارت یکدیگر روند
پس فرمود ای عفرا چه چیز مشاهده نمودی عرض کرد که عجایب بسیار
دیدم فرمود که از همه عجیب تر چه بود گفت که ابلیس را در دریای اخضر
دیدم که بر روی سنگ سفیدی نشسته بود و دستها را بسوی آسمان بلند
کرده بود و میگفت خداوندا چون بقسم خود وفا نمودی و مرا داخل آتش
کردانیدی از تو سؤال میکنم بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات
الله علیهم که مرا از آن خلاصی بخشی من باو گفتم که ای ابو الحارث این
اسماء چیست که باینها دعا میکنی گفت که من این اسماء را بر ساق عرش
نوشته دیدم پیش از آنکه آدم را خدا خلق نماید بهفت هزار سال و دانستم
که اینها گرامی ترین خلقند در نزد خدا والحال بحق ایشان از خدا سؤال
پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که اگر تمام اهل زمین باین
اسماء دعا کنند حق تعالی همه را اجابت میکند اللهم انی اسألك

بحق

بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین ان تغفر لی ذنوبی و تتجاوز
عن سیئاتی و تصلح لی شأنی و ترزقنی خیر الدنیا والآخرة و
تصرف عنی بلاء الدنیا والآخرة وان تفعل ذلك بجمیع المؤمنین
والمؤمنات برحمتك وفضلك یا ارحم الراحمین فصل هشتم در
ذکر صلوات متنوعه که از رسول مختار و ائمه اطهار صلوات الله
علیهم وارد شده است و در فصول گذشته مذکور نشده است و این
بر دو قسمست صغیره و کبیره و از هر یك چند صلوات مذکور میشود اما
از صلوات صغیره یکی آنست که در کتاب جامع الاخبار از رسول مختار
صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریك له اللهم صل علی محمد و آل محمد مرغ سبزی از
دهان او بیرون آید دو بال دارد مکلل بمروارید و یاقوت و چون دو بال
میگشاید بمشرق و مغرب میرسد و از آن مرغ صدائی شنیده میشود
مثل صدای مگس نحل پس حق تعالی باو میفرماید که مرا مدح کردی و پیغمبر
مرا مدح کردی الحال ساکن شو آن مرغ میگوید که چگونه ساکن شوم
تو گوینده لا اله الا الله را نیامرزیدی خطاب میرسد که ساکن
شو که من او را آمرزیدم دوم در کتاب جمال الاسبوع از امام جعفر

وحال الذکر

صادق

صادق علیه السلم روایت کرده است که چون بنده بگوید اللهم صل
علی محمد وآله وعلی اهل بیته مستجاب میشود هر دعائی که بعد از آن
بکند آن نیز مستجاب میگردد زیرا که خدا از آن جوادتر است که بعضی را
رد نماید و بعضی را مستجاب گرداند سیم در همان کتاب از عبد الرحمن بن
کثیر روایت کرده است که بامام علیه السلم عرض کردم که ما چه بگوییم
در وقت صلوات فرستادن فرمود بگوید اللهم انا نصلی علی محمد نبیک
وعلی آل محمد کما امرتنا به وکما انت صلیت علیه پس فرمود که ما نیز
چنین صلوات میفرستیم چهارم ابن بابویه در کتاب عیون اخبار
الرضا روایت کرده است که مامون وقتی جمعی از علمای مخالفین را جمع کرده
برای آنکه با آنحضرت احتجاج نمایند در تفضیل عترت طاهره آنحضرت
با آیات قرآن اثبات آنمطلب نمود و بعد از آنکه شش آیه برای اینمطلب ذکر
نموده بود آیه هفتم این آیه را خواند که ان الله وملائکته یصلون
علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما وفرمود
که معاندان میدانند که چون این آیه نازل شد اصحاب عرض کردند که
یا رسول الله کیفیت سلام کردن بر تو را میدانیم چگونه بر تو صلوات
فرستیم فرمود که بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد کما صلیت

علی

علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید آیا در میان شما کسی هست
که این را انکار نماید همگی گفتند که هیچکس در این خلافی ندارد واجماع
امت بر این محقق است آیا در نزد تو چیزی هست از قرآن در شان
آل که از این واضحتر باشد فرمود بلی خبر دهید مرا از قول حقتعالی
که میفرماید یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم
که مراد از یس کیست همگی گفتند که مراد از یس محمد است صلی الله
علیه وآله فرمود که حقتعالی بمحمد وآل آنحضرت فضلی کرامت کرده است
که احدی بکنه آن نمیرسد و آن فضیلت اینست که در قرآن بر انبیا
سلام فرستاده است و بر غیر ایشان سلام نکرده است چنانکه فرموده
است سلام علی نوح فی العالمین وفرموده است سلام علی ابرهیم و
فرموده است سلام علی موسی وهرون ونفرموده است سلام علی
آل نوح ونفرموده است سلام علی آل ابرهیم ونفرموده است سلام
علی آل موسی وهرون وفرموده است سلام علی آل یس یعنی آل محمد
صلی الله علیه وآله پنجم ابن بابویه در کتاب علل الشرایع وعیون
روایت کرده است که کسی از حضرت امام رضا علیه السلم پرسید که سبب
چیست که مهر زنان در شریعت بر پانصد درهم قرار داده شده است

فرمود

فرمود که حق تعالی بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی که صد مرتبه
الله اکبر و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه
لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلی الله علیه
علیهم صلوات فرستد و بعد از آن بگوید اللهم زوجنی من الحور العین
البته حور العین را باو تزویج نماید و از اینجاست که مهر زنان را بر پانصد
درهم قرار داده است و هر مؤمنی که بنزد برادر مؤمن خود رود و زنی را خطبه
نماید تا پانصد درهم صداق بدهد و اگر در خطبه او را قبول نکنند عاق
خواهد بود و مستحق آن میگردد که حق تعالی او را بحور العین تزویج
ننماید ششم در کتاب جامع الاخبار از امام جعفر صادق علیه
السلام روایت کرده است که هر که بگوید صلی الله علی محمد و
اهل بیته حق تعالی هزار حسنه از برای او بنویسد مضمون این حدیث
در فصول سابقه در ضمن حدیثی از کتاب ثواب الاعمال نقل
شد هفتم در جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرمود که هر که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
حق تعالی ثواب هفتاد شهید باو عطا میفرماید و او را از گناهان بیرون
می آورد مانند روزی که از مادر متولد شده است هشتم در کتاب

جمال الاسبوع از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که
بگوید یا رب صل علی محمد و علی اهل بیته البته حق تعالی او را می
آمرزد راوی عرض کرد که البته او را می آمرزد فرمود که رسول خدا صلی
الله علیه و آله چنین گفت نهم و ایضا در کتاب جمال الاسبوع
مذکور است که آنحضرت فرمود که هر که بگوید صلی الله علی محمد النبی
و آله حق تعالی با آن گوینده میگوید صلی الله علیک پس هر که خواهد
از این بسیار بگوید و هر که خواهد کم بگوید دهم شیخ طوسی از
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ملکی از ملائکه که موکل است
تا روز قیامت بر آنکه هر که بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم آن ملک
بگوید و علیک السلام پس بنزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رود و
بگوید که فلان کس سلام فرستاده است و آنحضرت میفرمایند علیه السلام
یازدهم در کتاب کشف الغمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که هر که بگوید جزی الله عنا محمدا ما هو اهله هفتاد
کاتب را تا مدت هزار روز در تعب بی اندازد دوازدهم در کتاب معانی
الاخبار از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که از امام جعفر صادق علیه السلام
پرسیدند که چگونه صلوات فرستیم بر محمد و آل آنحضرت صلوات الله علیهم

فرمود بگوئید صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله
و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله
و برکاته عرض کردم که چه ثواب خواهد بود برای کسی که چنین صلوات
فرستد فرمود بخدا قسم که از گناهان بیرون می آید مانند روزی که از مادر
متولد شده است سیزدهم در مصباح متهجد از حضرت صادق
علیه السلم روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید
اللهم اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و رسلک علی محمد و
آل محمد تا یکسال هیچ گناه بر او نوشته نمیشود چهاردهم شیخ طوسی
و کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده اند که هر که بعد از
نماز صبح و نماز ظهر بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
نمیرد تا آنکه قائم آل محمد صلوات الله علیهم را دریابد پانزدهم در
کتاب عدة الداعی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده است
که هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید بگوید رب صل علی
محمد و اهل بیته حقتعالی روی او را از گرمی جهنم نگاه میدارد
شانزدهم در کتاب کافی از امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کرده است که هر که صد مرتبه بگوید یا رب صل علی محمد و آل محمد

حق

حق تعالی صد حاجت او را روا گرداند که سی حاجت از آنها حاجت دنیائی باشد
هفدهم در کتاب جمال الاسبوع که از تصانیف سید ابن طاوس
علیه الرحمه است مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت پنجاه مرتبه
سوره اخلاص بخواند و بعد از نماز بگوید اللهم صل علی النبی العربی
و آله حقتعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و چنان باشد
که گویا دوازده هزار مرتبه قرآن را ختم کرده است و حقتعالی او را از گرسنگی
و تشنگی روز قیامت نگاه دارد و تمام اندوه و حزن او را برطرف سازد
و او را از ابلیس و لشکریانش نگاه دارد و هیچ گناهی بر او ننویسد
و سکرات مرگ را بر او آسان گرداند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید
مرده باشد و خدا عذاب قبر را از او بردارد و هر چه از خدا سؤال کند
باو عطا فرماید و نماز و روزه او را قبول فرماید و دعای او را مستجاب
سازد و ملک موت روح او را قبض نکند تا آنکه رضوان بجان بهشت را
بنزد او آورد هجدهم ایضا در همان کتاب از همان جناب منقول است
که هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد

بخواند

بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی الامی و آله
حق تعالی شفاعت هزار پیغمبر باو عطا فرماید و ثواب ده حج و ده
عمره برای او بنویسد و قصری در بهشت باو عطا فرماید که از بزرگ
ترین شهرهای دنیا وسیعتر باشد نوزدهم و ایضا در همان
کتاب از همان مجتبا منقولست که هر که در شب جمعه یا روز جمعه
یا شب پنجشنبه یا شب دوشنبه یا روز دوشنبه چهار رکعت نماز یا پنجشنبه
بجا آورد بدو سلام و در هر رکعت هفت مرتبه سوره فاتحه و یک مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز صد مرتبه بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد و صد مرتبه بگوید اللهم صل علی جبرئیل حق
تعالی باو عطا فرماید هفتاد هزار قصر که در هر قصری هفتاد هزار خانه
باشد در هر خانه هفتاد هزار جاریه باشد در مصباح متهجد نیز
همین عمل مذکور است بیستم در کتاب جمال الاسبوع از زید
شحام روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام شنید که
بهترین اعمال در روز جمعه صلوات فرستادنست بر محمد و آل محمد
علیهم السلام اگرچه صد مرتبه باشد و یکمرتبه باشد عرض کردم
که چگونه بر ایشان صلوات فرستم فرمود بگوی اللهم اجعل صلواتک

وصلوات

وصلوات ملائکتک و انبیائک و رسلک و جمیع خلقک علی محمد
و اهل بیت محمد علیهم السلام و علیه و رحمة الله و برکاته بیست و یکم
در کتاب عروس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
هر که در روز جمعه بعد از نماز صبح بگوید اللهم اجعل صلواتک
و صلوات ملائکتک و حملة عرشک و جمیع خلقک و سمائک
و ارضک و انبیائک و رسلک علی محمد و آل محمد تا یکسال هیچ
گناه بر او نوشته نشود بیست و دوم صاحب کتاب بحار الانوار
از جامع بزنطی نقل کرده است که بعد از نماز جمعه باید این صلوات را
بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم
و بارک علی محمد و آل محمد حتی لا یبقی برکة اللهم و سلم علی محمد
و آل محمد حتی لا یبقی سلام اللهم و ارحم محمدا و آل محمد حتی لا یبقی
رحمة و بزنطی گفته است که این صلوات از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که این صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستد گناهانش
محو میگردد و بر دشمنان یاری کرده میشود و اسباب خیر برای او فراهم می
آید و بار روزیها خوب میرسد و روزی بر او گشاده میگردد و در بهشت از
رفقای محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود و ملخص قصه این صلوات اینست

که مردی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند و او را متهم
کردند باینکه شتری دزدیده است و آن شتر در نزد آنحضرت آواز
کرد و آنجناب فرمود که این شتر شهادت ببراءت این مرد داد بجهة صلواتی
که بر من فرستاده است باین صلوات ببیست و سیم و ایضاً از جامع بزنطی
نقل کرده است که این صلوات را نیز باید که بعد از نماز جمعه بخواند
اللهم صل علی محمد و آل محمد حتی لا یبقی من صلواتک شیء و ارحم
محمداً و آل محمد حتی لا یبقی من رحمتک شیء و بارک علی محمد و آل
محمد حتی لا یبقی من برکاتک شیء و سلم علی محمد و آل محمد حتی لا
یبقی من سلامک شیء و کفعمی گفته است که این صلوات را صاحب کتاب
الوسائل الی المسائل ذکر کرده است و خلاصهٔ قصهٔ آن اینست که
مردی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند جمعی شهادت دادند
که او ناقه دزدیده است و آنحضرت حکم بقطع دست او فرمود و آن مرد در آن
وقت این صلوات را خواند و آن ناقه بسخن درآمده بر براءت او شهادت
داد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون این صلوات را خواندی دیدم
ملائکه را که کوچهای مدینه را سوراخ میکردند میان من و او حایل شدند
پس بآن مرد فرمود که من روی ترا می بینم که بر صراط از ماه شب چهارده روشن‌تر است

مؤلف

مؤلف گوید که این دو روایت نزدیکست باینچه ما در فصل سابق که اول را از
امالی شیخ طوسی و دوم را از کتب عامه نقل نمودیم و نظر باینکه اینچه در جامع
بزنطی بود لفظ آل در آن مذکور بود و اندک تفاوتی هم داشت و سندش
هم معتبر بود از تکرار چشم پوشیده در اینجا ذکر کردیم بیست و چهارم
صلواتیست که بعد از عصر روز جمعه باید خواند و آن صلوات اینست
اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک
و بارک علیهم بافضل برکاتک علیه و علیهم السلام و علی ارواحهم
و اجسادهم و رحمة الله و برکاته و این صلوات در اکثر کتب اصحاب
مذکور است چنانکه در کتاب جمال الاسبوع بدو سند از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است و در یکی از آن دو سند چنین روایت
شده است که بعد از نماز عصر روز جمعه هفت مرتبه بخواند و در
روایت دیگر باین نحو است که هر که بعد از عصر روز جمعه ده مرتبه این
صلوات را بخواند پیش از آنکه از موضع نماز بیرون رود ملائکه بر او
صلوات میفرستند تا همان وقت از جمعه دیگر و شیخ صدوق از امام محمد
باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که این کلمات را بعد از عصر روز جمعه
بگوید حق تعالی مینویسد برای او صد هزار حسنه و محو میکند از او صد هزار سیئه

و روا میشود از برای او صد هزار حاجت و تفاوتی که در میان این اخبار هست
اینست که در بعضی روایات لفظ علیه نیست و در بعضی و علیه است با واو
و در کتاب سرائر از جامع بزنطی نقل کرده است که ابو بصیر گفت که از
حضرت صادق علیه السلام شنید که صلوات فرستادن بر رسول خدا صلی
الله علیه و آله در ما بین ظهر و عصر مساوی است با هفتاد حج و هر که بعد
از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند خواهد بود برای او مثل ثواب اعمالی
که از جن و انس در آن روز بجا آورند و کفعمی نیز همین حدیث را از جامع بزنطی
نقل نموده است و در کتاب فقه الرضا مذکور است که هفت بار
باید خواند و در کتاب کافی و کتاب مجالس ابن الشیخ و کتاب علاء الدین نیز
مذکور است بنحوی که شیخ صدوق روایت نموده است و تفاوتی که در میان
این اخبار هست اینست که در بعضی روایات لفظ علیه نیست و در بعضی
و علیه است با واو بیست و پنجم در کتاب جمال الاسبوع از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که صلوات فرستادن بر رسول خدا صلی
الله علیه و آله بعد از عصر روز جمعه باین نحو است اللهم صل علی محمد و آل
محمد و بارک علی محمد و آل محمد وارحم محمدا و آل محمد وارفع محمدا و آل
محمد الذین اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا بیست و ششم در

کتاب

کتاب ریاض المذکورین که از کتب عامه است از امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده است که هر که هر روز سه بار و در روز جمعه صد بار بگوید
صلوات الله وملائکته وانبیائه ورسله وحملة عرشه وجمیع
خلقه علی سیدنا محمد وآله وعلیهم السلام ورحمة الله وبرکاته
صلوات فرستنده خواهد بود بصلوات تمام خلایق و در روز قیامت در
زمرهٔ خواص آنحضرت مبعوث خواهد گردید آنحضرت دست او را گرفته
با خود داخل بهشت خواهد کرد بیست و هفتم در کتاب ازهار که از
کتب عامه است مذکور است که هر که هر روز سه بار بگوید اللهم صل
علی محمد وآله وسلم واجزه عنا خیر الجزاء حق نعمت بعثت را بجا آورده
خواهد بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله از او عذر خواهی خواهد
نمود و از حق تعالی رفعت درجه او را سؤال خواهد فرمود بیست و هشتم
در ریاض الاحادیث که آن نیز از کتب عامه است مذکور است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در بهشت درختی است که آنرا محبوبه
گویند و میوه آن درخت از انار کوچکتر و از سیب بزرگتر است و سفیدتر
از شیر و شیرینتر از عسل و نرمتر از مسکه و از آن میوه نمی‌خورد مگر
کسی که هر روز مداومت نماید بگفتن اللهم صل علی محمد و آل محمد

وسلم

وسلم بیست و نهم این صلوات شکر اللهم صل علی سیدنا محمد ما
اختلف الملوان و تعاقب العصران و کر الجدیدان و استقبل الفرقدان
و بلغ روحه و ارواح اهل بیته منا التحیة و السلام و این صلوات
در میانه خاصه و عامه شهرت تمام دارد و میگویند که یک مرتبه آن مثل
ده هزار مرتبه صلوات فرستادن است و عامه حکایت کرده اند که شخصی
بنزد سلطان محمود سبکتکین آمد و گفت که مدتی بود که میخواستم که
رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب ببینم و عرضی که دارم بآن
غمخوار بگویم قضا را سعادت مساعدت نمود و در شب گذشته باین دولت
و جمال با کمال آن عدیم المثال را در خواب دیدم و چون آنجناب را منبسط
یافتم قدم بر بساط جرات گذاشتم و گفتم یا رسول الله هزار درهم قرض
دارم و برادای آن قادر نیستم و میترسم که اجل در رسد و آن وام در
گردن من بماند آنحضرت فرمود که برو بنزد محمود سبکتکین و این
مبلغ را از او بستان عرض کردم که شاید از من باور نکند و نشان
طلبد فرمود که باو بگو که باین نشان که در اول شب چون تکیه
میکنی سی هزار مرتبه بر من صلوات میفرستی و در آخر شب که بیدار میشوی
سی هزار مرتبه دیگر صلوات میفرستی سلطان از شنیدن این داستان بگریه

درآمده

درآمده این مرد را تصدیق نمود و قرض او را ادا نمود و هزار درهم دیگر
باو بخشید ارکان دولت تعجب نموده گفتند ای سلطان این مرد را
در این سخن محال تصدیق میکنی و حال آنکه ما در اول شب و آخر شب با تو
ایم و نمی بینیم که بفرستادن صلوات اشتغال نمائی و اگر کسی در تمام اوقات شبانه
روز بفرستادن صلوات اشتغال نماید نمیتواند که شصت هزار مرتبه صلوات
فرستد پس چگونه در این صورت در اول و آخر شب میسر میگردد سلطان گفت
که من از علماء شنیده ام که هر که یکبار بصلوات آمده گوید صلوات فرستد چنانست
که ده هزار بار صلوات فرستاده است و من در اول شب سه نوبت و در آخر
شب سه نوبت این صلوات را میخوانم و چنان میدانم که شصت هزار بار صلوات
فرستاده ام پس اسید ویش که پیغام آنحضرت را آورده است میگوید و این
گویه من از شاید بود سی آمره در کتاب بحار الانوار بسند از ائمه اطهار
علیهم السلام حدیثی روایت نموده است باین مضمون که من قال فی رکوعه و سجوده
اللهم صل علی محمد و آل محمد کان له اجر رکوعه و سجوده و این حدیث را
بسه نحو معنی میتوان کرد اول آنکه مراد این باشد که هر که در حال رکوع و سجود
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد برای او خواهد بود ثواب رکوع و سجود
یعنی البته رکوع و سجودش بدرجه قبول میرسد دوم آنکه مراد این باشد

که اجر

که اجری دیگر مثل اجر رکوع و سجود باو می رسد سیم آنکه ضمیر راجع برسول
خدا صلی الله علیه و آله باشد یعنی خواهد بود مثل ثواب رکوع و سجود
آنحضرت صلوات الله علیه و آله مؤلف گوید که از این قسم صلوات در کتب
ادعیه و اخبار بسیار است و آنچه الحال در خاطر بود در فصول گذشته
مذکور نشده بود درین فصل ذکر شد و ثبت کرده شد از آنجا که اکثر علماء عامه
تصوف مایلند صلوات بسیار از مشایخ خود نقل کرده اند چنانکه بعضی
گفته اند که از شیخ سعد الدین حموی چهار هزار صلوات منقول است و بعضی دیگر
صلوات منقوله از شیخ سعد الدین را دوازده هزار ذکر کرده اند و از مشایخ
مغرب نیز صلوات بسیار در میان ایشان مذکور است و بالجمله هر یک از
مشایخ صوفیه در هر وقت که باعتقاد خود نسبت خود را برسول خدا صلی
الله علیه و آله بنحوی که گمان میکرده است بآن اعتبار صلوات ترتیب داده است
که مناسب مقامش باشد از آنجا که در طریقه ما مقتدائی بجز رسول خدا
صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام نمی باشد از نقل آنها اعراض
نموده چیزی از آثار ایشان را درین رساله نیاوردیم علاوه بر آنکه در بیشتری از آن
صلوات آل مذکور نیست و همین دلیل بموجب اخبار بسیار که در کتب فریقین
مذکور است برای ناتمامی آنها کافیست و اما صلوات کبیر آنچه در کتب متداوله

در نزد بیشتر مردم مذکور است ذکر میکنیم مانند صلوات هر روزه ماه
شعبان و هر روزه ماه رمضان و صلوات کبیر بعد از عصر روز جمعه و امثال
آنها و آنچه نسخه اش در کتب متداوله کمست ذکر خواهیم کرد که از آن
جمله صلواتی است که در نهج البلاغه مذکور است و آن این است اَللّٰهُمَّ داحِیَ
الْمَدْحُوّاتِ وَ داعِمَ الْمَسْمُوکاتِ وَ جابِلَ الْقُلُوبِ عَلیٰ فِطْرَتِها شَقِیِّها
وَ سَعِیدِها اِجْعَلْ شَرائِفَ صَلَواتِکَ وَ نَوامِیَ بَرَکاتِکَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ
وَ رَسُولِکَ الْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَ الْفاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ وَ الْمُعْلِنِ الْحَقَّ بِالْحَقِّ وَ الدّافِعِ
جَیْشاتِ الْاَباطِیلِ وَ الدّامِغِ صَوْلاتِ الْاَضالِیلِ کَما حُمِّلَ فَاضْطَلَعَ
قائِماً بِاَمْرِکَ مُسْتَوْفِزاً فی مَرْضاتِکَ غَیْرَ ناکِلٍ فی قُدُمٍ وَ لا واهٍ فی عَزْمٍ
واعِیاً لِوَحْیِکَ حافِظاً عَلیٰ عَهْدِکَ ماضِیاً عَلیٰ نَفاذِ اَمْرِکَ حَتّیٰ اَوْریٰ
قَبَسَ الْقابِسِ وَ اَضاءَ الطَّرِیقَ لِلْخابِطِ وَ هُدِیَتْ بِهِ الْقُلُوبُ بَعْدَ خَوْضاتِ
الْفِتَنِ وَ الْاِثْمِ وَ اَقامَ مُوضِحاتِ الْاَعْلامِ وَ نَیِّراتِ الْاَحْکامِ فَهُوَ اَمِینُکَ
الْمَأْمُونُ وَ خازِنُ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ وَ شَهِیدُکَ یَوْمَ الدِّینِ وَ بَعِیثُکَ
بِالْحَقِّ وَ رَسُولُکَ اِلَی الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ مَفْسَحاً فی ظِلِّکَ وَ اجْزِهِ مُضاعَفاتِ
الْخَیْرِ مِنْ فَضْلِکَ اَللّٰهُمَّ اَعْلِ عَلیٰ بِناءِ الْبانِینَ بِناءَهُ وَ اَکْرِمْ لَدَیْکَ
مَنْزِلَهُ وَ اَتْمِمْ لَهُ نُورَهُ وَ اجْزِهِ مِنِ ابْتِعاثِکَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهادَةِ

مرضيّ المقالة ذا سلطان عدل وخطة فضل اللهمّ اجمع بيننا وبينه
في برد العيش وقرار النعمة ومنى الشهوات واهواء اللذّات ورخاء الدعة
ومنتهى الطمانينة وتحف الكرامة و کفعمی از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که هر که خواهد که شاد گرداند محمّد و آل آنحضرت را صلوات الله
علیهم باین نحو بایشان صلوات فرستد اللهمّ يا اجود من اعطى ويا خير من
سئل ويا ارحم من استرحم اللهمّ صلّ على محمّد وآله في الأوّلين و
صلّ على محمّد وآله في الآخرين وصلّ على محمّد وآله في الملأ
الأعلى وصلّ على محمّد وآله في المرسلين اللهمّ اعط محمّدا وآله
الوسيلة والفضيلة والشرف والرفعة والدرجة الكبيرة اللهمّ
انّي آمنت بمحمّد صلّى الله عليه وآله ولم اره فلا تحرمني يوم القيمة
رؤيته وارزقني صحبته وتوفّني على ملّته واسقني من حوضه
مشربا رويّا سائغا هنيئا لا اظماء بعده ابدا انّك على كلّ شيء قدير
اللهمّ انّي آمنت بمحمّد صلّى الله عليه وآله ولم اره فعرّفني في الجنان
وجهه اللهمّ بلّغ محمّدا صلّى الله عليه وآله منّي تحيّة وسلاما و در
کتاب جمال الأسبوع بسند معتبر از عبد الله بن سنان روایت کرده است که جمعی
از اصحاب در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم آنحضرت خواندند و فرمودند

چگونه

چگونه صلوات بر پیغمبر صلّى الله عليه وآله میفرستید عرض کردیم که میگوییم
اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد فرمود که گویا شما امر میکنید خدا را که بر آن
حضرت صلوات فرستد عرض کردیم که پس چگونه صلوات فرستیم فرمود
که بگویید اللهمّ سامك المسموكات وداحي المدحوّات وخالق الأرضين
والسموات اخذت علينا عهدك واعترفنا بنبوّة محمّد صلّى الله عليه
وآله واقررنا بولاية عليّ بن ابي طالب عليه السلام فسمعنا واطعنا و
امرتنا بالصلوة عليهم فعلينا انّ ذلك حقّ فاتّبعنا اللهمّ انّي اشهدك
واشهد محمّدا وعليّا والثمانية حملة العرش والأربعة الأملاك
خزنة علمك انّ فرض صلواتي لوجهك ونوافلي وزكواتي وما طاب لي
من قول وعمل عندك فعلى محمّد وآل محمّد واسئلك اللهمّ ان توصلني
بهم وتقرّبني بهم لديك كما امرتني بالصلوة عليه واشهدك انّي
مسلّم له ولأهل بيته عليهم السلام غير مستنكف ولا مستكبر فزكّنا
بصلواتك وصلوات ملائكتك انّه في وعدك وقولك هو الّذي
يصلّي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين
رحيما تحيّتهم يوم يلقونه سلام واعدّ لهم اجرا عظيما فازلفنا
بتحيّتك وسلامك وامنن علينا باجر كريم من رحمتك واخصصنا

من

من محمد بافضل صلواتك وصل عليهم ان صلواتك سكن لهم
وذكنا بصلواتهم وصلوات اهل بيته واجعل ما اتيتنا من علمهم ومعرفتهم
مستقرا عندك مشفوعا لا مستودعا يا ارحم الراحمين و دیگر صلواتیست
که امام جعفر صادق علیه السلام بتجربر بتعلیم فرموده و در کتاب جمال الاسبوع
مذکور است و آن صلوات اینست اللهم صل علی محمد واهل بیته الذین
اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا اللهم صل علی محمد واهل
بیته الذین الهمتهم علمک واستحفظتهم کتابک واسترعیتهم
عبادک اللهم صل علی محمد واهل بیته الذین امرت بطاعتهم
واوجبت حبهم ومودتهم اللهم صل علی محمد واهل بیته الذین
جعلتهم ولاة امرک بعد نبیک صلی الله علیه وعلی اهل بیته
و دیگر صلواتیست که در مصباح متهجد و جمال الاسبوع و کتب دیگر
مذکور است و در مصباح مذکور است از صاحب الامر علیه السلام مرویست
و در مکه بیرون آمد برای ابو الحسن ضراب اصفهانی و در جمال الاسبوع
و کتب دیگر بسند متصل از ابو الحسن مذکور که اسمش یعقوب بن یوسف است
روایت کرده اند که گفت در سال دویست و هشتاد و یک با جمعی از اهل بلاد
خود که از مخالفان بودند بحج رفتیم و چون بنزدیکی مکه رسیدیم یکی

ازرفقا

از رفقا بیشتر رفته خانه در کوچه سوق اللیل واقعست بکرایه گرفت
آنخانه مشهور است بخانه خدیجه علیها السلام و آنرا دار الرضا علیه السلام
نیز میگویند و در آن خانه زن پیری بود و چون من دانستم که آنخانه را دار
الرضا علیه السلام میگویند از آن زن پرسیدم که ترا با اهل اینخانه چه
نسبت است و چرا اینخانه را دار الرضا میگویند آن زن گفت من از موالیان
ایشانم و این خانه از علی بن موسی الرضا علیه السلام است که بحسن بن
علی العسکری علیهما السلام رسیده است و من در خدمت آنحضرت میبودم
و چون من این را از آن زن شنیدم با او انس گرفتم و از رفقای خودم که از
مخالفان بودند پنهان داشتم و چون در شبها از طواف بر میگشتم با آن
رفقا در نزد در خانه میخوابیدیم و در را محکم می بستیم و سنگ بسیار
بزرگی بود که آنرا می غلطانیدیم و در عقب در می انداختیم و در بیشتر شبها
من روشنی چراغ در رواق آنخانه میدیدیم که شبیه بود بروشنی
مشعل و میدیدیم که در خانه بخودی خود گشوده میشد و نمیدیدیم که
کسی آنرا بگشاید و مردی چهار شانه کندم گونی که رنگش بزردی مایل بود
و لاغر اندام و در صورتش علامت سجده بود و دو پیراهن و یک ردا در
بر داشت و ردا را بر سر خود کشیده بود و نعلین در پایش بود داخل

مردی از اهل خراسان که لغت عربی را درست نمیدانست بمن سپرد آن نفقه سی
دینار بود و در آن نوشته نامو شده بود که در این سال بحج بیا هم و من امدم
انکه او را خواهم دید پس در خاطر من چنان جا گرفت که این مرد که بیرون میرود
و داخل میشود همان است پس مزده درهم صحیح که بسکهٔ حضرت امام رضا
علیه السلم بود و من انها را پنهان کرده بودم و نذر کرده بودم که انها را در مقام
ابراهیم اندازم بیرون اوردم و با خود گفتم که اگر این را بقومی از اولاد فاطمه علیها السلم
بدهم افضل خواهد بود از انکه در مقام اندازم و ثوابش بیشتر خواهد بود
پس بان زن گفتم که این درهم را بگیر و بهر که سزاوار میدانی از اولاد فاطمه
علیها السلم برسان و در گمان من این بود که این مرد را که من دیدم همانست و آن زن
اندرهمها را باو خواهد داد پس آن زن انها را گرفته بغرفه بالا رفت و بعد از
ساعتی فرود امد گفت که میگوید که ما را درین حقی نیست انها را بینداز
در همان موضع که نیت کردی ولکن چون اینها درهم رضویه است بدل انرا
از ما بگیر و در مقام بینداز من با خود گفتم که همان مرد مرا باین امر فرموده است و
نسخه توقیعی همراه داشتم که بر اقاسم بن علا باذربایجان بیرون امده بود
بان زن گفتم که میشود که این را عرض نمائی بکسی که توقیعات غائب را دیده است
گفت بمن بده که این را میشناسد و من نسخه را باو نمودم و چنان پنداشتم

که آن زن

که آن زن میتواند خواند و گفت که مرا ممکن نیست که در اینجا بخوانم و بغرفه
بالا رفت و بعد از لحظه فرود امد و گفت که میفرماید صحیح است و در آن توقیع
بود که ابشرکم ببشری ما بشرت به غیره پس آن زن گفت که میفرماید که چگونه صلوات
میفرستی بر پیغمبر خود گفتم میگویم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَ
آلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ آن زن گفت که چنین صلوات مفرست بلکه بر
همه امامان صلوات بفرست و همه را نام ببر و گفتم چنین خواهم کرد و چون
روز دیگر شد آن زن از غرفه فرود امد و دفتر کوچکی داشت و گفت که می
فرماید که چون بر پیغمبر صلوات فرستی بر آنحضرت و بر اوصیاء آنحضرت صلوات
فرست بنحویکه درین نسخه نوشته شده است و من نسخه را گرفتم و بهمان نحو
صلوات میفرستم و مکرر در شبها میدیدم که آن مرد از غرفه فرود میاید و آن روشنائی
نیز فرود می امد و من بر میخواستم و در خانه را میگشودم و در عقب آن روشنائی
میرفتم و روشنی میدیدم و کسی را نمیدیدم تا انکه داخل مسجد میشد و مردمان هم از
شهرهای بد انخانه میامدند و بعضی از انها رقعها و نوشتها داشتند و بان زن
میدادند و آن زن نیز جواب انها را بایشان میداد و با یکدیگر سخن میگفتند و من
نمیفهمیدم که چه میگویند و جمعی از انکسان که بدانخانه میامدند و میرفتند در

مراجعت

مراجعت نمایند تا بعد از نسخه صلوات کرده فرموده اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم صل علی سید المرسلین وخاتم النبیین وحجة رب العالمین
المنتجب فی المیثاق المصطفی فی الظلال المطهر من کل آفة البری من
کل عیب المرتجی للشفاعة المفوض الیه دین الله اللهم شرف بنیانه
وعظم برهانه وافلج حجته وارفع درجته واضیء نوره وبیض وجهه
واعطه الفضل والفضیلة والدرجة والوسیلة الرفیعة وابعثه
مقاما محمودا یغبطه به الاولون والآخرون وصل علی علی امیر
المؤمنین ووارث المرسلین وقائد الغر المحجلین وسید الوصیین
وحجة رب العالمین وصل علی الحسن بن علی امام المؤمنین ووارث
المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی الحسین بن علی امام المؤمنین
ووارث المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی علی بن الحسین امام
المؤمنین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی محمد
بن علی امام المؤمنین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین وصل
علی جعفر بن محمد امام المسلمین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین
وصل علی موسی بن جعفر امام المسلمین ووارث المرسلین وحجة
رب العالمین وصل علی علی بن موسی امام المؤمنین ووارث المرسلین

وحجة

وحجة رب العالمین وصل علی محمد بن علی امام المؤمنین ووارث
المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی علی بن محمد امام المؤمنین
ووارث المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی الحسن بن علی امام
المؤمنین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین وصل علی الخلف
الصالح الهادی المهدی امام الهدی امام المؤمنین ووارث المرسلین
وحجة رب العالمین اللهم صل علی محمد وعلی اهل بیته الائمة
الهادین العلماء الصادقین الابرار المتقین دعائم دینک و
ارکان توحیدک وتراجمة وحیک وحججک علی خلقک وخلفائک
فی ارضک الذین اخترتهم لنفسک واصطفیتهم علی عبادک و
ارتضیتهم لدینک وخصصتهم بمعرفتک وجللتهم بکرامتک
وغشیتهم برحمتک وربیتهم بحکمتک والبستهم نورک ورفعتهم
فی ملکوتک وحففتهم بملائکتک وشرفتهم بنبیک صلواتک
علیه وآله اللهم صل علی محمد وعلیهم صلوة کثیرة دائمة طیبة
لا یحیط بها الا انت ولا یسعها الا علمک ولا یحصیها احد غیرک
اللهم وصل علی ولیک المحیی لسنتک القائم بامرک الداعی الیک
الدلیل علیک وحجتک علی خلقک وخلیفتک فی ارضک و

شاهدک

وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين
الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين
وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه
في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه و
جميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل
ما امله في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير اللهم جدد به
ما محي من دينك واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من
حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا
مخلصا لا شك ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم
نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة
واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جبار
واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل
من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد
حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم
صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا
والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام

الهدى

الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم
وصل على وليك وولاة عهدك والائمة من ولده وزد في اعمارهم
وزد في آجالهم وبلغهم افضل آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك على
كل شيء قدير و دیگر از جمله صلواتی که ذکرش درین رساله مناسب است
صلواتیست که سید بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع و شیخ طوسی
در کتاب مصباح متهجد از عبد الله بن محمد عابد روایت کرده اند و
مشتملست بر صلوات تمام ائمه علیهم السلم و عبد الله مذکور میگوید که
در سال دویست و پنجاه و پنج در سر من رای بخدمت امام حسن عسکری
علیه السلم رفتم در وقتیکه آنحضرت در منزل خود تشریف داشت و
استدعا نمودم که املا کند بر من صلوات بر رسول خدا و اوصیای آنحضرت
صلوات الله علیهم را و کاغذ بزرگی با خود برده بودم آنحضرت این صلوات را
از خط خود بر من املا فرمود اللهم صل على محمد كما حمل وحيك وبلغ
رسالاتك وصل على محمد كما احل حلالك وحرم حرامك وعلم كتابك
وصل على محمد كما اقام الصلوة وآتى الزكوة ودعا الى دينك وصل
على محمد كما صدق بوعدك واشفق من وعيدك وصل على محمد
كما غفرت به الذنوب وسترت به العيوب وفرجت به الكروب وصل

علی

على محمد كما دفعت به الشقاء وكشفت به الغماء واجبت به الدعاء و
نجيت به من البلاء وصل على محمد كما رحمت به العباد واحييت
به البلاد وقصمت به الجبابرة واهلكت به الفراعنة وصل على
محمد كما اضعفت به الاموال وحذرت به من الاهوال وكسرت به
الاصنام ورحمت به الانام وصل على محمد كما بعثته بخير الاديان
واعززت به الايمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البيت الحرام
وصل على محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار وسلم تسليما اللهم
صل على امير المؤمنين علي بن ابي طالب اخي نبيك ووصيه ووليه
وصفيه ووزيره ومستودع علمه وموضع سره وباب حكمته والناطق
بحجته والداعي الى شريعته وخليفته في امته ومفرج الكرب
عن وجهه قاصم الكفرة ومرغم الفجرة الذي جعلته من نبيك بمنزلة
هرون من موسى اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولين والاخرين وصل
عليه افضل ما صليت على احد من اوصياء انبيائك يا رب العالمين
اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة حبيبك ونبيك
ام احبائك واصفيائك التي انتجبتها وفضلتها واخترتها

على نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها
وكن الثائر اللهم لها بدم اولادها اللهم وكما جعلتها ام ائمة
الهدى وحليلة صاحب اللواء والكريمة عند الملاء الاعلى فصل
عليها وعلى امها خديجة الكبرى صلوة تكرم بها وجه محمد صلى
الله عليه واله وتقر بها عين ذريتها وابلغهم عني في هذه الساعة
افضل التحية والسلام اللهم صل على الحسن والحسين عبديك
ووليك وابني رسولك وسبطي الرحمة وسيدي شباب اهل الجنة
افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين والمرسلين اللهم صل
على الحسن بن علي سيد النبيين ووصي امير المؤمنين عليه السلم
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين
اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما
ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم
صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية
والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة
وطريح الفجرة السلام عليك يا ابا عبد الله السلم عليك يا ابن
رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك

امين الله وابن امينه قتلت مظلوماً ومضيت شهيداً واشهد
ان الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد
في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد انك وفيت بعهد الله
وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين
لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك ولعن الله امة
البت عليك وابرأ الى الله ممن اكذبك واستخف بحقك واستحل
دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله
خاذلك ولعن الله من سمع داعيتك فلم يجبك ولم ينصرك
ولعن الله من سبى نساءك انا الى الله منهم بريء وممن والاهم وما
لاهم واعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى
وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني
بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرايع ديني
وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن
الحسين زين العابدين الذي استخلصته لنفسك وجعلت
منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق وبه يعدلون اخترته
لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته وجعلته هادياً مهدياً

اللهم

اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك
حتى تبلغ به ما تقر عينه في الدنيا والآخرة انك عزيز حكيم
اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد اهل التقوى
والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علماً لعبادك ومناراً
لبلادك ومستودعاً لحكمتك ومترجماً لوحيك وامرت بطاعته
وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت على
احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك
يا اله العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن
العلم الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته معدن
كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولي امرك
ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من
اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين
المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين
المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع
من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما
يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على

احد

احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي
بن موسى الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما
جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا
على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك
بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد
من اوليائك وخيرتك من خلقك انك جواد كريم اللهم صل
على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى ومعدن الهدى و
فرع الازكياء وخليفة الاوصياء واميتك على وحيك اللهم
وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة وارشدت
به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل عليه افضل ما صليت
على احد من اوليائك وبقية اوليائك انك عزيز حكيم اللهم
صل على علي بن محمد وصي الاوصياء وامام الاتقياء وخلف ائمة
الدين والحجة على الخلائق اجمعين اللهم كما جعلته نورا يستضيء
به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك و
حذر بأسك وذكر بآياتك واحل حلالك وحرم حرامك وبين شرائعك
وفرائضك وحض على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن معصيتك

فضل
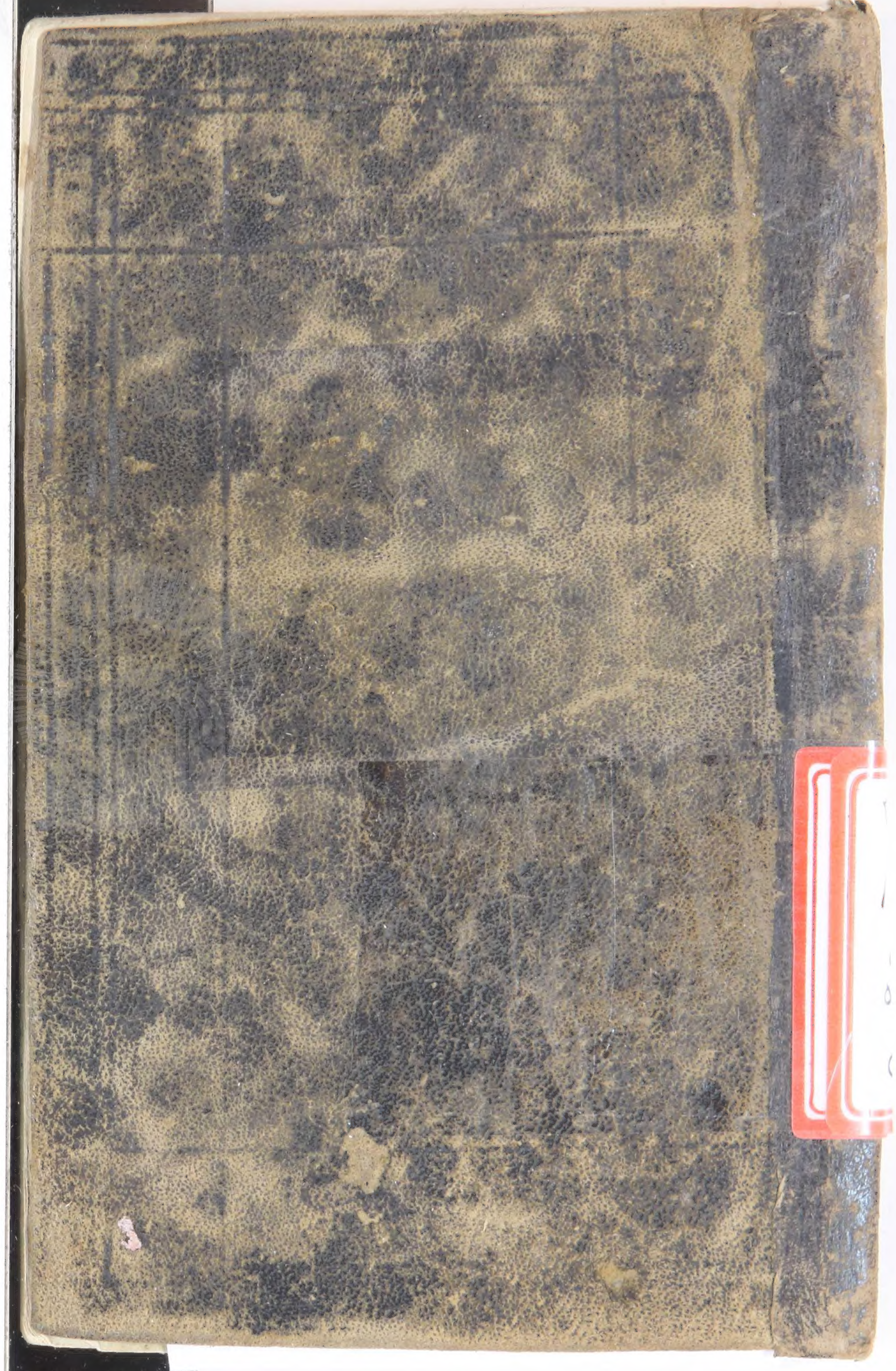
کتابخانه آستان قدس
هدیه کتاب